

انقلاب جهانی امام مهدی «عج»



تالیف:

مهندس علی اصغر اکبری

ویراستار: مرتضی داودیان

انقلاب جهانی امام مهدی (عج)

نویسنده: مهندس علی اصغر اکبری

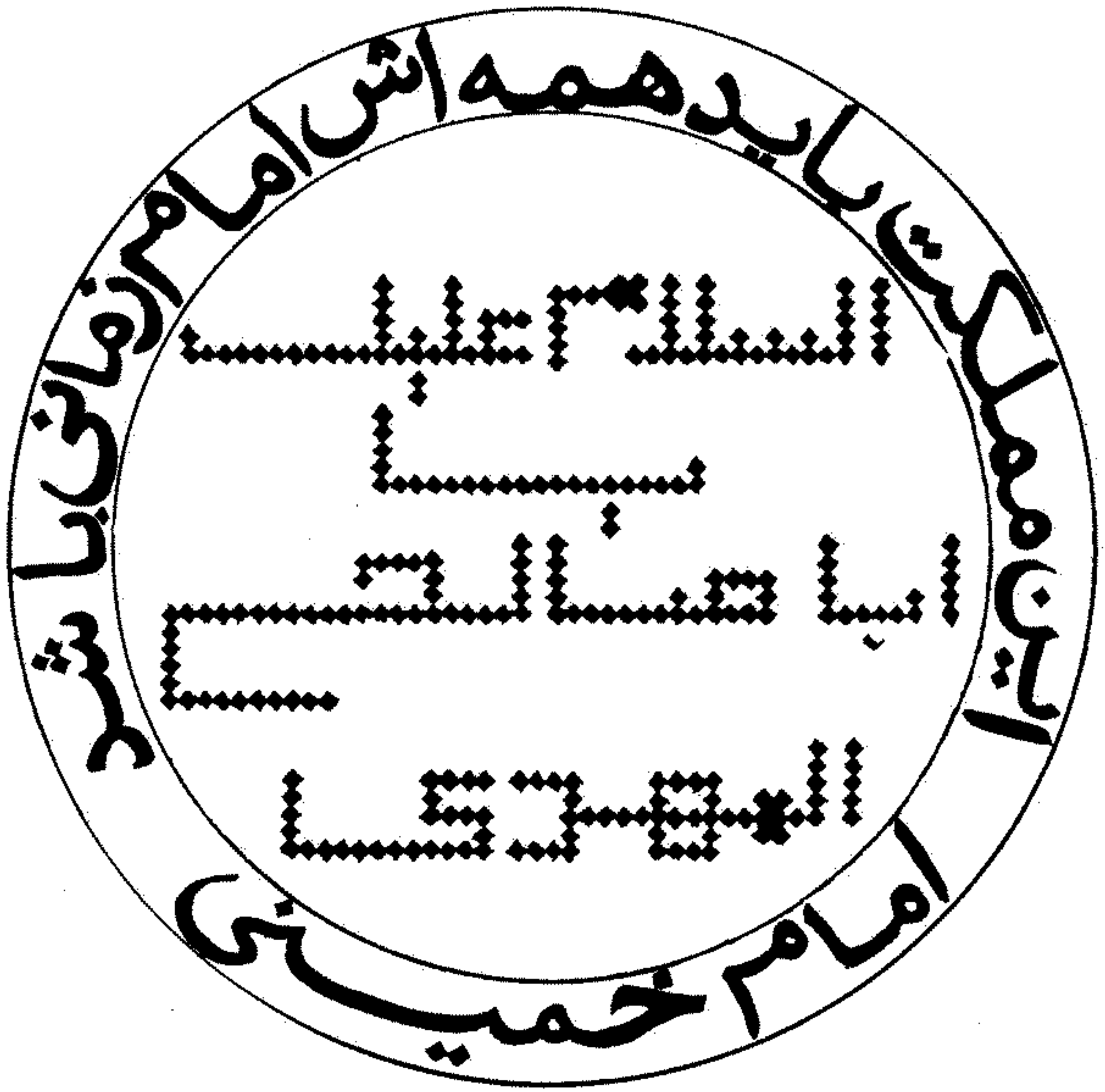
ویراستار: مرتضی داودیان

انتشارات گنجینه: خیابان ناصر خسرو

تلفن ۵۳۰۰۲۱

شناسنامه کتاب

- نام کتاب : انقلاب جهانی امام مهدی (عج)
- نویسنده : مهندس علی اصغر اکبری
- ویراستار : مرتضی داودیان
- ناشر : انتشارات گنجینه
- چاپ : چاپخانه آرمان
- تیراژ : ۱۰۰۰۰
- صحافی : کیا



حضرت مهدی ع

طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ
طَرَفِنَا هَلِ الْبَيْتِ
مُسَاوِقٌ لِإِنْكَارِنَا
جُتْجُوهِي مَعَارِفِ

خُزْرَاوَرَاهِ مَا خَانْدَانِ پِيَا مَبْرُ

بِرَابِرِ بَا انْكَارِ مَا خَوَاهِدِ بُوَدِ .

« دین و فطرت جلد ۱: نقل از اسناد عظم آیه...
میرزا مهدی اصفهانی »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

"اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا الْبَغْيَ وَالنِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتُجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ"

در این اندیشه بودم کتابی درباره مهدی موعود، حجة بن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین له الفداء بنویسم، با چه مطلبی شروع کنم که شایستگی مقام والای آن را داشته باشد. و هرچه بیشتر فکر میکردم، بیشتر به ضعف و ناتوانی خود پی می بردم، و در این زمینه قلم را قاصر و بیان را لرزان میدیدم، چگونه من از شخصیتی دم زنب که امام صادق (ع) ششمین رهبر شیعیان جهان درباره ایشان میفرمایند: "وَلَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي" "غیبت نعمانی، بحار ج ۵۲ ص ۱۴۸).

و آرزوی میکند تا از خدمتگزاران آن حضرت باشد. و یا رسول گرامی اسلام به حضرت سیدالشهداء میفرمایند: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْتَ سَيِّدٌ مِنَ السَّادَةِ وَأَنْتَ إِمَامٌ مِنَ إِمَامِ الْأَئِمَّةِ تَشْتَعِقُ تَابِعِيهِمْ قَائِمُهُمْ إِمَامُهُمْ أَعْلَمُهُمْ أَحْكَمُهُمْ أَفْضَلُهُمْ.

"منتخب الاثر صفحه ۹۶" ای ابا عبدالله تو در میان سروران آقایی و در میان ائمه امام، تو پدر نه امامی که نه من اینان قائم و امام واعلم و احکم و افضل آنهاست. و یا حضرت صادق (ع) روایت میکنند، که زمانیکه سیدالشهداء حسین بن علی (ع) در خون خود می غلطید، فریاد ملاحظه بلند شد "يَا رَبِّي يَفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ؟" و ضجه کشیدند، که خدایا، پروردگارا بنگر که با حسین فرزند پیامبرت چگونه رفتار می کنی، "و چه ظلمهائی که بر او روا داشتند."

فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلًّا الْقَائِمِ وَقَالَ بِهَذَا أَنْتَقِمُ لَهُ مِنْ ظَالِمِهِ (منتخب الاثر صفحه ۲۹۸)

در این هنگام خداوند سایه مهدی موعود و قائم آل محمد "عج" را گسترانید و ملائکه این سایه را می دیدند و بعد خداوند فرمودند:

بوسیله او (یعنی مهدی موعود) از ستمگرانش انتقام خواهم کشید.

پس من چگونه درباره شخصیتی سخن بگویم که امام صادق آرزوی خدمتگزاری او را دارد، و پیامبر خدا او را قائم و امام واعلم و احکم و افضل بر نه امام از فرزندان سیدالشهداء (ع) میخواند، و خداوند او را انتقام گیرنده خون سیدالشهدا میداند. من چگونه درباره شخصیتی سخن بگوئیم، که او برای جهانیان امان از عذاب است "وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ" بحار ج ۵۳

من چگونه دربارہ شخصیتی سخن بگویم که اگر نباشد زمین اهلش را فرو خواهد برد، اما این سخن از اوست که میفرمایند **وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ** . و اما در حوادث و واقعه‌ها به راویان حدیث ما رجوع کنید که ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر ایشانم (کمال‌الدین صفحه ۴۸۴) .

در اینجا صلاح در این دیدم که به راوی حدیث ایشان در عصر خودمان و یا بر نایب ایشان و یا رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی ایران امام خمینی مدظله‌العالی مراجعه کنم و از ایشان یاری بطلبم و از پیام این بزرگوار که در تاریخ نیمه شعبان سال ۱۴۰۱ (هـ.ق) برای امت مسلمان ایران فرستاده است یاری بگیریم . و این است متن آن پیام :

"سالروز مبارک ولادت با سعادت و پر برکت حضرت خاتم‌الاولیاء ، ومفخرالاولیاء حجه‌بن‌الحسن‌العسکری ارواحنا‌لمقدمه‌الفداء بر مظلومان دهر و مستضعفان جهان مبارک باد ، و چه مبارک است میلاد بزرگ شخصیتی که برپاکننده عدالتی است که بعثت انبیاء علیهم‌السلام برای آن بود . و چه مبارک است زاد روز ابرمردی که جهان را از شر ستمگران و دغلبازان تطهیر می‌نماید ، و زمین را پس از آنکه ظلم و جور آنرا فرا گرفته پر از عدل و داد مینماید ، و مستکبران را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می‌نماید ، و چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغل‌بازیه‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد و منافقان و حیل‌گران از صحنه خارج شوند ، و پرچم عدالت در جهت حق تعالی بر بیس‌ط زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخهای ستم و کنگره‌های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیاء علیهم‌صلو‌الله و حامیان اولیاء علیهم‌السلام بوده تحقق یابد ، و برکات حق تعالی بر زمین نازل شود و قلمهای سنگین و زبانهای نفاق افکن شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتو افکن گردد ، و شیاطین و شیطان‌صفتان به انزوا گرایند و سازمانهای دروغین حقوق بشر از دنیا برچیده شوند ، و امید است که خداوند آنروز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده هرچه زودتر فرا رساند ، و خورشید هدایت و امامت را طالع فرماید و اکنون ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در کشور ولی عصر "عج" حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغلبازی‌ها بپرهیزیم . و رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم و همگان در مقابل قانون خاضع باشیم و با صلح و صفا و برادری و برابری در پیشبرد انقلاب اسلامی کوشا باشیم و حق تعالی را در همه احوال حاضر و لازم بدانیم و تخلف از دستورات اسلام ننمائیم و به وسوسه فتنه‌انگیزان اعتنا نکنیم

از نفس گرم ولی‌الله اعظم "عج" میخواهم که از خداوند متعال تقاضا فرماید که همه ما و همه مقامات و تمام ملت شریف را توفیق به عمل باسلام و قوانین اسلامی عطا فرماید و تعجیل در

ظهور بقیة الله روحی فداه نماید .

آری انقلاب جهانی امام مهدی "عج" بر تمام مستضعفان و تمام مظلومان جهان مبارک خواهد بود، زیرا در این انقلاب است که آنها پس از قرن‌ها وارث زمین خواهند شد. و عدالت واقعی را به عین خواهند دید، و شخصیت واقعی انسانی خود را خواهند یافت. و در این انقلاب است که آرزو و آمال همه پیامبران الهی جامه عمل خواهد پوشید و برنامه‌های امام مهدی "عج" را امام امت به بهترین وجهی بیان فرموده‌اند، و برای اینکه ما بتوانیم از این پیام بطور کامل استفاده کنیم فهرست‌وار به بعضی از قسمتهای آن اشاره می‌نمائیم. و احادیث و آیات نیز استفاده میکنیم.

۱- در زمان حکومت مهدی موعود بشریت و یا جهانیان به عدالت واقعی دست خواهند یافت و پرچم عدالت بدست توانای حضرت بقیه... "عج" برافراشته میشود.

"بِهِ يُثَلِّئُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا كُنْتُمْ تُظْلَمُونَ" .

به او خداوند زمین را پر از عدل و داد میکند همانطوریکه پر از ظلم و جور شده بود.

۲- در آن انقلاب بزرگ جهانی همه مستکبران و ظالمان نابود میگردند. و همه دولتهای باطل نابود میشوند. "إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ" چون قائم بیاخیزد همه دولت‌ها و حکومت‌های باطل نابود شدند الاثر فصل ۷ باب ۲ حدیث ۳ ماه

۳- مستضعفان وارث زمین خواهند شد. و به آرزو و آمال همه پیامبران الهی جامه عمل خواهند پوشانید. سوره قصص آیه ۵

و تَرِيدَ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَقَمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ .

و ما چنین اراده نمودیم که مستضعفین زمین را منت گذاریم و آنان را رهبر و پیشوا کنیم، و میراث زمین را در اختیار آنها قرار دهیم

۴- منافقین و کافرین نابود شده و بتپرستی نیز به تاریخش پایان داده میشود، و همه افراد بشر خداپرست خواهند شد. سوره نور - آیه ۵۵

يَعْبُدُونَ وَ نَهَى الْأَيْشِرِكُونَ بِي شَيْئًا "

در آن زمان تنها پرستش و بندگی مرا پیش خواهند گرفت و هیچ چیز دیگری راهمتای من نخواهند شمرد.

۵- بدست توانای قائم آل محمد "عج" یک حکومت واحد جهانی تشکیل میگردد، و در این حکومت تبعیضات مختلف از بین خواهد رفت.

يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ (کمال الدین باب ۳۲ حدیث ۱۶)

حضرت باقر فرمودند: حکومت مهدی شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت.

۶- در حکومت امام مهدی (عج) قوانین اسلام دقیقاً " اجرا خواهد شد.

قال رسول الله: سُنَّتُهُ سُنَّتِي، يُقِيمُ النَّاسَ عَلَىٰ وَلَّتِي وَشَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ كِتَابِ رَبِّي.

روش او همان روش من است، او مردم را به دین و آئین من به پامیدارد، و آنها را بسوی کتاب خدایم قرآن فرا میخواند.

(کمال الدین باب ۳۹ حدیث ۶)

۷- امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران فرمودند، ما برای اینکه بتوانیم نهضت و انقلاب پیروزمندانه ایران را به آن انقلاب بزرگ جهانی وصل کنیم، اولاً " باید از منتظران باشیم، و ثانياً " اعمال خودمان را اسلامی کنیم یعنی مسلمان واقعی باشیم.

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ

برترین و بهترین عبادت‌ها انتظار فرج است.

و ما مسئولیت داریم، مسئولیم،

مسئولیم و باید نسبت به امام زمان خود، و نسبت به آخرین بازمانده از خاندان عصمت

و طهارت از سلسله امامت معرفت پیدا کنیم او را بشناسیم، و مسئله مهدویت را فقط ذهنی

نپنداریم، و آن را بصورت عینی درآوریم و با سازندگی که در خودمان ایجاد می‌کنیم حتی

بتوانیم از حضور آن حضرت استفاده کامل برداریم، و چیز مهمتر اینکه مسئولیت دیگرما این

است که امام زمان خودمان را به دیگران بشناسانیم، و به دیگران کمک کنیم تا دیگران هم امام

زمان را بشناسند، و باین وسیله امت اسلامی خودمان را آماده کنیم، آماده برای استقبال،

آماده برای جهاد، و آماده برای یاری امام زمان "عج"

و در انتها باید به این نکته اشاره کنم که امروزه امت اسلامی ما نسبت به گذشته به امام

زمان بیشتر نزدیک شده است و ما از فریادهای آنها میتوانیم به این حقیقت پی ببریم،

و امام امت ما هم یک آرزوی بزرگ دارد، و آن آرزوی بزرگش که در سخنرانی‌های خود

بسیار به آن اشاره میکند این است که میفرمایند، میتوانیم این نهضت را به نهضت جهانی

امام مهدی وصل کنیم.

و ملت مانیز چنین آرزویی را دارند، و این آرزو را در شعار بسیار زیبای زیر بیان

میکنند.

الهی الهی تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار "الهی آمین"
الهی الهی تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار "الهی آمین"
الهی الهی تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار "الهی آمین"

علی اصغر اکبری "زمستان = ۱۳۶۰ = شهران

شناخت انقلاب

« قسمت اول »

سدیهی است که مبانی عقیدتی و فکری هر مسلمانی باید بر اساس تحقیق و پژوهش و تنقیری باشد، و هر مسلمان از دیدگاه اندیشه‌های اسلامی باید درباره این اصول تحقیق کامل داشته و عقیده‌اش را از پدر و مادر و اقوامش به ارث نبرده باشد. و اگر مسلمانی چنین استدلال کند که دلیل مسلمان بودن من این است که پدر و مادرم مسلمان بوده‌اند هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و بطور کلی جهان بینی یکفرد مسلمان و عقیده‌اش به اصول دین باید از روی دلیل و برهان و منطق باشد. و او در اصول دین نمی‌تواند تقلید کند و گفته دیگران را نمی‌تواند بدون دلیل بپذیرد، و دیانت مقدس اسلام در هر زمینه از مطالب اسلامی سعیش بر این است که پیروانش را منطقی بار آورد، لذا ما در قرآن کریم سوره‌الاسراء (بنی اسرائیل) آیه ۳۶ می‌خوانیم.

”وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا“

ای مسلمان تبعیت مکن و پیروی منما، از آنچه که نمیدانی همانا گوش و قوه شنوایی تو و چشم قوه بصیرت تو و قلب و قوه ادراک تو، همه در مقابل قسط و عدل الهی مسئولیت دارند، و تو مسئولی در مقابل الله و خالق خویش، و این مسئله درباره اصول دین در قالب واحیات ارائه شده است، که بر هر مسلمانی واجب است اصول دین خودش را بر اساس تحقیق بداند.

باز در قرآن کریم سوره زمر آیه ۱۸ میخوانیم.

فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

ای پیامبر بشارت بده به آن بندگانم که به نظرات و ایده‌های مختلف گوش فرا میدهند و بهترین آنها را بر میگزینند، و آنرا سرمشق زندگی خویش قرار می‌دهند، و سرانجام هم به سعادت و جاودانگی واقعی میرسند و ما در اولین مسئله از مسائل رساله‌های عملی خودمان چنین میخوانیم.

عقیده مسلمان با اصول دین پایدار روی دلیل و یقین باشد والا نمی‌تواند در اصول دین

تقلید نماید، یعنی بدون دلیل گفته کسی را قبول کند.

پس هر فرد مسلمان باید اصول دین خود را با دلیل قبول کند، و هر فرد مسلمان باید بداند که:

۱ - بینش و اندیشه و فکر او باید بر اساس واقعیات باشد، او نباید مانند "ایده‌آلیست‌ها" و "ذهن‌گرایان" جهان را خواب و خیال بداند، و آنرا بی‌هوده بشمارد. و نباید مانند "ماتریالیست‌ها" و ماده‌گرایان جهان را ماده صرف فقط بحساب آورد، و باز آنرا حیر مطلق بداند، و زندگی را بر خود تلخ کند، و همه چیز آنرا ظالمانه بحساب آورد.

او باید بداند که این ساختمان عظیم و این بنا با شکوه دارای مهندسی است دانا که آنرا بر اساس اصول مهندسی دقیق خلق کرده است. و همه مخلوقات دارای خالق عالم و توابا می‌باشند که نسبت به همه آنها مهربان است و او جهان را بدون حساب و کتاب رها نکرده است، و هر فرد مسلمان باید با فریاد "لا اله الا الله" همه قدرتها و همه نیروها، و همه... را نغی نموده و با فریاد "لا اله الا الله" به سر منزل مقصود برسد، و همه زنجیرهای بردگی و بندگی را نابود سازد. و اگر چنین کرد آنوقت است که نجات یافته است و به قله رفیع سعادت دست یافته است.

(تفلحوا" و چه شعار زیبایی است "قولوا لا اله الا الله تفلحوا")

۲ - بینش و اندیشه هر فرد مسلمان باید چنین باشد که این خالق و این رازق و این پرورش دهنده همه چیز در عالم، عادل است و ظالم نیست.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ

سوره یونس آیه ۴۴ " خداوند تعالی هرگز به بندگان ستم نخواهد کرد، و نمی‌کند و لیکن مردم خودشان بخودشان ستم می‌نمایند، او ظالم نیست او عالم است، و هر فرد مسلمان این اصل را متمم اصل توحید و آنرا پایه اصلی معاد بحساب می‌آورد.

۳ - هر فرد مسلمان باید بر اساس منطق و دلیل بپذیرد که: اجتماع بشر بر اهرانی الهی و معصوم نیازمند است که بدون این رجال الهی انسان نمی‌تواند به سعادت واقعی برسد، و تنها در سایه قواست این رهبران الهی است که جامعه، جامعه‌ای انسانی و مملو از قسط و عدل و داد خواهد شد.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (سوره

حدید آیه ۲۵)

هر آینه پیامبران خود را با دلائل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب و میزان ارسال داشتیم تا اینکه مردم بدادگری قیام کنند.

۴ - هر فرد مسلمان چنین باید بیاندیشد که بازگشت همه به سوی خداست ، و پس از این جهان ، جهان دیگری است که همه باید در آن عالم جمع آیند ، و همه افراد نتیجه اعمال خوب و بد خود را در آن جهان ببینند .

اللَّهُ إِلَهٌ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَتَيْتُمْ فِيهِ (نساء آیه ۸۷)

خدائی که جز او هیچ پروردگار دیگر و خود ندارد ، او در روز رستاخیز و قیامت که هیچ گونه شک و تردیدی در آن نیست انسانها را جمع خواهد نمود .

۵ - و هر فرد مسلمان باید چنین بیاندیشد که بر اساس آیات الهی و احادیث نبوی ، پس از رسول خدا برای راهنمایی بشر دوازده نفس مقدس و ۱۲ رهبر الهی ، بدستور خداوند رهبریت شر را بدست میگیرند ، و این اصل را از اصول اندیشه‌های خود بحساب می‌آورند ، و آنرا متمم اصل نبوت میدانند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ

(سوره نساء آیه ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، اطاعت کنید خدا و رسول گرامی و فرمانداران خودتان را . پس اعتقاد به مسئله امامت اصلی است مسلم در اسلام ، که هر مسلمانی باید رهبریت دوازده نفس مقدس را که اول آنها علی بن ابیطالب (ع) است و آخرین آنها امام مهدی (عج) است ، باید بپذیرد . و درباره آن به تحقیق بپردازد ، بخصوص امروزه پیرامون آخرین امام حضرت مهدی (عج) باید تحقیق داشته باشد .

او باید بداند که امام مهدی رهبریت انقلابی جهان را بعهدہ دارد ، او باید بداند که در این انقلاب همه جهان بگرد اسلام حلقه خواهند زد ، و او باید بداند که مستضعفین بر رهبریت این بزرگوار و ارث زمین خواهند شد ، و او باید بداند که انکار مهدی (عج) و انکار انقلاب جهانی او باعث می‌گردد که او از خط ایمان آوردن خارج شود ، و در خط کفار درآید ، چه آن از ضروریات دیانت مقدس اسلام است و این فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) است که میفرمایند :

مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا نَزَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ (۱)

هر کس انکار کند قیام و انقلاب و خروج امام مهدی (عج) را کافر شده است بر آنچه که بر پیامبر خدا محمد (ص) نازل گردیده است ، و در این حدیث شریف به سه نکته اساسی اشاره شده است .

۱ - خروج و انقلاب باشکوه امام زمان "عج" مسئله‌ای است حتمی که ما آنرا انقلاب عظیم مستضعفین جهان میدانیم .

۲- انکار این انقلاب و انکار این قیام الهی مساوی با انکار قرآن کریم است .
 ۳- کسانی این انقلاب را منکر میشوند در پیرامون آن تحقیق و تحری نمی‌کنند و درباره آن شناخت و معرفت ندارند ، در این حدیث شریف پیامبر اسلام (ص) این نکته را تلویحا " بیان میکند که بهترین منبع برای شناخت مهدی و انقلاب او قرآن کریم است ، و هرکس در قرآن- کریم تحقیق کند ، و در این کتاب آسمانی عمیق بشود ، هرگز مهدویت و انقلاب جهانی امام مهدی (عج) منکر نخواهد شد .

حالت اینحاست همانطوریکه گفته شد افرادی مسئله قیام و انقلاب مهدی (عج) را انکار می‌کنند که با قرآن مجید آشنائی ندارند و در این کتاب آسمانی تحقیق ننموده‌اند ، من اطمینان کامل دارم ، هرکس که با قرآن کریم آشنائی مختصری داشته باشد ، هرگز ظهور و انقلاب مهدی "عج" را انکار نخواهد کرد . چون درباره مسئله مهدویت و قائمیت و حرکت انقلابی امام زمان "عج" در قرآن آیات فراوانی داریم که ما در این نوشته به آن اشاره خواهیم کرد . پس اگر ما بخواهیم در خط کسانی که مهدویت را انکار میکنند قرار نگیریم باید مسائل زیر توجه کنیم .

۱- بهترین منبع برای تحقیق پیرامون مسئله مهدویت قرآن کریم است و محال است انسانی در قرآن تحقیق کند و مهدویت را انکار بنماید .

۲- دومین منبع کتابهایی است که تا بحال مسلمین پیرامون این مسئله نوشته‌اند ، و در این کتابها این مسئله را با ثبوت رسانیده‌اند ، و بر کسانی که آشنائی با مسئله مهدویت ندارند لازم است پائین کتابها مراجعه کنند^۲

۳- مراجعه به متخصصین و محققین پیرامون این مسئله که از بهترین طریقه‌های آن میباشد .

و باز رسول خدا (ص) میفرماید :

مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي^۳

کسی که فرزندم "قائم آل محمد" را نپذیرد ، مرا نپذیرفته و انکار کرده است ، و هرکس او را انکار کند مرا انکار نموده است در این حدیث شریف پیامبر اکرم (ص) انکار وجود مقدس حضرت نقیه‌الله "عج" را انکار خود میداند ، چون محال است کسی در زندگی و سیره رسول‌الله (ص) تحقیق کند و به مسئله مهدویت برخورد ننماید .

پیامبر خدا (ص) بارها و بارها درباره مهدویت ، و وجود اقدس مهدی "عج" قبل از تولد او صحبت کرده و در این باره اشارات فراوانی به پدر ایشان و مادر ایشان و عیبت‌گیری و عیبت صفرای آنحضرت و ... نموده است پس در جهان بینی ما باید پیرامون هر مسئله‌ای تحقیق نمود مخصوصا " اگر آن مسئله از اصول دین باشد . . .

در گذشته دشمنان اسلام نگذاشتند که ما درباره مسائل اسلامی تحقیق کنیم حال که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسیده است و می‌رود تا این انقلاب به رهبری قائد عظیم‌الشان، امام خمینی، تمام کشورهای اسلامی را در بر بگیرد، و ما در این کشور آزاد شده‌ایم، چرا پیرامون مسائل اسلامی تحقیق نداشته‌باشیم در گذشته ما حرکت چشمگیری نداشتیم، ولی حال باید حرکت کنیم، حرکت برای معرفت پیدا کردن به الله و رسولش و خاندان عصمت و طهارت (ع) و حرکت برای شناخت ریشه‌های اصیل مهدویت و قائمیت. شما خود فکر کنید که تا بحال چند کتاب پیرامون اسلام مطالعه کرده‌اید، و چند کتاب درباره مسئله مهدویت مطالعه نموده‌اید، و در باره این مسئله چقدر به خبرگان آن مراجعه نموده‌اید، سخن ما در اینجا با کسانی است که پیرامون این مسئله مشکلات فراوانی دارند، راستی شما در این باره چقدر تحقیق کرده‌اید؟ و آیا اگر شما درباره این مسئله قبلاً تحقیق کرده بودید آیا امروز دارای این اشکالات بودید؟ و آیا اشکالات شما برطرف نشده بود؟ مسئله مهدویت و قائمیت آنقدر مهم است که پیامبر اکرم (ص) باز میفرمایند،

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (۴)

کسی که به هنگام مرگ، امام زمان خویش را نشناسد، و درباره امام زمانش معرفت و شناخت نداشته باشد مثل این است که در زمان جاهلیت مرده است او کافر از دنیا می‌رود چون در جاهلیت کفر بوده و جاهلان نیز کافر بودند. (گفتیم البته اگر این انکار از روی عمد باشد) پس باید تحقیق کنیم، باید تفحص نمائیم. باید گوش کنیم، تا آنکه کافر از دنیا نرویم تا آنکه در زمان مرگ منکر قرآن نباشیم، تا آنکه در لحظه ترک دنیا منکر رسول خدا (ص) نباشیم و تا آنکه زمان مردنمان مانند زمان جاهلیت نباشد.

اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ

خدایا ما را از رحمت خود مأیوس مگردان

وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ أَوْلِيَاءِكَ وَاحْبَابِكَ

و ما را در زمره اولیاء و دوستانات محشور فرما

اللَّهُمَّ أَحْيِنَا حَيَاةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

خدایا زنده کن ما را بمانند حیات و زندگی محمد (ص) که درود و سلام خدا

بر او و بر آل او باد

وَأَمِتْنَا مَمَاتِهِمْ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ

و مردن ما را مردن آنها (اهل بیت "ع") قرار بده و ما را در زمره آنها

محشور بگردان

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا

و بین ما و آنها حتی یا اندازه یک چشم بهم زدن هم جدایی میانداز.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و درود و سلام خدا برسید ما و نبی ما حضرت محمد (ص) و آل طاهر

و پاکش:

"کتاب معاد - صفحه ۵۵ - آیه الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی"

شناخت انقلاب

« قسمت دوم »

فیلسوف بزرگ و دانشمند کبیر ابن سینا میفرماید:

هر آنچه از عجائب و غرائب شنیدی آنرا ممکن و شدنی بشمار مگر آنگاه که برهانی استوار بر نبود آن یابی

طبق این گفته ابن سینا تا زمانیکه ما در باره مسئله‌ای تحقیق کامل نداشته باشیم نمی‌توانیم آنرا انکار کنیم، هر چند که بنظر ما از عجائب و غرائب بحساب آید، مگر آنکه برهان و دلیل استوار و نیکو بر علیه آن داشته باشیم. امام صادق (ع) میفرمایند: "خداوند در قرآن بندگان خویش را با دو آیه اختصاص داد و تأدیب فرمود یکی اینکه:

"تا به چیزی علم پیدا نکرده‌اند آنرا تصدیق نکنند (شتابزدگی در تصدیق) و دیگر اینکه تا به چیزی علم و یقین پیدا نکرده‌اند، به مرحله علم و یقین نرسیده‌اند آنرا نفی نکنند (شتابزدگی در انکار خداوند در یک آیه قرآن (سوره اعراف آیه ۱۶۹) میفرمایند: **الْمُ يُؤَخِّذُ عَلَیْمِهِمْ مِثْقَالَ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ** آیا از آنها در کتاب (کتاب فطرت با کتابهای آسمانی) پیمان گرفته نشده که جز آنچه حق است (و حق بودنش محرز است) به خداوند نسبت ندهند؟ و در آیه‌ای دیگر در سوره یونس آیه ۳۹ فرمودند: **بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ** انکار کردند چیزی را که بآن احاطه و علم نداشتند (۵).

با توجه به نکات فوق مسئله قائمیت را میتوان مورد بررسی قرار داد، این بررسی در دو قسمت انجام میشود اول اینکه تا بحال کسی نتوانسته است با ادله منطقی وجود آن حضرت را نفی نماید، پس انکار و تکذیب آن وجود مقدس غیر عقلانی و غلط است ثانیاً "در اثر تحقیق و تفحص، صد در صد انسان به نتایج بسیار مطلوب میرسد.

دکارت دانشمند معروف اولین اصل منطقی خود را چنین مطرح میکند که: هیچ چیزی را حقیقت ندانم مگر،

اینکه بر من بدیهی باشد و از شتابزدگی و سبق ذهن و تمایل بپرهیزم و نپذیرم مگر آنرا که چنان روشن و متمایز باشد که هیچگونه شک و شبهه در آن نماند (۶)

پس تا زمانیکه ما در باره مسئله‌ای پژوهش و تحقیق کامل نداشته باشیم نمی‌توانیم آنرا

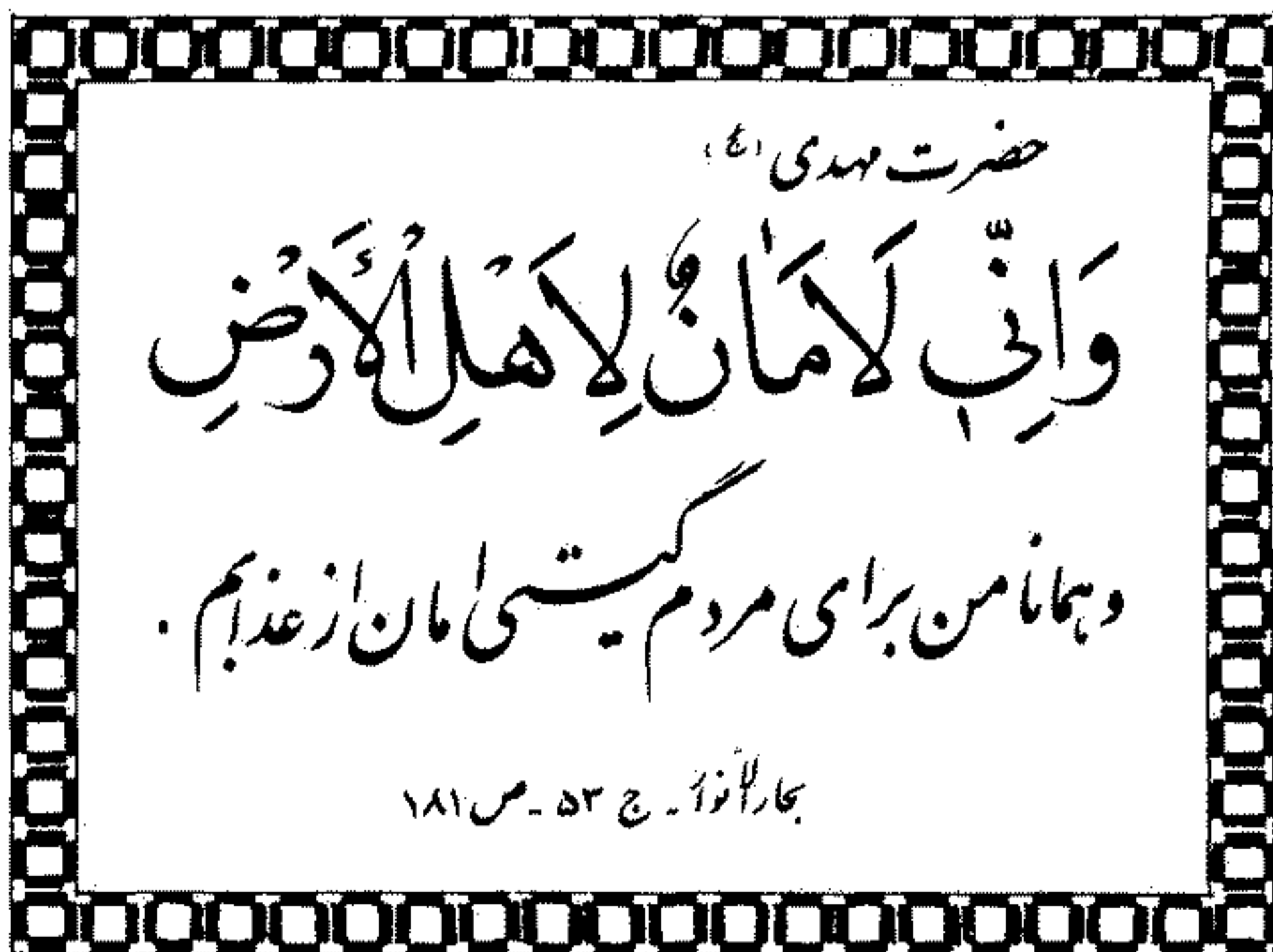
انکار کنیم ، و مسئله قائمیت و انقلاب عظیم و با شکوه امام مهدی "عج" یکی از مسائل اثبات شده در قرآن و احادیث نبوی و در دیانت مقدس اسلام است و ادیان و مذاهب قبل از اسلام نیز به آن اشاره نموده‌اند ، و شیعه و سنی در طول قرن‌ها با دلائل بسیار محکم این مسئله را با اثبات رسانیده‌اند ، و در اطراف آن بسا مخالفین به بحث پرداخته‌اند ، مهمترین مدارک و دلائل ما برای اثبات این مسئله عبارتست از :

۱ - قرآن کریم : که قبلاً گفتیم از مهمترین منابع اثبات مسئله مهدویت است و در این کتاب آسمانی ده‌ها آیه پیرامون این مسئله بازگو شده است .

۲ - احادیث نبوی : دومین دلیل برای اثبات وجود اقدس بقیة الله "عج" احادیث نبوی و روایات و ائمه اطهار است که به بیش از ده‌هزار حدیث بالغ میگردد ، که ما در این باره در آینده بحث خواهیم کرد (۷)

۳ - کتب پیامبران قبل از اسلام و فرمایش پیامبران قبل از رسول گرامی اسلام که در آنها باین انقلاب اشاره شده است .

۴ - وجود مبارک امام زمان "عج" یکی دیگر از دلائل مهمی که ما میتوانیم برای اثبات مهدویت مطرح سازیم وجود اقدس حضرت بقیة الله است ، که عده‌ای زیاد در گذشته مانند علامه حلی و علامه بحر العلوم و سیدبن طاووس و شیخ زین العابدین سلماسی و مقدس اردبیلی و ... بحضور آن حضرت مشرف شده‌اند ، و از وجودش کسب فیض نموده‌اند . و حتی عده‌ای از آنها آنقدر به پیشگاه آنحضرت مشرف میشدند که با "تن" صدای آن حضرت نیز آشنا میگشتند . و امروزه نیز عده زیادی هستند که به پیشگاه آن حضرت مشرف میشوند .



اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْغَائِبِينَ وَالْمُتَّوِّقِينَ عَنَّهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ
وَالْمُمْتَلِينَ لِأُؤَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنَّهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيِّنَاتِ
يَدِيهِ اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْتِي وَبَيْتِهَا الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخِر
جَنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا " كَفَيْ شَاهِرًا " سَيِّفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي
الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْفُرْقَةَ الْحَمِيدَةَ وَالْكَوْكَبَ الْبَاقِيَّ -
بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَعَجَلٍ فَرَجَهُ وَسَهْلٍ مَخْرَجَهُ وَأَوْسَعٍ مَنَهْجَهُ وَأَسْلَكَ بِهَا مَحَجَّتَهُ
وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَرْزُوقَهُ وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ (۸)

پروردگارا مرا از انصار و یاران آن بزرگوار (حضرت مهدی "عج") قرار ده و آنانی که از او
دفاع می کنند و از پی انجام مقاصدش می شتابند و او امرش را اجرامی کنند و از وی حمایت می نمایند
و بجانب اراده اش مشتاقانه سبقت می جویند و در حضور حضرتش (در رکاب ظفرمندش) بدرجه
رفیع شهادت می رسند مرا در زمره آنان مقرر فرما .

خداوند اگر مرگ بین من و او حائل شد ، آنچنانکه بر بندگان حتم کردی و مقرر داشتی ،
به هنگامی که ظهور آنحضرت انجام گرفت ، مرا از قبر خارج ساز . در حالی که کفن بر تن دارم
و شمشیرم را از نیام برکشیده و نیزه افراشته و لبیک گویم دعوتش را که بر تمام مردم شهر و
دیار عالم لازم الاجابه است ، اجابت کنم .

ای خدا بما (شیعیان چشم انتظار به ظهور امام زمانمان) آن چهره زیبای رشید را بنما
(که چشمان اهل عالم مشتاق دیدار وجود پر برکت اوست) و از پرده غیث پدیدار کن و سرمه
نور و روشنی ابد بیک نظر بر آن جمال مبارک بچشم من بکش .

و فرج و ظهور آنحضرت را نزدیک و خروجش را آسان ساز . و توسعه و گسترش در طریق
وی عطا فرما و مرا بطریقها حجت و بیان او سلوک (سازش) ده و فرمان آنحضرت را نافذ گردان
و پشت او را قوی (یعنی سیاهشرا فاتح) ساز . و ای خدای کریم شهر و دیارت را بوجود او آبادان
گردان . و بندگان را بتوسط او زنده ساز (یعنی بندگان صالحان را در ظهور پر سرورش قوت و قدرت
و عزت و عظمت بخش) .

آیا تا بحال در این اندیشه بوده‌اید که علت این همه جنگهای ویران کننده که هر روز هزاران نفر را بخاک و خون میکشد چیست؟ انسانها هر روز هزاران هم‌نوع خود را مانند حیوانات درنده میدرنند؟

چرا هر روز باید هزاران خانه و آشیانه که بوسیله خود بشر بنا میشود، بوسیله بمب‌ها و موشک‌هایی که باز خودش میسازد نابود شود؟ چرا باید هر روز میلیون‌ها پوند و دلار و لیره در جهت نابودی بشر خرج شود؟ در حالیکه با این ثروتها میتوان در جهان هزاران بیمارستان و مدرسه و دانشگاه و پرورشگاه و ... برای رفاه انسانها بنا کرد؟

چرا باید بوسیله جنگ و خونریزی در سرتاسر جهان هزاران زن بی‌شوهر و هزاران مرد بی‌همسر و هزاران کودک بی‌سرپرست و بی‌پدر و مادر شوند! و کانون گرم خانوادگی غده‌ای بیگانه به وسیله انسانهاییکه خود را متمدن می‌دانند از هم پاشید؟ چرا باید بوسیله جنگ و خونریزی روز بروز بر تعداد فقراء جهان افزوده گردد؟ و از همه مهمتر، چرا باید هزاران دانشمند و استاد به جای رفتن به مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پرورش مغزها و کشف هزاران مطلب ناشناخته که می‌تواند چراغی فرا راه تکامل بشریت باشد، در لابراتوارهای نظامی و آزمایشگاههای جنگی نابود شوند؟

جالب اینجاست که اگر روی‌اتم کار می‌کنند باین خاطر است که از آن برای نابودی انسانها بمب بسازند، و اگر روی نوترون آن کار میکنند ابتدا بفکر بمب نوترونی هستند، و اگر اشعه لیزر را از دل طبیعت کشف می‌کنند ابتدا برای استفاده از تانک آزمایش می‌نمایند!! چرا باید عمر با ارزش این همه دانشمند در راه ساختن سلاحهای مخرب فنا شود؟

چرا باید مخارج ارتشهای جهان در هر روز میلیونها دلار باشد؟ و چرا باید جوان‌هایی که می‌توانند نیروی خود را در راه بهبود بشریت مصرف کنند عمرشان در پادگانهای نظامی تلف شود؟

چرا باید در جهان اگر کشوری از ارتشی قوی برخوردار نباشد به وسیله کشوری دیگر نابود شود؟ و چرا باید صهیونیسم بین‌المللی و امپریالیسم شرق و غرب برای منافع خودشان مردم جهان را مجبور بداشتن ارتشهای مجهز نمایند؟ و برای فروش سلاحهای مخرب خود به آنها آنها را تشویق به داشتن ارتشی قوی نمایند؟ و چرا... و چرا... و چرا...؟

برای اینکه بدردهای بشریت بیشتر آشنا شوید، این خبر را با دقت مطالعه کنید.

آسوشیتد پرس - رم - بانو ایندیرا گاندی نخست‌وزیر هند و مدیرکل سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد طی سخنانی در بیست و یکمین کنفرانس این سازمان در رم هزینه‌های تسلیحاتی جهان را محکوم کردند نخست‌وزیر هند گفت: با پولی که صرف تولید یک موشک قاره‌پیما میشود میتوان دویست اصله درخت کاشت، یک میلیون

هکتار زمین را آبیاری کرد و پنجاه میلیون کودک گرسنه در کشورهای در حال رشد را غذا داد و یا یک میلیون تن کود شیمیایی تولید کرد.

و باز باین خبر از روزنامه کیهان صفحه ۴ سه شنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۶۰ با توجه بخوانید.

" تايم در آخرين شماره‌اش در مورد تجارت بين‌المللی اسلحه نوشت که اينک اين تجارت بصورت يکی از بزرگترين مبادلات تجاری جهان درآمدۀ است ميزان فروش تسليحات امريکا در سال گذشته بالغ بر ۱۷ ميليارد دلار بوده در حالیکه اين رقم در مورد شوروی و فرانسه به ترتيب ۱۵ و ۱۸ ميليارد دلار تخمين زده شده است"

آری اين است ماهيت واقعی کشورهایی که خودشان را پيشتازان نمونه بشری می‌دانند. و از ديگران حق توحش می‌گیرند، و برای آنکه بیشتر به وحشی‌گری آقایان پی برده باشید باین خبر از روزنامه اطلاعات در تاريخ پنجم آذرماه ۱۳۶۰ شماره ۱۶۵۸۶ توجه بفرمائيد.

" ۵۵۰ ميليارد دلار رقم سرسام‌آوری است که هر سال مردم جهان بارسنگين آن را متحمل ميشوند، تا دولت‌ها اين مبلغ را صرف هزینه‌های نظامی کنند. "

خبرگزاری آسوشيتدپرس گزارش داده است. . . . یکصد ميليارد دلار از اين مبلغ صرف تسليحات هسته‌ای می‌شود.

در سال ۱۹۷۸ آخرين سالی که ارقام مربوط به هزینه‌های نظامی کشورها بدست آمده است، ایالات متحده آمریکا ۱۰۹ ميليارد دلار اتحاد شوروی ۱۰۳ ميليارد دلار و چین ۲۶ ميليارد دلار و آلمان غربی با ۲۱ ميليارد دلار چهارم و فرانسه با نزدیک به ۱۹ ميليارد دلار پنجم و انگلیس تقریباً با ۱۵ ميليارد دلار ششم هستند.

و باز با کمال تأسف باید عرض کنم که متأسفانه در سال ۱۹۸۱ در جهان ۱۴/۵۱۵/۲۰۰ (چهارده ميليون و پانصد و پانزده هزار و دویست نفر) از گرسنگی جان دادند، یعنی در هر دقیقه ۲۸ نفر در جهان از گرسنگی جان داده‌اند که اين ننگ است برای تاريخ قرن حاضر.

ای انسانها به خود آئيد! وای متعهدهای بشر بخود آئيد! ای بشریت به خود آئيد، بیائيد کمی ببیندیشیم! چه باید کرد؟ علت اين خنگها و ویرانیها چیست؟ چرا بشریت چنین خود را ناهود می‌کند؟ یک روز حاکم یا رئیس یک مملکت برای نشان دادن قدرت خویش به همکاران خود در کشورهای ديگر و برای ارضاء عقده‌های دیرینه خود و ارضاء غرائز پست‌حاه طلبش عليه کشورهای ديگر قیام میکند و عده‌ای را بخاک و خون می‌کشد، و روزی ديگر عده‌ای جهان‌خوار بين دو کشور بوسیله تحریکات ناشایسته جنگ‌براه می‌اندازند، وبعد از اینکه تحقيق می‌کنیم متوجه می‌شویم آنچه‌ی که آنها علت جنگ می‌نامند زبان و لباس و نژاد است. و هر کدام نژاد خود را بر دیگری برتر می‌دانند، ديگر روز عده‌ای بر عليه عده‌ای ديگر قیام کرده

به بهانه اختلافات مذهبی یکدیگر را به هلاکت می‌رسانند و روزی هم علت اختلافات خود را حفظ خطوط مرزی می‌خوانند. این است دردهای بشر، دردهای بشریت جاه‌طلبی است. دردهای بشر نژادپرستی است، دردهای بشر اختلافات مذهبی است این است دردهای بشریت.



چه باید کرد؟

برای اینکه جنگهای نژادی خانه‌ها را ویران نسازد، و هزاران جوان نوحه را بخاک و خون نکشد، و برای اینکه جنگ‌های مذهبی و اختلافات مرزی و جاه‌طلبی‌های بی‌جا هزاران خانه را ویران نکند، چه باید کرد؟ باید بشریت برای خویش یک دین واحد اختیار کند که آن دین بر اساس فطرت پاک انسانیش باشد، و جهان دارای یک دین فطری شود.

و برای اینکه مسائل ارضی باعث کشت و کشتار نگردد، فکر بشر را از نظر علمی و مذهبی و سیاسی باید آنقدر بالا برد و تقویت کرد، تا مرزها برداشته شود و جهان یک کشور واحد گردد. برای اینکه فرزندان آدم باعث نابودی یکدیگر نشوند، باید به آنها فهماند که همه شما از یک پدر و مادر به وجود آمده‌اید و آنها آدم و حوا بودند (أَنْتُمْ بَنِي آدَمَ وَآدَمَ مِنْ تَرَابٍ) و زبان و نژاد و "زر" - و "زور" - و "تزویر" و رنگ و لهجه و سایر ملاک‌های مادی معیار شخصیت و برتری نیست، و تقوی را باید جانشین همه اینها کنیم.

برای اینکه طاغوت‌های زمان و ظالمان زمین بر مستضعفان و محرومان نتازند و شیره جان آنها را به یغما نبرند، و آنها را به خاک و خون نکنند، و چهره سفید آنها را سرخ‌فام نسازند، باید جهان دارای یک حکومت واحد شود، و رهبریت این حکومت باید انسانی پاک و بشر دوست و عدالت‌گستر و خالی از بخل و حسد و خودخواهی و تزویر باشد، او باید معصوم باشد تا شایستگی مقام خلیفه الهی روی زمین را داشته باشد، خلاصه مطلب، برای ریشه کن کردن بدبختیهای بشریت مطالب زیر را باید به اجراء گذاشت:

- ۱ - مردم جهان باید دارای یک دین الهی که منطبق با فطرت پاک انسانی باشد گردند.
- ۲ - فکر بشر تقویت گردد تا جهان به صورت یک کشور واحد درآید.
- ۳ - برادری و برابری در جهان حکم فرما گردد.
- ۴ - جهان دارای یک حکومت واحد به رهبری مردی معصوم و پاک و با تقوی و مدبر و مدبر و شجاع و آگاه و عادل گردد.

حل مشکلات بشر فقط از این طریق امکان پذیر است، و این راه حل فقط در اسلام موجود است و آنهم در ظهور امام مهدی (عج).

در آن ظهور الهی است که بشریت دارای یک دین واحد "اسلام" میشود، و در آن انقلاب است که برادری و برابری زیر لوای اسلام امکان پذیر میشود و در آن انقلاب است که بشریت دارای یک حکومت واحد به رهبری حجة بن الحسن العسگری (عج) میگردد و ما در بخشهای آینده

به شرح چنین حکومتی خواهیم پرداخت .

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا الْبَغْيَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۹)

حضرت صادق (ع):

مفضل میگوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که

میفرمود:

«هنگامیکه گرفتاری بنی اسرائیل به درازا کشید و ظلم و ستم برایشان از هرسوی باریدن گرفت - چهل روز صبحها روی به درگاه الهی آورده، ضجه و ناله و گریه آغاز نمودند و بدعا قیام کردند پس از آن دریای رحمت الهی با دعای خلق بنی اسرائیل بجوشش درآمد و خداوند بموسی و هارون وحی فرستاد که بامداد غیبی - بنی اسرائیل را از شر فرعون نجات بخشد و صد و هفتاد سال از گرفتاری آنها کاست» سپس امام ششم فرمود:

همچنین شما هم اگر مانند بنی اسرائیل بدرگاه خداوند دعا کرده (به گریه و زاری بپردازید و اصلاح امور ظهور او را از درگاه او ملتسانه بخواهید) خداوند هم فرج ما را نزدیک خواهد کرد. اما اگر چنین نکرده (از خداوند اصلاح فرج را نخواهید این سختی، سختی غیبت و نبود امام بی پایان مدتش خواهد رسید. بحار ۵۲

حکومت واحد جهانی از نظر دانشمندان

غیر مسلمان

دانشمندان غربی و متفکران غیر اسلامی نیز زمانی که به این بدبختیهای بشر فکر می‌کنند، و به راه‌حلی برای ریشه‌کن کردن این ظلم‌ها و جورها و نابرابری‌ها می‌اندیشند به این نتیجه می‌رسند که باید یک حکومت واحد جهانی تشکیل شود تا بدبختیهای بشر را ریشه‌کن نماید، "نا گفته نماند آقایان ۱۴۰۰ سال بعد از اسلام به این فکر فرو رفته‌اند و طرح‌هایی را ارائه داده‌اند، که آن طرح‌ها نیز در مقابل طرح‌های مثرقی اسلامی بسیار ناقص است" و ما در اینجا به پاره‌ئی از آنها اشاره می‌نمائیم.

۱- آقای برتراند راسل در صفحات ۱۳۴ - ۱۳۶ کتاب "امیدهای نو" درباره حل مسائل و مشکلات جهانی می‌گوید:

"جلوگیری از جنگ یک راه بیش ندارد، و آن ایجاد دولت واحد جهانیست که تمام سلاح‌های فهم عظیم را منحصرآ در دست داشته باشد... بنظر من اگر چنین دولتی جهانی تشکیل شود، تشکیل آن در بعضی نواحی از روی میل و رضا و در بعضی دیگر از راه فتح و غلبه خواهد بود... تصور نمی‌کنم نژاد انسان آن سیاستمداری و قابلیت را داشته باشد که تنها به میل و رضای خود به تاسیس دولت جهانی کردن نهد، به همین دلیل است که خیال می‌کنم در تاسیس و برقراری و حفظ و نگاهداری آن در سنین اول عمر، اعمال زور و فشار لازم می‌باشد."

۲- آقای ارنست یونگ در صفحه ۲ کتاب عبور از خط می‌گوید:

"سرانجام قلوب بشر به یکدیگر نزدیک خواهد شد و یک دولت جهانی تشکیل خواهد گردید، و سرنوشت بشریت بدست مردی با فضیلت خواهد افتاد و این ظهور فوتوریسم است."

۳- آقای دارمستر در صفحه ۵ کتاب مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم می‌نویسد:

"نکته مشترکی که در دیانت یهود و مسیحیت و اسلام وجود دارد، اینست که

همگی معتقدند که در آخرالزمان شخصی ملکوتی و فوق العاده‌ای خواهد آمد که نظم و عدالت از دست رفته را به جهان باز آورده، سعادت ابدی را برای عموم بشریت تامین می‌نماید.

۴- باز آقای برتراند راسل در صفحه ۵۶ کتاب تاثیر علم بر اجتماع میگوید:

"اکنون از لحاظ من مشکل بزرگی در راه یک امپراطوری جهانی وجود ندارد، ناچار باید حکومت واحدی را قبول کنیم یا آنکه بعهد بربریت برگردیم و به نابودی انسانی راضی شویم."

۵- بتنام فیلسوف بزرگ انگلیسی در تاریخ فلسفه سیاسی جلد ۳ صفحه ۹۳۰ میگوید:

"اگر بتوان این چهار حقوق یا قانون
حقوق طبیعی یا قانون طبیعت
حقوق اخلاقی یا قانون اخلاقی
حقوق سیاسی یا قانون سیاسی یا قانون دولت
حقوق مذهبی یا دینی یا قانون دین را با یکدیگر ترکیب کرده و مبدل به یک کد
واحد نمود، مسلماً بشر به عالیترین نقطه کمال خواهد رسید."

۶- آقای نهرو نخست‌وزیر فقید هند میگوید:

"در دنیایی که پر است از کشمکش و نفرت و خشونت، اعتقاد بستن به سرنوشت انسانی ضروریت‌تر از هر زمان دیگر است. هرگاه آینده‌ای که ما برای آن کار می‌کنیم سرشار از امید برای بشریت باشد، نابسامانیهای کنونی چندان اهمیتی ندارد، و کار کردن برای آن آینده دارای حقانیت است (۱۰۰)"

۷- تاگور شاعر هندی در این زمینه میگوید:

"من به آینده می‌نگرم و زمانی را نظر می‌آورم که این فاجعه عظیم به پایان می‌رسد، و تاریخ ورق می‌خورد، و آسمان دوباره سبک می‌گردد و از شهوات تهی می‌شود، شاید سپیده این صبح روشن فردا از افق شرق برخیزد که خورشید نیز از آنجا می‌دمد، در آن هنگام انسان شکست یافته میراث از چنگ رفته خود را دوباره به چنگ خواهد آورد."

۸- پرفسور آدنولد نرثینی فیلسوف و دانشمند معروف انگلیسی در یک سخنرانی در کنفرانس صلح نیویورک چنین اظهار داشت :

"تنها راه صلح و نجات بشرتشکیل یک حکومت جهانی و جلوگیری از گسترش سلاحهای اتمی است (۱۱) ."

این بود گوشه‌ای از اظهارنظرهای دانشمندان غربی در مورد حکومت واجد جهانی که از مجموع آنها میتوان به نتایج زیر دست یافت .

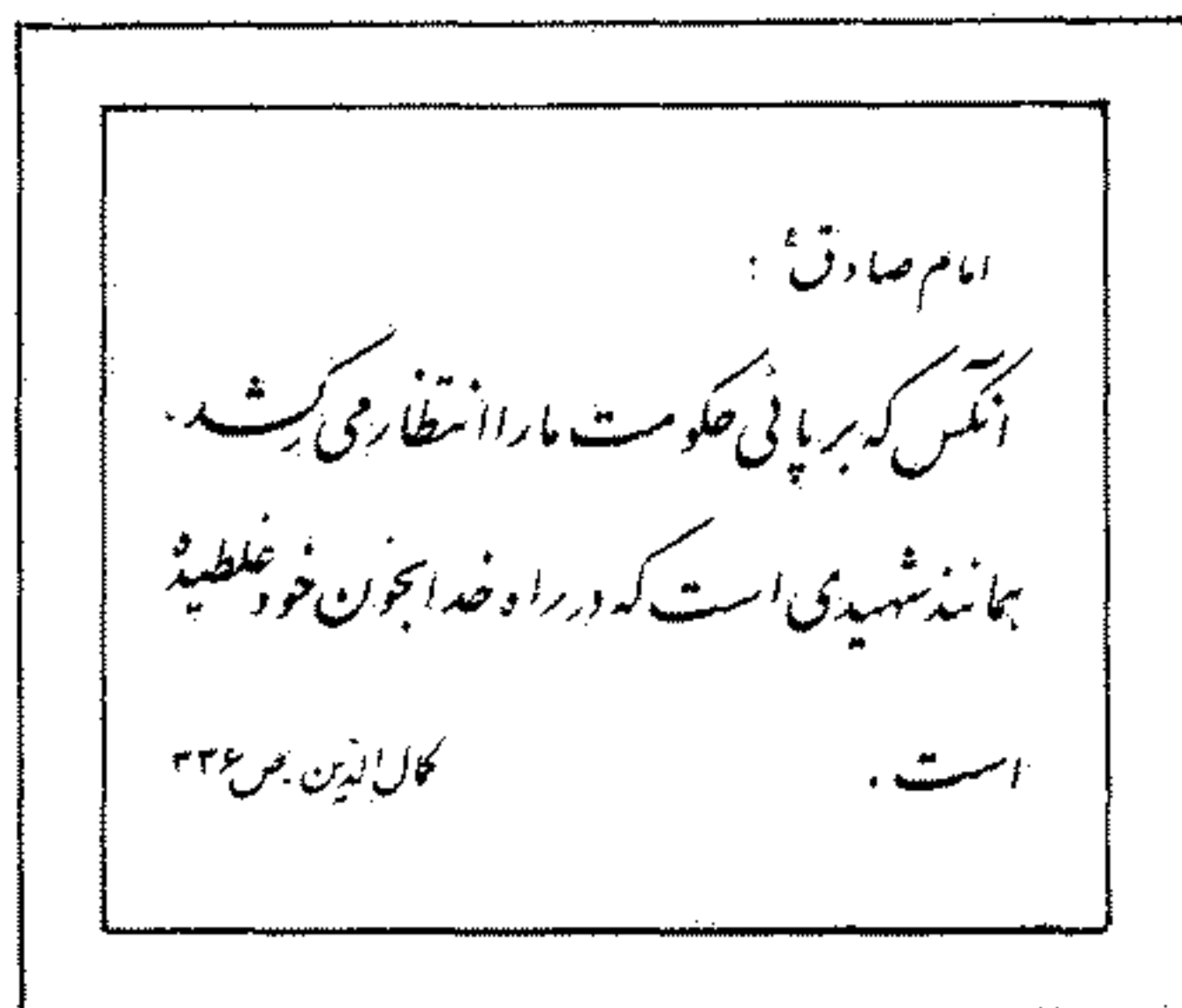
الف - مردم جهان باید دارای یک دین الهی که منطبق با فطرت انسان است گردند .

ب - جهان باید بصورت یک کشور واحد درآید .

ج - برادری و برابری در جهان حکم فرما شود .

د - جهان دارای یک حکومت و یک رهبر معصوم گردد .

ه - قوانین این حکومت باید براساس فطرت بشر باشد .



وجه مشترك ادیان در این انقلاب جهانی

« قسمت اول »

در این قسمت از بحث این مسئله باید مطرح شود که "رهبریت این انقلاب الهی" و جهانی شخصیتی باشد که مورد قبول همه ملل جهان قرار بگیرد. بطوریکه بعد از ظهورش همه بگویند ما منتظر قیام او و منتظر اجراء برنامه‌هایش بودیم، یعنی در کلیه ادوار و ادیان باید نامی از اوبه میان آمده باشد و تمام اقوام و ملل به ظهور او و تشکیل دولت کریمه‌اش نوید داده باشند. نگاهی اجمالی به کتب ادیان قبل از اسلام شاهدهی آشکار بر این مدعی است که همه جهان منتظر چنین قیام و انقلابی هستند، و خداوند منان به همه ملل و همه امت‌ها آمدن چنین مرد الهی را بشارت داده است، همانگونه که در صفحات قبل دیدیم آقای دارمستتر انگلیسی می‌گوید:

"نکته مشترکی که در دیانت یهود و مسیحیت و اسلام وجود دارد این است که همگی معتقدند که در آخر الزمان شخصی ملکوتی و فوق العاده خواهد آمد که نظم و عدالت از دست رفته را به جهان باز آورده، سعادت ابدی را برای عموم بشریت تأمین نماید."

ما در اینجا گفته‌های دارمستتر را به این نحو تصحیح می‌کنیم که: از حضرت آدم (ع) تا حضرت خاتم الانبیاء (ص) همه پیامبران الهی یکی از مطالبی را که به طور مشترک همه تکرار می‌نمودند و به امت‌های خود نوید می‌دادند این بود که: در آخر الزمان یک انقلاب جهانی برپا خواهد شد و رهبریت این انقلاب را شخصی با کفایت از فرزندان فضیلت حضرت خاتم الانبیاء به عهده دارد. او بشریت را از جهل و بدبختی‌ها نجات می‌دهد و به ظلمها پایان می‌دهد و یک حکومت واحد جهانی تشکیل می‌دهد، مشخصات این حکومت و رهبریت آن به وضوح در ادیان الهی قبل از اسلام بیان گردیده که ما برای شاهد گفتار نمونه‌هایی از آنها را در صفحات بعد برشته تحریر در می‌آوریم.

مثلاً "موعود کتاب اوستا شخصی است بنام سروش ایزد و موعود صحف ابراهیم، صاحب است و موعود کتاب زبور داود، قائم است و کتاب انجیل از، ماهدی (مهمید) نام می‌برد و کتاب آرماتس منتظر، شماطیل است برهمنان منتظر، "ویشنو" هستند و نژاد انکلساکسون منتظر ظهور "آرتور" هستند.

و همه منتظرند، منتظر ظهور مردی الهی، مردی متقی، مردی عادل مردی با خدا، مردی

قدرتمند که زمین را از آن مستضعفین خواهد کرد، و بتاریخچه استعمار و استعمار خاتمه خواهد بخشید و دین خدا را یک دین خواهد نمود.

با موسسیان گوی که از هاجر عذرا است با عیسویان گوی که از نسل یشوعاست
 با هاشمیان گوی که از زهره زهرا است با پارسیان گوی که از دوده کسری است
 از دخت کیان شاه زنان بانوی ایران

پیامبر اکرم

اگر از عمر دنیا پیش از یک روز باقی نماند و باشد
 خدای جهان آن روز را چنان طولانی خواهد نمود تا -
 سرانجام مردی از خاندانم، که نام و لقب مراد دارد
 برخیزد و پهنه جهان را آنسان که مالا مال از ظلم و
 ستم شده گسترده داد و عدل نماید.

منتخب الاثر - ص ۱۶۱

وجه مشترك ادیان در این انقلاب جهانی

« قسمت دوم »

در این قسمت ما از کتب آسمانی قبل از پیامبر گرامی اسلامی مثال‌هایی بیان می‌کنیم که همه دلالت بر این دارند که در آینده مردی الهی قیام خواهد کرد و بر تاریخچه استکبارخاتمه خواهد بخشید.

۱- جاماسب که یکی از شاگردان بافضیلت زرتشت است، کتابی دارد بنام جاماسب‌نامه که بنا بقولی متعلق است به ۷۵۰۰ سال قبل و تفسیری است بر اوستای زرتشت در این کتاب ما چنین می‌خوانیم:

"مردی بیرون آید از سرزمین تازیان از فرزندان هاشم مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش بود، با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پردازد کند.

که این گفته که بنا بقولی در ۷۵۰۰ سال قبل گفته شده است مطالب زیر را می‌توانیم نتیجه بگیریم:

اولاً" این رهبر الهی از سرزمین تازیان یا جزیره العرب قیام خواهد کرد، که ما مسلمین معتقدیم که مهدی موعود از جزیره العرب قیام خواهد کرد و مرکز قیام او خانه خدا مسجد الحرام است و در ابتدای انقلاب پشت دیوار کعبه می‌نهد و فریاد بر می‌آورد:

« يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ الْمُنْتَظَرُ »

« يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ الْمُنْقِمُ »

ثانیا" او از فرزندان هاشم است و ما میدانیم که امام زمان (عج) از فرزندان امام حسن - عسکری (ع) و از فرزندان علی بن ابیطالب و سرانجام از فرزندان هاشم جد امیرالمؤمنین (ع) و جد پیامبر خدا (ص) می‌باشد.

ثالثاً" او باید از یک نیروی فوق العاده و یک قدرت الهی برخوردار باشد تا بتواند دماغ مستکبرین و دیکتاتورهای شرق و غرب را بزمین بمالد.

رابعاً" او در هنگام قیام شریعت جدیدی نمی‌آورد بلکه دیانت جدش محمد (ص) را تبلیغ

می‌کند و دین رسمی این انقلاب الهی دیانت مقدس اسلام است، یعنی همان دین جد مهدی موعود (ع) .

خامسا" او جهان را آبادان خواهد کرد . و عمران خواهد نمود .
سادسا" او سرتاسر جهان را پس از فراگرفتن ظلم و جور مبدل بعدل و داد خواهد نمود ،
و برادری و برابری را رواج خواهد داد و تبعیضات را ریشه‌کن خواهد نمود .

۲- در کتاب "جاماست نامه" از قول زرتشت باز آمده است :

"پیغمبر عرب آخر پیغمبران باشد که در میان کوههای مکه پیدا شود . . . کتاب او باطل گرداند همه کتابها را و دولت او ، تازیک (یعنی عجم) را برپا دهد ، دین مجوس و پهلوی برطرف کنند . . . و از فرزندان دختر پیغمبر که خورشید جمال و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه شود ، در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخران پیغمبر باشد .

باز این یک بشارت از بشاراتی است که حضرت زرتشت پیامبر ایرانی بیان کرده است که ما از گفته ایشان مطالب زیر را می‌توانیم نتیجه بگیریم .

اولا" - نقطه حرکت پیغمبر عرب یا پیامبر اسلام (ص) شهر مکه است چون در بشارت آمده است "پیغمبر عرب در کوههای مکه پیدا می‌شود"

ثانیا" - کتاب این پیامبر آخرین کتب است و بعد از این کتاب آسمانی که کاملترین کتاب‌های الهی و بحد کمال رسیده است دیگر کتابی از طرف خداوند نخواهد آمد . همانطوریکه امام - صادق (ع) فرمودند :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَتَمَ بِنَبِيِّكُمْ النَّبِيَّ فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَخَتَمَ بِكِتَابِكُمُ الْكِتَابَ فَلَا كِتَابَ بَعْدَهُ

أَبَدًا" (۱۲)

خداوند تبارک و تعالی بوجود اقدس پیامبر اسلام ختم کرد نبوت را و نبی بعد از او نیست تا ابد ، و ختم نمود بکتاب او قرآن تمام کتب آسمانی را و بعد از این کتاب کتابی تا ابد نخواهد بود ، خود پیامبر خاتم الانبیاء است و کتاب او قرآن ختم‌کننده همه کتب آسمانی و مولا، متقیان علی (ع) در کتاب بسیار نفیس نهج البلاغه میفرمایند .

فَقَفِّي بِرَسُولٍ وَخَتَمَ بِهِ الْوَحْيَ (۱۳)

یعنی پیامبر خدا (ص) آمد در انتهای همه پیامبران و بوجود اقدس او وحی (و همه کتب آسمانی) ختم گردید و ما در قرآن کریم درباره این مطلب که قرآن آخرین کتاب آسمانی است چنین

میخوانیم :

قُلْ ... وَأَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ (۱۴)

(ای پیامبر ما بگو) : این قرآن بمن وحی شده است تا بترسانم (شما را از عذاب خدا و شما را بانسانیت دعوت بنمایم) و همچنین بترسانم (و راهنمایی کنم) هرکسی را که این قرآن باو میرسد ، پس کتاب آسمانی ، قرآن برای همه اعصار و قرون کتاب آسمانی است (و من بلغ) باز در قرآن کریم آمده است :

وَأَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابٍ رَبِّكَ لِأُمْبِدَلٍ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۱۵)

بخوان ای پیامبر آنچه وحی شده است بسوی تو از کتاب پروردگارت ، که دیگر برای آن مبدلی نیست و این کتاب دیگر بکتاب دیگری تبدیل نمیشود ، و کتاب آسمانی از طرف خدا که مبدل این کتاب باشد نمی آید و بدان که بجز آن دیگر پناهگاهی نخواهی یافت. و قرآن آخرین پناهگاه همه جهانیان است "لن تجد من دونه ملتحداً" باز در قرآن کریم ما میخوانیم :

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْقُرْآنَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (۱۶)

مبارک و خجسته باد آنکس که نازل کرد قرآن را بر بنده اش (محمد "ص") تا اینکه این کتاب ترساننده (و راهنما) باشد برای همه عالمیان و هرکس که بدنیا بیاید جزو عالم حساب میشود ، همانطوریکه درباره خدا میخوانیم "الحمد لله رب العالمین" خدا را رب عالم میدانیم . و کتاب قرآن را نیز باید کتابی برای عالمیان بدانیم ، خدا رب همه عالم است و خدا کتابی برای همه عالم فرستاده است .

ثالثاً - آخرین جانشین محمد مصطفی (ص) از فرزندان فاطمه (ع) است ، و او مهدی (عج) است . که او بحکم خدا بر تمام دنیا حکومت خواهد نمود .

۳ - در کتاب شاکمونی یکی از مهمترین کتب آسمانی هندیان «درباره این انقلاب جهانی چنین آمده است :

"رهبری و دولت دنیا بفرزند سید خلائق "کشن" بزرگوار تمام شود ، او کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و برابرها سوار شود ، و فرشتگان کارکنان او باشند ، و جن و انس در خدمت او شوند . . . دین خدا یک دین شود ، و دین خدا زنده گردد نام او "ایستاده" باشد و خداشناس باشد ."

از گفته این کتاب، که خود یکی از بزرگترین کتب هندیان است چنین نتیجه میگیریم:

اولاً - کلمه "کشن" به معنی محمد است و رهبر این انقلاب جهانی باید از فرزندان این پیامبر الهی باشد، و ما می دانیم که امام مهدی از فرزندان رسول خدا (ص) است.

ثانیاً - حکومت او سرتاسر جهان را فرا خواهد گرفت و او حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد داد.

ثالثاً - او از قدرتی الهی برخوردار خواهد بود.

رابعاً - دین این پیامبر یعنی اسلام بوسیله این رهبر الهی در جهان زنده و گسترده میگردد.

خامساً - نام رهبر انقلاب مستضعفین جهان "ایستاده" که عربی آن "قائم" است می باشد.

و ما مسلمین هم رهبریت این انقلاب را قائم آل محمد (ص) می دانیم.

۴ - در کتاب پایتکل که از اعظم پیامبران هند است چنین می خوانیم.

"چون مدت روز تمام شود دنیای کهنه نو شود و زنده گردد. و صاحب ملک تازه پیدا شود که از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان و دیگری صدیق اکبر یعنی وحی بزرگتر و صی "پشن" باشد و نام آن صاحب ملک تازه "راهنما" است بحق پادشاه شود و خلیفه را رام باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد، هر که به او پناه بر دو دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد "رام" و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر زیاد باشد و آخر دنیا به او تمام شود... و هر بُتی که در هر جا باشد بشکند."

باز از مطالب بالا نتایج زیر را میتوان بیان کرد.

اولاً با برپاشدن این انقلاب جهانی به وسیله آن رهبر عظیم بشری، دگرگونیهای چشمگیری در سرتاسر جهان به وقوع خواهد پیوست و در دنیایی که قوانین پوسیده و سنتهای غلط آنرا کهنه نموده و مردم آن بصورت ماشین و بدون احساس درآمده اند قیامی بوقوع می پیوندد، و رهبر این انقلاب بانفوذ کلام خویش و ارشاد نمودن مردم، دنیای کهنه را دگرگون می سازد، و دست بیک سری طرحهای عمرانی خواهد زد، و جهان را آبادان خواهد نمود، پس در این انقلاب الهی بشریت هم از نظر فکری دگرگون میشود و هم اقتصاد او زیورور میشود، و اقتصاد اسلام فقر را ریشه کن خواهد کرد.

ثانیاً در کتاب پایتکل نام رهبر عظم الشان این انقلاب بزرگ جهانی را "راهنما" ذکر کرده است که ترجمه آن به عربی "مهدی" میشود. که این مهدی همان مهدی موعود (عج) موعود شیعیان جهان است.

ثالثاً دنیا دارای یک رهبر واحد جهانی خواهد شد که این رهبر از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان است که اولین پیشوای آن پیامبر آخر الزمان حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص) است و دومین پیشوا که کلمه "پشن" ترجمه عربیش "علی" می باشد.

رابعاً در این کتاب نیز به دین رسمی در این انقلاب جهانی اشاره شده است. که همان دین پدران او یعنی اسلام می باشد و ما امام مهدی "عج" را مروج اسلام می دانیم.

خامساً در این کتاب باز به یک مسئله مهم اشاره شده است و آن اینست که طول عمر رهبر انقلاب از همه ائمه اطهار (ع) بیشتر است و او دارای عمری طولانی خواهد بود.

امام سجاد زین العابدین علی بن الحسین (ع) درباره طول عمر آن حضرت میفرمایند:

فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهُوَ طَوَّلَ الْعُمُرَ (۱۷)

یعنی در قائم ما سنتی است از نوح پیامبر و آن طول عمر آن حضرت است و حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در این باره میفرمایند:

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ الْإِسْمِ شَابَّ الْمُنْظَرِ حَتَّى أَنْ النَّاطِرَ لِيَحْسِبَنَّهٗ ابْنَ أَرْبَعِينَ سِنِينَ

أَوْ دُونَهَا، وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ (۱۸)

نشانه "قائم" این است که در پیری رخساری جوان دارد تا جائیکه بیننده گمان میبرد که او چهل ساله یا کمتر است و نشانه دیگرش اینکه تا پایان عمر سبب مرور زمان پیر و فرسوده نمی گردد و امام دوم شیعیان حضرت امام حسن مجتبی پیرامون طول عمر آن حضرت میفرمایند:

لَوْ قَامَ الْمَهْدِيُّ لَأَنكَرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًّا وَهُمْ يَحْسِبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا (۱۹)

یعنی چون مهدی (عج) بپا خیزد مردم او را انکار میکنند زیرا که صورت جوانی شاداب بسویشان برگشته در حالیکه آنان می پندارند که وی پیرمردی کهنسال است پس توجه میفرمائید طولانی بودن عمر آن حضرت از عقائد شیعیان جهان است.

۵- در کتاب "دید" که باز این کتاب یکی از معتبرترین کتب مذهبی هندی است آمده

است:

"پس از خرابی دنیا، رهبری در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد

و نام او "منصور" باشد و تمام عالم را بگیرد و بدین خود درآورد."

و باز نتایجی که از این کتاب میتوان گرفت عبارتست از:

اولاً - این انقلاب زمانی صورت می گیرد که جهان را ظلم و جور خراب کرده باشد.

ثانیا" - پس از خرابی و فساد کشیده شدن جهان رهبری قیام خواهد کرد، و رهبریت جهان را بدست می گیرد.

ثالثا" - نام رهبریت این انقلاب منصور است، و باز ما میدانیم که یکی از نامهای معروف حضرت بقية الله الاعظم "منصور" می باشد.

رابعا" - باز در این بشارت بوحدت در رهبریت و وحدت در دین اشاره شده است.

۶- در کتاب ماللهند صفحه ۳۲۱ که باز یکی از کتب مهم مذهبی است آمده است، " در اواخر جنگ چهارم (دوران چهارم) مردم روی زمین به فساد گرائیده و بیشترشان کفر ورزیده و مرتکب گناهان بسیار می شوند، و فرومایگانی به زمامداری رسیده و بسان گرگ درنده به جان دیگران می افتند و هرچه را که به دست می آورند به یغما می برند کاهنان و روحانیون هم مانند آنها فاسد می گردند، و اکثریت با دزدان می شود و مردم پرهیزگار و پارسا همه جا مورد تحقیر و اهانت قرار می گیرند، آنگاه برهنه کلا (مرد روحانی نیرومند) شمشیر آخته و با نیروی مقاومت ناپذیر مفسدان را از میان برمی دارد، و زمین را از پلیدیها پاک می سازد و نیکان و پاکان را باقی می گذارد تا به تناسل ادامه دهند."

۷- باز در کتاب بهگورکینا (بمعنی نغمه آسمانی) و مقدمه ۱۰ و پانیشا صفحه ۵۴ که یکی از کتابهای مذهبی شرق است چنین آمده است:

" هر زمانی که فساد و انحطاط و تباهی جهان را فرا گیرد شخص کاملی که آنرا تیر تفکر (بمعنی بشارت داده شده) گویند ظهور کند و تباهی را از میان برد و پاکی و صافی را برقرار می سازد."

انقلاب مستضعفین جهان

و کتاب زبور داود پیامبر (ع)

داود پیامبر یکی از پیامبران الهی است که قرآن کریم نام او را به عظمت و شکوه برده است ،
و خداوند در قرآن کریم او را " خلیفه فی الارض " می خواند ، و مادر قرآن میخوانیم :

يَا دَاوُدُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ (۲۰)

یعنی ای داود ما ترا خلیفه و نماینده خود بر روی زمین قرار دادیم تا اینکه تو در میان
مردم بحق داوری نمائی و از این پیامبر الهی کتابی بجای مانده است بنام " زبور " و صادر
این کتاب آسمانی چنین میخوانیم .

" از شیران رنجیده مشو و بر بسدکاران حسد میر ، زیرا که مثل علف زود بریده
میشوند و مثل گیاه سبز پژمرده میگرددند ، به خداوند متوکل و به نیکویی مشغول باش
تا در زمین ساکن بوده و به حقیقت پرورش یابی ، . . . او صداقت را مثل نور و

حکمت را مثل نصف النهار بیرون خواهد آورد ، . . . متوکلان به خداوند وارث زمین
خواهند شد ، و اندک است که شیر نیست می شود که هر چند مکانش را استفسار نمائی
ناپیدا خواهد بود ، اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند
شد . . . خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهند شد . . .
زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد و ملعونان وی منقطع خواهد شد ، اقدم
مرد خوب آراسته شده خداوند است و راهش متبجح است ، از بدی برگردد و به
نیکویی مشغول شو تا پیوسته ساکن شوی زیرا که خداوند عدالت را دوست دارد و
مقدسان خود را و نمی گذارد تا ابد محفوظ می شوند ، در حالیکه ذریه شیران
منقطع است ، صدیقان وارث زمین شده ابد در آن ساکن خواهند بود . . . بخداوند
پناه برده ، راهش را نگاه دارد که ترا وراثت زمین بلند خواهد کرد و در وقت
منقطع شدن شیران اینرا خواهی دید ، (۲۱)

بامیسد آنروز بسر می بریم که این گفته خداوند در زبور داود تحقق پذیرد . که مفسدان
و شیران و جانیان و استعمارگران و استثمارگران نیست و نابود شوند ، و مانند علف زود بریده
گردند ، و در مقابل متوکلان بخدا و مستضعفین جهان وارث زمین شوند ، بامیسد آن روز به سر

می بریم که نسل ملعونان از روی زمین منقطع شود. و بی دینی با تمام برسد، و جامعه توحیدی والهی مهدی (عج) برپا شود. بامیسد آن روز بسر میبریم که آن مرد خدا از سلاله پاک اجداد ظاهرینش قیام کند، و با قیام دلیرانه خودش به بی عدالتیها پایان دهد، و چه زیباست آن روز.

باز در کتاب زبور داود آمده است: (البته این جملات دعاهائی است که بوسیله داود پیامبر (ع) بیان شده است)

"ای خدا احکام خود را به ملک زاده عطا فرما، تا آنکه قوم ترا به عدالت و فقرای ترا به انصاف حکم نماید... فقیران قوم را حکم نماید و پسران مسکینان را نجات دهد و ظالم را بشکند... در روزهایش صدیقان شکوفه خواهند نمود و زیادتى سلامتی تا باقى ماندن ماه (خواهد بود)، از دریا تا به دریا و از شهر تا به اقصا نقاط زمین سلطنت خواهد نمود... بلکه تمامی ملوک به او کرنش خواهد نمود و تمام امم او را بندگی خواهند کرد، زیرا که فقیر را وقتی که فریاد میکند و مسکین که نصرت کننده ندارد خلاصی خواهد داد، و به ذلیل و محتاج ترحم خواهد فرمود و جانهای مسکینان را نجات خواهد داد، جان ایشان را از ستم و ظلم نجات خواهد داد و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود، و زنده مانده زر شب به او بخشیده خواهد شد، "... اسم او ابداء" بماند و دشمنی مثل آفتاب باقى بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت، ... بلکه اسم ذوالجلالش ابداء" مبارک باد تمام زمین از جلالش پر شود، آمین و آمین دعاهای داود پسریشی تمام شد (۲۲)

توجه میفرمائید که در این کتاب آسمانی باز ظلم و عدل و جور و قسط و نیکی و بدی و پاکی و ناپاکی... سخن رفته است و به این نکته اشاره شده است که سرانجام فردی قیام خواهد کرد، و ظلم و جور و بدی را به عدل و قسط و نیکی تبدیل خواهد کرد.

کتاب وحی کودک

انقلاب جهانی مهدی (عج)

قبل از اینکه در باره بشارات کتاب وحی کودک صحبتی کنم لازم میدانم کمی درباره این کتاب توضیح بدهم، در سال ۱۳۳۷ خورشیدی یکی از بزرگترین علمای یهود که در میان یهودیان جهان معروف بود و از اعظم آنها بشمار میرفت مسلمان شد، این شخص نامش "باباخان" بود. مسلمان شدن این شخص باعث شد تا صدها نفر یهودی مسلمان شوند، البته ایشان پس از مسلمان شدن نام خود را "محمد رضا" گزارد، و سرانجام در سنه ۱۳۶۶ خورشیدی جهان را بدرود گفت، البته در طول ۲۹ سال که در اسلام زندگی کرد هرگز از تلاش و آگاه سازی قوم یهود غافل نشد. و مسلمان شدن ایشان آنچنان ضربه ای بر قوم یهود وارد آورد که در یکی از کتابهایی که درباره این مسئله نوشته بودند، دیدم که نوشته شده بود "ضربه ای را که مسلمان شدن باباخان بر یهود وارد آورد کمتر از ضربه هیتلر بر این قوم نبود"، باباخان در مدت این ۲۹ سال یکی از اثرات مهمی که بجای گذاشت نوشتن کتابی بود با اسم "منقول الرضائی" یا "اقامه الشهود فی رد الیهود" که متأسفانه نسخه های چاپی این کتاب بسیار نایاب است، و مورد تجدید چاپ واقع نشده است. بهر حال در سال ۱۳۶۶ خورشیدی "باباخان" جان بجان آفرین تسلیم کرد، و او را در قبرستانی که در خیابان مولوی تهران بود دفن کردند، و این اشعار امروزه بر روی سنگ قبر او نوشته شده است:

از منزل علم بوجود آشنا شدم	بر امت کلیم خدا پیشوا شدم
در مصحف کلیم و در احکام انبیاء	دیدم محمد است محمد رضا شدم
رفتم از این جهان به درد دوست شادمان	از بهر آنکه طالب دین خدا شدم

حدود یکصد سال بعد از فوت ایشان زمانیکه خیابان مولوی تهران را احداث می نمودند، قبر ایشان در وسط خیابان واقع میشد، بنا بدستور مقامات مملکتی در آن زمان نبش قبر کردند، تا اگر استخوانی از "محمد رضا" باقی مانده است، در مکانی دیگر دفن نمایند، اما پس از نبش قبر جنازه او را خاک نشده و سالم دیدند، در این زمان بود که جنازه او را به محلی که امروز در خیابان مولوی خیابان نادر، جنب دبیرستان مهر مادر است منتقل نمودند. که امروزه عده زیادی برای فاتحه خوانی بزیارت قبر این بزرگوار میشتابند.

مرحوم محمدرضا جدیدالاسلام در این کتاب از کتابی نام می برد به نام "وحی کودک" که این کتاب شرح حال یک کودک یهودی است. و این کتاب در میان قوم یهود به "نبوءت هیلد" معروف است و نام این کودک "الحمان حطوفاه" می باشد، و در قسمتی میرزا محمدرضا درباره کتاب وحی کودک چنین می گوید:

"مدت مدیدی در جستجوی کتاب وحی کودک بودم چون علمای یهود اهتمام بر ناپود کردن آن داشته اند هر چند جستجو نمودم بدان دست نیافتم تا اینکه بر حسب اتفاق کتابی از کتب بنی اسرائیل بنام "تبعید و میصواه" برای چاپ به چاپخانه برده نشد و از حسن تصادف نسخه صحیحی از وحی کودک موسوم به "نبوءت هیلد" با آن کتاب در یک جلد بوده و مقدمه ای را هم در شرح حال کودک مزبور بر آن نوشته بودند و پس از چاپ یک جلد به دست من افتاد در این کتاب که موسوم به وحی کودک است بشاراتی است راجع به پیامبر اسلام و عاشورا و مسئله قائمیت که ما فقط بمسئله قائمیت آن اشاره می کنیم.

۱ - در قسمتی از کتاب آمده است: **تیتی شاعاه وتیت قوف تشوعاه و پیربه نیواه شاصط ویملاکال ازماه**

یعنی: بیاید زمانی که فرج قوی گردد (و انقلاب به وقوع پیوندد) و نبوت بسیار شود و مانند سیل جهانرا بپوشد.

این وحی اشاره به زمانی است که، یک انقلاب عظیم در جهان برپا میشود، و سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و انتظارهای طولانی باتمام میرسد و رهبری پیامبرگونه که مقامش از همه پیامبران الهی بجز پیامبر گرامی اسلام (ص) بالاتر است، زمام امور جهان را بدست خواهد گرفت، و جهانیان با دل و جان او را پذیرا خواهند شد، چون همه آرزوها و آمال خود را در برنامه های مترقی الهی او می بینند، و برنامه های او را مطابق با فطرت پاک انسانی خود مشاهده می کنند.

۲ - باز در کتاب "نبوءت هیلد" معروف بوحی کودک آمده است:

**" وَهَرَعَسْتِي اِتْ كَال هَعُوِيْم وَ يَأْتُو حَمَدَاتْ كَال هَعُوِيْم وَ مِلُوْتِي اِتْ هَبْتَتْ هَزَّة كَابُوْر
آمَرِيَهَوَاه صِبَاوَت . "**

او همه امت های جهان را به هیجان می آورد، (و سرانجام) مرغوب همگی طوائف جهان خواهد آمد، و پرمیکند جهان را از جلال امر خدای همه نیروها و قدرت ها و لشکرها آری ظهور مهدی فاطمه (عج) تمام امت های جهان را به هیجان در خواهد آورد، و انقلاب او به جهان تحرک مخصوصی می دهد، و همه جهان در مسیر انقلاب او قرار میگیرند، و همزمان با این

هیجانان و مجاهدات و حرکتها، عدالت و قسط جای ظلم و جور را می‌گیرد. و پاکی‌ها ناپاکی‌ها را می‌شوید و وحدت کلمه بحد اعلای خود میرسد، و ملت‌ها برادر وار در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد و در این انقلاب است که مکاتب پوچ و "تزه‌های" انحرافی نابود میشود، و مسیرهای غلط ماتریالیستی نابود میگردد، و در مقابل همه جهان به ریسمان خدا چنگ خواهند زد و فقط خدای یگانه را عبادت خواهند کرد (۲۳).

رسول ششم:

به مهدی بشارتتان میدهم، او بهنگام اختلاف
مردمان از میان امت من برانگیخته میشود، ساکنان
آسمان و زمین از او خشود خواهند بود، او مال را درست
دست تقسیم میکند، (مردی از رسول ^{ششم} پرسید)؟

درست چیست؟

فرمود: میان همه مساوی

(مخبر لائوس ص ۱۴۲)

مسیحیت و انجیل

انقلاب جهانی امام مهدی (عج)

مسلمین را اعتقاد بر آن است که حضرت مسیح (ع) زنده بوده و به صلیب کشیده نشده است، وعده زیادی از مسیحیان نیز بر همین عقیده می‌باشند، البته با تغییراتی که این تغییرات هم از تحریف کتب آنها سرچشمه می‌گیرد و هم مسلمین و هم مسیحیان معتقدند، که روزی مسیح ظهور خواهد کرد، و ما معتقدیم که مراجعت مسیح در انقلاب جهانی امام مهدی "عج" است و ما معتقدیم که مسیح (ع) به یاری امام عصر (عج) می‌شتابد و او در این انقلاب یکی از انصار آن حضرت است و باز می‌گوئیم که او در نمازها به امام زمان اقتداء خواهد کرد، و به همین دلیل اولین قومی که بعد از مسلمین، دعوت امام زمان مهدی فاطمه (عج) را لبیک می‌گویند قوم مسیح است، چون آنها مشاهده می‌کنند که پیامبرشان عیسی بن مریم (ع) یکی از انصار امام عصر است، و جالبتر اینکه در انجیل کتاب مقدس مسیحیان نیز بشاراتی درباره این انقلاب جهانی موجود است که ما در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌نمائیم.

۱- انجیل متی باب ۲۴ آیات ۲۳ به بعد:

"آنگاه اگر کسی بشما گوید اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید، زیرا که مسیحیان کاذب و انبیاء کذب ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند. اینک شما را خبر دادم پس اگر شما را گویند اینک در صحرا است بیرون مروید یا آنکه در خلوتست بساور نکنید، زیرا همچنانکه برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر میشود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد، هر جا که مرداری باشد، گرگان در آنجا جمع شوند و فوراً بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد، و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوت‌های افلاک متزلزل گردد، آنگاه علامت پسرانسان را ببینید که برابره‌ای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید و فرشتگان خود را با صدای بلند آواز فرستاده برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا بکران فلک فراهم خواهند آورد اما از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس، لیکن چنانچه ایام نوح بود، ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود.

و این بشارت یکی از زیباترین وعده‌ها و بشارت‌هایی است که خداوند بوسیله عیسی بن مریم (ع) به بشر داده است که:

الف - قبل از انقلاب مدعیان نبوت و رسالت و مهدویت، و انبیاء کاذب فراوانند، مانند "غلام احمد قادیانی" در هند و پاکستان، و "میرزا علی محمد شیرازی" و "میرزا حسینعلی بهاء‌الله" در ایران و "مهدی کرد" در ترکیه و "مهدی سودانی" در کشور سودان و "میرزا یوسف کاسگری" در افغانستان... که همه از مدعیان کاذب بشمار میروند.

ب - جهانی شدن این انقلاب فراگیری آن در عالم که در انجیل میگوید مانند "برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر میشود" که تمام عالم را در بر خواهد گرفت.

ج - در این بشارت انجیل رهبریت انقلاب را "پسر انسان" می‌داند که ما میدانیم طبق این گفته و ده‌ها گفته دیگر و طبق عقائد مسیحیان جهان "پسر انسان" خود مسیح نیست، پس رهبریت انقلاب به عهده پسر انسان یا حضرت "بقیة‌الله" الاعظم است، و این بشارت پیرامون آن حضرت است.

د - از وقت این ظهور هیچکس جز خداوند متعال اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمانها، و ما هم همین عقیده را داریم که حتی وقت ظهور را بجز خداوند هیچکس نمی‌داند، و حضرت مهدی (عج) در ضمن توقیعی به نایب چهارم از نواب اربعه (۲۴) میفرماید: **ولا ظهور بعد ان الله تعالی ذکره و بعد (۲۵)**

۲ - باز در انجیل لوقا باب ۲۱ آیات ۵ به بعد آمده است:

"و چون بعضی ذکر هیکل میکردند که بسنگهای خوب و هدایا آراسته شده است گفت: ایامی می‌آید که از این چیزهایی که می‌بینید سنگی بر سنگی گذارده نشود مگر اینکه بزیر افکنده خواهد شد" از او سؤال نموده‌ای استاد پس این امور کی واقع می‌شود و علامت نزدیک شدن این وقایع چیست؟ گفت "احتیاط کنید که گمراه نشوید، زیرا که بسا بنام من آمده، خواهند گفت که من هستم و وقت نزدیک است پس از عقب ایشان نروید، و چون اخبار جنگها و فسادها را بشنوید مضطرب نشوید، زیرا که وقوع این امور اول ضروریست، لیکن انتها در ساعت نیست" پس به ایشان گفت "قومی با قومی مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند کرد، و زلزله‌های عظیم در جایها و محیطها و وباها پدید و چیزهای هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد، و قبل از این همه بر شما دست اندازی خواهند نمود، شما را بکنایس و زندانها خواهند سپرد و در حضور سلاطین و حکام به جهت نام من خواهند برد... و شما را والدین و برادران و خویشان و دوستان تسلیم خواهند کرد، و بعضی از شما

را بقتل خواهند رسانید، و چون ببینید که اورشلیم به لشکرها محاصره شده، آنگاه بدانید که خرابی آن رسیده است، آنگاه هر که در یهودیه باشد به کوهستان فرار کند و هر که در شهر باشد بیرون رود و هر که در صحرا بود داخل شهر نشود... و اورشلیم پایمال امتها خواهد شد تا زمانهای امتها به انجام رسد... و آنگاه "پسر انسان" را خواهند دید که برابری سوار شده، با قوت و جلال عظیم می آید، و چون ابتدای این چیزها بشود سرهای خود را بلند کنید، از آن جهت که خلاصی شما نزدیک است، و برای ایشان مثلی گفت که درخت انجیر و سایر درختانرا ملاحظه نمائید که چون می بینید که این امور واقع می شود بدانید که ملکوت خدا نزدیک شده است، هر آینه شما میگویم که تا جمیع این امور واقع نشود، این فرقه نخواهد گذشت، و آسمان و زمین زایل میشود لیکن سخنان من زایل نخواهد شد... زیرا که مثل دایمی بر جمیع سکنه تمام روی زمین خواهد آمد... بیدار باشید تا شایسته آن شوید... نجات یابید... و در حضور پسر انسان بایستید.

باز از مطالب فوق نتایج زیر گرفته میشود.

اولاً: "مسیح از زمانی صحبت میکند که جهان پر از فساد شده است و ظلم و جور همه جا را فراگرفته است در این زمان "پسرانسان" قیام میکند، فساد و فحشاء را ریشه کن میسازد، و عدل و داد را جانشین ظلم و جور می نماید.

ثانیاً: شاگردان مسیح از اول سئوالهایی میکنند و نشانههایی درباره این انقلاب و قبل از انقلاب از او می نمایند و او بآنها پاسخ میدهد، و ما در اینجا بآنها اشاره میکنیم.

الف - زیاد شدن پیامبران کاذب و دروغگو

ب - شروع شدن جنگها و آدمکشیها

ج - بوقوع پیوستن خرابیها و زلزلههای مختلف

د - زندانی شدن مسیحیان و استعمار شدن آنها بوسیله، یهودیان، که امروزه میدانیم صهیونیسم بین المللی که برخاسته شده از یهودیان است و همه مسیحیان جهان را استعمار کرده است امریکا امروز زیر نظر راکفلر و کیسینجر صهیونیسم... و صدها نفر یهودی دیگر میچرخد و باز اروپا نیز استعمار صهیونیسم بین المللی است در این باره شما میتوانید به کتاب "دنیا بازیچه یهود" نوشته آیت... سید محمد شیرازی و کتابهای دیگری که در این زمینه نوشته شده است مراجعه کنید.

ه - و مسئله بعداینست که مسیح میگوید: شمارا والدین و برادران و خویشان و دوستان تسلیم خواهند کرد، و این خود اشاره باین مسئله است که اگر امروز مسیحیت در چنگالهای کثیف صهیونیسم بین المللی دچار است علت اصلیش مزدوران مسیحی مانند کارتر، کندی و...

هستند که اینها خائنین به مسیحیت هستند که هیزمکش صهیونیسم نیز می باشند، و امروزه دست... بسته مسیحیان جهان را در اختیار صهیونیسم گزارده اند.

د - مسئله بعد محاصره شدن اورشلیم است که انجیل میگوید: و ببینید که اورشلیم به لشکرها محاصره شده آنگاه بدانید که خرابی آن رسیده است، آنگاه هرکه در یهودیه باشد به کوهستان فرار کند (هرکه در شهر باشد بیرون رود، و هرکه در صحرا بود داخل شهر نشود) اورشلیم پایمال امته خواهد شد تا زمانهای امتهای آنها به انجام رسد.

اینجا صحبت از محاصره اورشلیم شده است که بوسیله لشکرها محاصره شده و وسیله لشکرها از بین رفته است و بساز صحبت از خرابی اورشلیم است، و شاید اشاره به اشغال اورشلیم بوسیله صهیونیسم ها باشد صهیونیسم ها تیکه اورشلیم و بیت المقدس را اشغال کرده اند، و رژیم کثیف اسرائیل را بوجود آورده اند، و مسجد الاقصی را به آتش کشیده اند.

ی - و بعد در این بشارت آمده است که بعد از اشغال اورشلیم هرکه در یهودیه باشد به کوهستان فرار کند و هرکه در شهر باشد بیرون رود و هرکه در صحرا بود در داخل شهر نشود و اورشلیم پایمال امته خواهد شد، آری بعد از اشغال اورشلیم و قدس عزیز، مردم مسلمان اورشلیم را آواره کردند، عده ای به اردن و عده ای به مصر و عده ای به سوریه و عده ای به لبنان روی آوردند و در این مناطق ساکن شدند و هم اکنون سی سال است که یعلت ظلمهای بی حد یهود و اشغالگران قدس عزیز این عزیزان در خانه ها و کاشانه های خودشان آواره شده اند.

و سپس میگوید: و آنگاه پسرانسان را خواهند دید و این اشاره به انقلاب امام مهدی "عج" است که سرانجام قیام خواهد کرد و جهانی را پر از عدل و داد خواهد نمود، و همه جهانیان را از زیر یوغ ظلم و جور نجات خواهد داد.

ز - سپس مسیح برای اینکه تاکید بر فرمایش خودش کرده باشد میگوید: امکان دارد که زمین آسمان زایل شود اما کلام من زایل نخواهد شد، یعنی اینکه این امر صد در صد بوقوع میبویندد، و امام مهدی (عج) ظهور خواهد کرد و به ظلم و جور خاتمه خواهد داد.

ح - سپس مسیح (ع) باین نکته اشاره میکند که "بیدار باشید تا شایسته آن شوید" این کلمه زیبائیست که بامر خدا بر زبان عیسی (ع) ظاهر شده است، زمانیکه جهان را ظلم و جور و فساد فرا گرفته است عده ای هستند که شایستگی این را دارند که کارگردانان و کارکنان این حکومت الهی باشند، و عده ای هستند که خودسازی نموده اند، و این عده منتظران واقعی هستند که ما در حدیث میخوانیم.

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ

بالاترین اعمال انتظار کشیدن فرج است، بالاترین اعمال این است که انسان در طول

غیبت خودسازی کند تا شایستگی این را داشته باشد، که در صف انقلابیون قرار بگیرد، وجه زیبا میفرماید خداوند تعالی در زبان عیسی (ع) که:

با قوت و جلال عظیم می آید... و با آمدن او شما سربلند میشوید و نجات می یابید و از ظلمها و ستمها خلاص خواهید شد... زیرا که مثل رامی بر جمیع سکنه روی زمین خواهد آمد.

۳- و باز ما در انجیل قسمت مکاشفات یوحنا ی رسول باب ۲ آیات ۲۶ به بعد چنین می خوانیم:

"و هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام نگاه دارد او را بر امتها قدرت خواهم بخشید، تا ایشانرا بعضای آهنین حکمرانی کند و مثل کوزه های کوز گر خورد خواهند شد چنانکه من نیز از پدر خود یافته ام" ... آنکه گوش دارد بشنود که روح بد کلیساها چه میگوید.

در اینجا نیز به انقلابی جهانی و کوبنده در آینده بشارت داده است که.

اولاً "رهبریت انقلاب کلیه اعمالی را که مسیح (ع) از طرف خداوند آورده است انجام میدهد، توضیح اینکه ما مسلمانان معتقدیم اسلام تکامل یافته مسیحیت است، لذا اعتقادیک مسلمان به مسیحیت جزئی از اعتقاد او به اسلام است، چنانچه در آیه ۴ سوره بقره آمده است

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

یک مسلمان واقعی باید به آنچه که بر حضرت محمد (ص) نازل شده و آنچه که بر پیامبران قبل از او نیز نازل گردیده است (یعنی تورات و انجیل و زبور و صحف...) البته بشکل تحریف نشده اش) ایمان داشته باشد پس اعتقاد به آئین مسیح جزئی از اعتقادات اسلامی است، و ما اسلام را تکامل یافته تورات و انجیل و ادیان قبل می دانیم، اما می گوئیم قرآن کریم کاملترین کتاب آسمانی است و آنچه که در تورات واقعی و انجیل واقعی نازل شده است، در قرآن بصورت کاملش موجود است، از این رو وقتی می گوئیم امام زمان خود مروج و مبلغ و مبین قرآن کریم است، و خودش مجری احکام قرآن است ایشان از بهترین عمل کنندگان بقرآن کریم نیز میباشد، در حقیقت او مجری و عمل کننده، بهمان احکام مسیح هم میشود.

ثانیاً "جمله" او را بر امتهای قبل قدرت خواهیم بخشید، این اشاره به جهانی شدن انقلاب مهدی است، و ظفر یافتن او بر تمام گروههای مختلف است، اگرچه کفار نخواهند. آنچه در این صفحات از نظر شما گذشت گوشه ای بود از گفتار فراوانی که در کتب مذهبی ادیان قبل از اسلام در مورد حکومت جهانی امام مهدی (عج) آمده است که از مجموع آنها برای رفع گرفتاریهای بشر بهمان ۵ مسئله اصلی میتوان اشاره کرد.

- ۱- مردم جهان باید از یک دین واحد الهی پیروی نمایند و آن هم ت یانت مقدس اسلام است .
- ۲- جهان باید بصورت یک کشور واحد درآید .
- ۳- برابری زوربرادری باید در جهان حکم فرما شود .
- ۴- جهان باید دارای یک حکومت و یک رهبر معصوم گردد .
- ۵- قوانین این حکومت باید براساس فطرت پاک الهی بشر باشد .

حضرت مهدی

وَإِنِّي أَخْرَجُ جِبْنَ أَخْرَجُ
وَلَا بِنِعَاةٍ لِأَحَدٍ مِّنْ
الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي .

و من با خود اجم خاست

در حالیکه پیمان بچکیت از کردنشان برگردنم

نیست .

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: در قنوت نماز خود، روزهای جمعه این دعا را بخوانید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ
 وَحَقَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَأَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَاسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ
 مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَأَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ آمِنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ
 وَلِيِّكَ سُلْطَانًا وَاعْزِزْ لِي فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ.

"بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر"

یارالها، کارظهوربنده، شایسته و خلیفه راستین (امام مهدی) را سامانی نیکو بخش "همانگونه
 پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی و فرشتگانی نگاهبان دور و بر وی بگمار و از سوی خویش
 با "روح القدس" او را یاری و پشتیبانی فرما و دبدبانی از پیش رو و پشت سر همراه وی گردان
 تا از هر بدی نگاهش دارند و ترس و هراس او را با من و امان دگرگون ساز او ترا می پرستد و
 هیچ چیز را همتا و همانند تو نمی پندارد پس برای هیچیک از آفریدگانت برتری و چیرگی نسبت
 به "ولی" خودت قرار مده و او را در جهاد با دشمنت و دشمنش اجازت فرما و مرا از یاران او
 بشمار آور که همانا تو بر هرکاری توانائی .

دیانت مقدس اسلام

وانقلاب جهانی امام مهدی (عج)

بطورکلی همه ادیان الهی، و تمام پیامبران و رسولان فرستاده شده از جانب خداوند، به قیام و انقلابی جهانی اشاره کرده‌اند، که در آن انقلاب، مستضعفین جهان و عباد صالح خداوند زمین را به ارث خواهد برد، و بعر ننگین استعمارگران و استثمارگران و مستبدان و مستکبران... خاتمه خواهند داد، و رهبریت این انقلاب بدست مردی با تقوی و معصوم سپرده شده است که او مهدی موعود و منصور قائم به حق الهی است و او از فرزندان با کفایت رسول گرامی اسلام و علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا (س) می‌باشد، و هم دارای عمری طولانی نیز می‌باشد و این نوید را همه پیامبران الهی به اتمهای خود داده‌اند و پیامبر گرامی اسلام (ص) برای تداوم بخشیدن به این آرمان انبیاء از همان اوایل بعثت خویش و در هر فرصتی برای مسلمانان پیرامون این انقلاب و رهبریت عزیزش صحبت کرده است و توضیحات مفصل داده اند و هم اکنون قیام و انقلاب مهدی "عج" برای محققین و متحرّیان در اسلام امری است واضح و آشکار و دلائلش روشن‌تر از هر دلیل و برهانی است، و ما در دیانت مقدس اسلام بیش از ده هزار حدیث و روایت پیرامون این مسئله داریم که از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) نقل شده است و مسلمین نیز در تداوم این خط از تلاش و کوشش باز نایستاده‌اند، و همیشه در تداوم آن کوشیده‌اند، و صدها کتاب پیرامون این قضیه برشته تحریر درآورده‌اند.

عده‌ای ناآگاه و یا مغرض سعی براین دارند که میگویند فقط شیعیان هستند که مهدی (ع) را قبول دارند، و اهل سنت و جماعت به مسئله مهدویت اعتقاد ندارد، درحالیکه برادران اهل سنت ما نیز اعتقاد به مسئله مهدویت داشته و تا بحال صدها کتاب پیرامون این مسئله برشته تحریر درآورده‌اند، که ما برای مزید اطلاعات و مطالعات خوانندگان گرامی به پاره‌ای از آنها اشاره می‌نمائیم.

۱- کتاب المهدی بخشی از کتاب بسیار مهم سنن ابی داود، که نوشته حافظ ابوداود سجستانی است.

۲- الاربعین و مناقب المهدی و صفه المهدی نوشته حافظ ابونعیم اصفهانی.

۳- عرف الوردی فی اخبار المهدی نوشته حافظ جلال الدین عبدالرحمن سیوطی.

۴- البیان فی اخبار صاحب الزمان نوشته حافظ محمدبن یوسف گنجی شافعی.

- ۵ - القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر نوشته حافظ شهاب الدین ابن حجر هیثمی .
 - ۶ - عقد الدر فی اخبار الامام المنتظر نوشته شیخ جمال الدین یوسف دمشقی .
 - ۷ - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان نوشته علاء الدین متقی هندی .
 - ۸ - المهدیه النديه نوشته ابوالمعارف قطب الدین دمشقی
 - ۹ - المهدی الی ماورد فی المهدی ، شمس الدین محمد بن طوطی
 - ۱۰ - المشرب الوردی فی مذهب المهدی نوشته ملا علی القاری
- ما فقط در اینجا قسمتی از کتابهای برادران عزیز اهل سنت را که مختص مسئله قائمیت بود آوردیم ، در حالیکه بیش از یکصد و پنجاه کتاب از کتب برادران عزیز اهل سنت ما به این مسئله اختصاص دارد ، و لازم به توضیح است که شما هر کتاب از کتب برادران عزیز اهل سنت را مطالعه کنید که پیرامون اصول تفکرات اسلام اظهار نظر کرده باشد حتما " پیرامون این مسئله اشاره نموده است ، مانند کتاب یتابع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی ، که این کتاب فقط پیرامون مسئله قائمیت نیست ولی بسیاری از صفحات این کتاب اختصاص بمسئله قائمیت دارد یا شما کتب مهم صحیح بخاری و یا صحیح مسلم و یا سنن ابن ماجه و یا جامع ترمذی و یا مسند احمد و یا المستدرک علی الصحیحین و یا تاریخ ابن عساکر و یا مصابیح السنه و یا تذکره الخواص و یا کفایت الطالب و یا الفصول المهمه و یا الجامع الصغیر همه به مسئله قائمیت اشاره کرده اند ، و گفته اند که رهبریت این انقلاب حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است ، پس مسئله قائمیت مورد قبول برادران عزیز اهل سنت ما نیز می باشد .
- برای تکمیل این بحث لازم است چند نمونه از کتب نوشته شده توسط دانشمندان شیعه را نیز به عنوان مثنی که خود نمونه ای از خروار است ذکر نمایم .
- ۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه معروف به "کمال الدین" نوشته شیخ صدوق "متوفی ۳۸۱" هجری قمری .
 - ۲ - کتاب الغیبه نوشته محمد بن ابراهیم نعمانی معروف به "عیبیت نعمانی"
 - ۳ - نجم الثاقب نوشته میرزا حسین طبرسی نوری
 - ۴ - بحار الانوار جلد ۱۳ علامه بزرگوار مجلسی
 - ۵ - منتخب الاثر نوشته آیت الله لطف الله صافی
 - ۶ - کتاب الغیبه نوشته شیخ طوسی معروف به عیبیت شیخ طوسی .
 - ۷ - کتاب الغیبه نوشته فضل بن شاذن
 - ۸ - دادگستر جهان نوشته ابراهیم امینی
 - ۹ - همه در انتظار اوئند نوشته حسن سعید
 - ۱۰ - امام مهدی حمایت های او نوشته محمد باقر صدر

- ۱۱ - فی انتظار المهدی نوشته عبدالهادی فضلی
- ۱۲ - نوید امن و امان لطف الله صافی
- ۱۳ - تاریخ الغیبه الکبری نوشته محمد صدر
- ۱۴ - ادیان و مهدویت نوشته احمد بهشتی
- ۱۵ - المهدی (ترجمه) نوشته صدرالدین صدر
- ۱۶ - گامی بسوی آینده نوشته فضل الله صلواتی
- ۱۷ - قیام و انقلاب مهدی نوشته آیت الله شهید مطهری
- ۱۸ - مسئله انتظار نوشته ناصر مکارم شیرازی
- ۱۹ - تکالیف الانام فی غیبة الامام صدرالاسلام همدانی
- ۲۰ - وظایف الانام فی زمن الامام نوشته محمدتقی موسوی اصفهانی
- ۲۱ - جهانگشای عادل نوشته جمال الدین دین پرور
- ۲۲ - امید و انتظار نوشته محمدتقی جعفری
- ۲۳ - در فجر ساحل نوشته محمد حکیمی
- ۲۴ - انتظار عامل مقاومت و حرکت نوشته لطف الله صافی
- ۲۵ - اسرار و فوائد وجود حضرت ولی عصر رسول زاده
- ۲۶ - امام مهدی آخرین پناه دکتر فریدونی
- ۲۷ - الملاحم نوشته سیدین طاوس
- ۲۸ - راز نیایش منتظران آیت الله موسوی اصفهانی
- ۲۹ - خورشید مغرب محمدرضا حکیمی
- ۳۰ - اصالت مهدویت نوشته حسین منتظر
- ۳۱ - انتظار بذر انقلاب نوشته حسین تاجری
- ۳۲ - مهدی موعود میر مسعود آپادانا
- ۳۳ - موعود جهانی نوشته موسوی زنجانی
- ۳۴ - دانشمندان عامه و مهدی موعود علی دوانی
- ۳۵ - مصلح جهان و مهدی صاحب زمان محمدجواد نجفی
- ۳۶ - تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی - شیخ طبرسی
- ۳۷ - سخنی چند در غیبت امام زمان - صالحی آذری
- ۳۸ - شیعه و مهدویت - حبیباً... مزروقی شمیرانی
- ۳۹ - تاریخ الغیبة الکبری - محمد صدر
- ۴۰ - تشیع و انتظار - تقی خلجی

- ۴۱ - مکیال المکارم - محمدتقی موسوی اصفهانی
 ۴۲ - کفایه الموحدین - طبرسی
 ۴۳ - اثبات الهداه - شیخ حر عاملی
 ۴۴ - رهبری امت - جعفر سبحانی
 ۴۵ - امام مهدی و نگرشی به غیبت صغری - محمد صدر
 ۴۶ - منتظر جهان و راز طول عمر - علم الهدی
 ۴۷ - منتقم حقیقی - عمادزاده
 ۴۸ - کشف المحجبه - سیدین طاووس
 ۴۹ - جنۃ الماوی - حاج میرزا حسین طبرسی نوری
 ۵۰ - نوائب الدهور فی علائم الظهور سیدحسین میرجهانی طباطبائی

البته کتبی که ما در اینجا بیان کردیم جزئی است از صدها کتابی که شیعه در طول تاریخ پیرامون مسئله مهدویت و قائمیت نوشته است و نام این کتب را به چند دلیل بیان کردیم ، و آن دلائل عبارتست از :

اولاً - نوشته شدن این کتب همه دلالت بر این است که مسئله مهدویت و قائمیت مسئله کوچکی در اسلام نیست بلکه از ریشه‌هایی بسیار عمیق برخوردار است .

ثانیاً - کسانی که قصد تحقیق بیشتر در باره این مسئله را دارند می‌توانند این کتب را مطالعه بفرمایند .

آخرین کتاب

و آخرین پناه

قبلاً "عرض کردیم که همه امت‌ها و همه ملت‌ها چشم براه بودند، تا سرانجام یکی از فرزندان پیامبرگرامی اسلام انقلابی برپا نماید، و جهان را بر از عدل و داد نماید و همه کتب آسمانی بآمدن این رهبریت و برپا شدن این انقلاب بشارت میدادند، تا اینکه پیامبر اسلام در شهر مکه و در مسجد الحرام فریاد "قُولُوا لَإِلَهِهِ الْإِلَهِ تَفْلِحُوا" سرداد و نجات بشریت را در ایمان و اقرار و عمل به این فریاد آسمانی دانست، و قرآن کریم که آخرین پناه بشریت بود نیز در این باره در آیات فراوانی باین انقلاب اشاره کرده است که ما قسمتی از آن آیات را بیان میکنیم.

۱ - در قرآن کریم سوره توبه آیه ۳۳ آمده است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَنُكْرِهَةٍ -
الْمُشْرِكُونَ.

اوست آن پروردگاری که پیامبرش "محمد (ص)" را با مشعل هدایت و دین حق "اسلام" فرستاد تا اینکه آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند، ولو اینکه مشرکین نخواهند و کراهت داشته باشند.

در این نوید و بشارت خداوند می‌فرمایند که دین اسلام بوسیله پیامبرش محمد (ص) به مردم ارائه شده، و این مذهب برای همه افراد بشر نازل گردیده است، اگرچه استعمارگران و امپریالیست‌ها و یا سوسیال‌امپریالیست‌ها و گروه‌های جهان‌خوار نخواهند، و این بشارت باید عملی شود، باید روزی فرا برسد که اسلام جهانگیر گردد، و انسانها اسلام را در کمال تحقیق و پژوهش بپذیرند، و دنیا دارای یک دین شود و ما میدانیم که این بشارت در زمان پیامبر گرامی اسلام عملی نشد، و دنیا مسلمان نشدند و در زمان ائمه اطهار (ع) نیز عمل نگردید. در تفسیر مجمع‌البیان نوشته مرحوم شیخ طبرسی ذیل همین آیه مبارکه آمده است "به نقل از امام محمدباقر (ع)"

"این وعده به هنگام ظهور مهدی از آل محمد (ص) خواهد بود، پس کسی باقی نمی‌ماند مگر اینکه اقرار بر رسالت و نبوت رسول گرامی حضرت محمد (ص) خواهد کرد.

و در کتاب کمال الدین شیخ صدوق از قول امام صادق (ع) آمده است .
 "نازل نشده تاویل این آیه و نخواهد شد تا قائم آل محمد (ص) قیام کند . پس
 چون قیام کرد به خدای بزرگ قادر تعالی نه کافری باقی خواهد ماند و نه کسیکه
 مشرک به امام باشد .
 ملاحظه میفرمائید که در این ندای آسمانی و الهی و تفسیر آن که از معصومین به ما رسیده
 است ما به نتایج مهمی میرسیم که :
 الف - حکومت واحدی در جهان تشکیل خواهد شد .
 ب - رهبریت این حکومت الهی بعهدہ حضرت مهدی (عج) قائم آل محمد (ص) است .
 ج - دین رسمی این حکومت واحد جهانی اسلام است و همه اسلام را می پذیرند .
 د - و هرکس که بخواهد در مقابل این انقلاب الهی بایستد باید نابود شود " ولو کره -
 المشرکین "

۲ - سوره قصص آیه ۵ : وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ .

و ما بر افرادی که در روی زمین ضعیف شده اند ، منت گزارده ، و می خواهیم آنان را پیشوایان
 بحق و وارثین زمین قرار دهیم .
 در این آیه مبارکه خداوند وعده میدهد که سرانجام مستضعفین وارث زمین خواهند شد
 و مستضعفین بر مستکبرین ظفر خواهند یافت .

در معانی الاخبار از محمد بن سنان از مفضل بن عمر روایت کرده که او از امام صادق (ع)
 نقل میکند : روزی رسول خدا (ص) نگاهی به علی بن ابیطالب و امام حسن (ع) و امام حسین
 علیهم السلام کرد و گریست . و فرمود که شما بعد از من مستضعف خواهید شد ، مفضل میگوید
 عرضه داشتم معنی این کلام رسول خدا (ص) چیست ؟ فرمودند معنایش این است که مقصود از
 آیه شماستید و به حکم این آیه شما پیشوایان این امت هستید بعد از من و این پیشوایی تا روز
 قیامت در ما جریان دارد (۲۶)

سرانجام زمین از آن مستضعفین خواهد شد و سرانجام رهبریت زمین را آنها دست
 خواهند گرفت ، و بشریت را در صلح و صفا فرو خواهند برد .

۳ - سوره نور - ۵۵ : وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي
 الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ
 بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ .

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده
 است که آنها را خلیفه روی زمین گرداند ، همانطوریکه اسلاف آنانرا خلیفه گردانیده است و

همچنین دین و مذهب آنان را استقرار خواهد داد و از بی ترسی که داشتند امنیت را برای آنها جانشین خواهد نمود، تا مرا عبادت کنند، و چیزی را با من شریک نکنند و هرکس پس از این کافر شود، آنان خود عصیان پیشگانند.

با مراجعه به تفاسیر از ائمه معصومین (ع) از آیه فوق نتایج زیر استخراج میشود.
الف - خداوند وعده کرده است آنها که ایمان آورده‌اند و اعمال نیکو انجام میدهند، آنان را بر روی زمین خلیفه گرداند.

ب - و با مراجعه با حدیث معلوم میشود که رهبریت این انقلاب مستضعفین جهانی امام مهدی (عج) است.

ج - جهان بصورت یک کشور و یک جامعه الهی در خواهد آمد.

د - مردم جهان دارای یک مذهب واحد می‌گردند. و آن مذهب دیانت مقدس اسلام است و دیگر مشرکی بر روی زمین باقی نخواهد ماند، و همه خداپرست خواهند شد و از همه جا صدای "لا اله الا الله" بگوش میرسد.

ه - ظلم و جور نابود گشته و قسط و عدل جانشین آن میگردد، و امنیت جایگزین ترس میشود.

و - دشمنان داخل و خارجی مسلمین نابود خواهند شد، و همه خداپرست میشوند.

۴ - در قرآن کریم سوره انبیاء آیه ۱۰۵ چنین میخوانیم:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

در کتاب زبور داود (ع) چنین نوشتیم که زمین را بندگان صالح و شایسته ما به ارث خواهند برد.

متأسفانه همانطوریکه قبلاً نیز اشاره کردیم در طول تاریخ همیشه ستمگران و استعمارگران و استثمارگران بر مستضعفین حکومت کرده، و همیشه عده‌ای قلیل بر عده‌ای کثیر ظلم و ستم نموده‌اند، و باز با کمال تأسف باید بازگو کنیم که امروز هم صاحبان "زر" و "زور" و "تزویر" با وسائل و تجهیزات و سلاحهای جدید و مرگبارتر، هم بر مستضعفین ظلم و ستم می‌نمایند و هم آنها را نابود می‌سازند، که من لازم میدانم به مقداری از کشتار امپریالیسم در کشورهای مختلف اشاره بنمایم.

الف - در سال ۱۹۶۱ استعمار در سرکوب قیام و انقلاب مردم آنگولا ۲۰/۰۰۰ نفر را به خاک و خون کشید.

ب - در سال ۱۹۶۲ امپریالیسم‌ها برای سرکوبی انقلاب مردم الجزایر ۱/۰۰۰/۰۰۰ (یک میلیون نفر) را بخاک و خون کشیدند.

پ - در سال ۱۹۶۳ ابرجنایت‌کاران برای سرکوبی ملت ایران ۱۵/۰۰۰ نفر را بخاک و خون کشید (سال ۱۳۴۲)

ت - در سال ۱۹۶۴ استعمارگران برای نابودی قیام مردم کلمبیا ۲۳/۰۰۰ نفر را کشتند.

ث - در سال ۱۹۶۴ استعمارگران برای استثمار ملت گابون ۲۵/۰۰۰ انسان را کشتند.

ج - در سال ۱۹۶۵ برای سرکوبی ملت دلیر و قهرمان اندونزی ۱/۰۰۰/۰۰۰ انسان را بخاک و خون کشیدند.

چ - در سال ۱۹۶۷ در گواتمالا برای سرکوبی ملت ۸/۰۰۰ نفر را هلاک نمودند.

خ - در سال ۱۹۷۲ برای سرکوبی ملت بورندی ۲۰۰/۰۰۰ نفر را نابود کردند.

د - در سال ۱۹۷۳ برای سرکوبی ملت شیلی ۳۰/۰۰۰ نفر کشته شدند.

ذ - در سال ۱۹۷۴ در کامیوجیا توسط استعمارگران ۶۰/۰۰۰ نفر کشته شدند.

ر - در سال ۱۹۷۵ که جنگ ویتنام پایان یافت آمار بیانگر این بود که در این کشور ۲۰۰۰/۰۰۰ در طول جنگ کشته شدند.

ز - در سال ۱۹۷۷ باز استعمارگران برای سرکوبی ملت کامیوجیا ۳۰۰/۰۰۰ نفر را کشتند.

ژ - در سال ۱۹۷۹ در زیمبابوه ۱۳۰۰۰ نفر بخاک و خون کشیده شدند.

س - در سال ۱۹۷۹ در اوگاندا استعمارگران بیش از ۳۰/۰۰۰ نفر را کشتند.

آری همیشه انسانها را در طول تاریخ بجرم اینکه میخواستند آزاد باشند، و بجرم اینکه میخواستند روی پای خودشان بایستند، و میخواستند زیر سلطه نباشند بخاک و خون کشیده‌اند. و جالب اینجاست که اقتصاددانان غرب امروز جهان را از نظر اقتصادی خودشان به چهار طبقه زیر تقسیم نموده‌اند.

الف - کشورهای فوق صنعتی یا "پیشرو"

ب - کشورهای صنعتی یا "پیشرفته"

ج - کشورهای در حال توسعه یا "در حال پیشرفت"

د - کشورهای عقب مانده یا "عقب نگاه داشته شده"

و متأسفانه باید بگوئیم که امروزه کشورهای فوق صنعتی یا پیشرو به رهبری صهیونیسم بین‌المللی بر تمام جهان حکومت مینمایند. و یا بهتر بگوئیم بر تمام جهان ظلم مینمایند. اما آیه‌ای که ذکر شد بشارت از یک انقلاب میدهد، انقلابی که بر سلطه استعمار خاتمه میدهد، و عباد صالح و مستضعفین را وارث زمین خواهد کرد.

در تفسیر قمی ذیل آیه فوق آمده است، "ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان -

الارض یرثها عباد الصالحون" کتابهای آسمانی همه "ذکر" هستند و "وارثین" زمین منظور قائم و اصحاب او هستند.

و طبق این تفسیر میتوان گفت " طبق شرحی که در کتب آسمانی گذشته بیان شده است عباد صالح سرانجام وارث زمین خواهند شد ، و این مسئله را ما قبلاً " در زبور داود هم دیدیم که در آنجا آمده بود .

" از شیراز رنجیده شو . . . زیرا مانند علف زود بریده میشوند . . . متوکلان بخواهند وارث زمین خواهند شد . . . متواضعان وارث زمین شده ابداً " در آن ساکن خواهند بود (۲۷)

و امام صادق (ع) ذیل این آیه می فرماید : مراد از بندگان صالح که وارث ملک خداوند هستند قائم آل محمد (ص) می باشند ، و عبادی الصالحون را از اصحاب مهدی گفته اند .
۵ - در قرآن کریم سوره زمر آیه ۶۹ چنین آمده است .

" وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ، وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيًّا بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ "

یعنی روشن گردید زمین به نور پروردگارش و کتاب برقرار گردید ، و انبیاء و شهداء را آوردند و بین آنان بحق داوری گردید و پدیدشان ظلم نگردید .
امام صادق (ع) در ذیل همین آیه شریفه میفرماید :

" وقتی قائم آل محمد "ص" قیام نماید زمین به نور پروردگارش روشن میگردد ، و ظلمت و تاریکی برطرف خواهد شد . . . (۲۸)

۶ - در قرآن سوره نساء آیه ۵۹ آمده است .

" يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ "

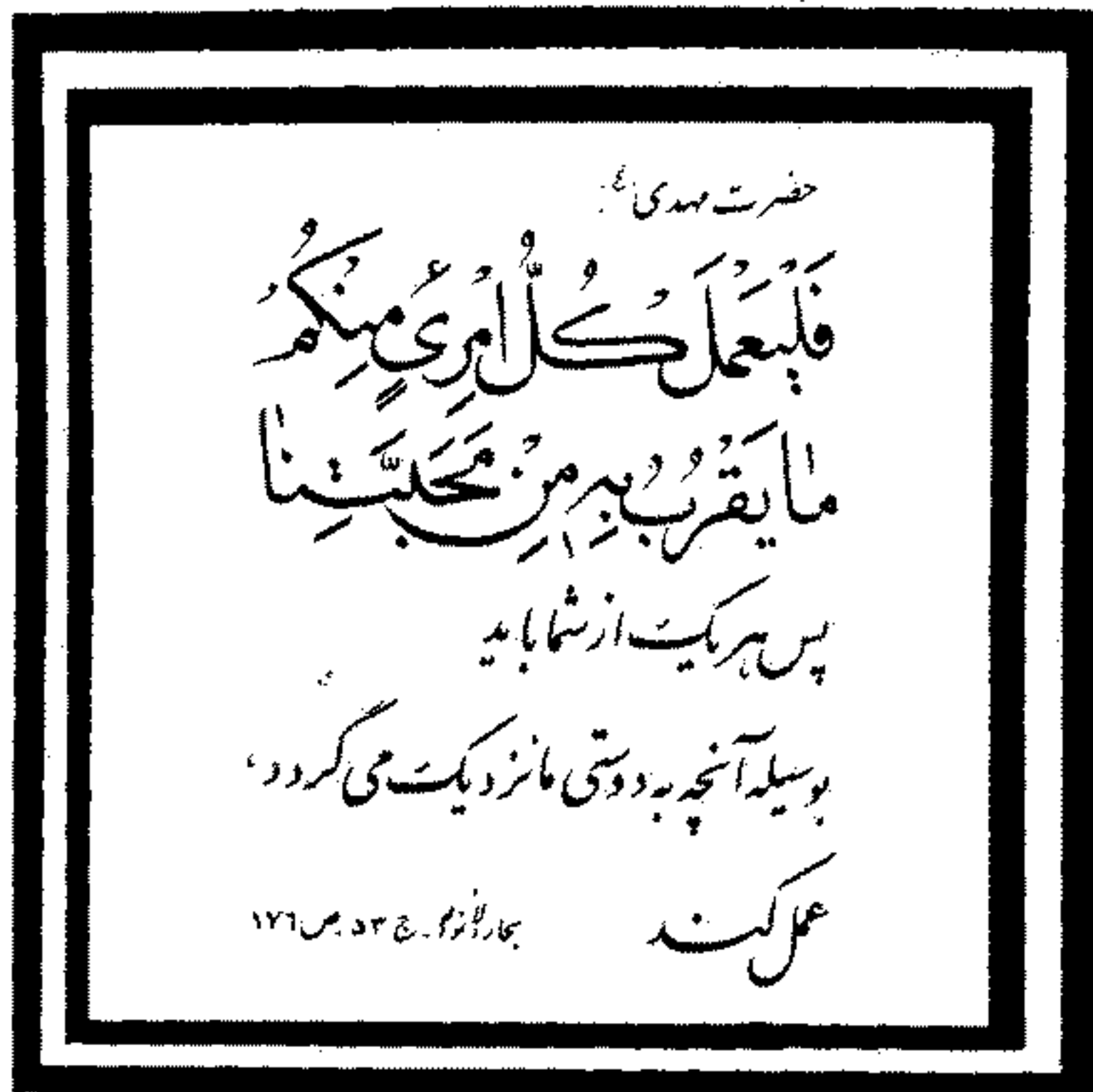
شیخ صدوق در کتاب کمال الدین خود روایتی را از جابر بن عبدالله انصاری از طریق جابر بن یزید جعفی نقل میکند که چون آیه فوق نازل شد ، عرض کردم یا رسول الله :

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَنْ أَوْلِي الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ ؟ فَقَالَ ع هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَأَيُّمَةُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي أَوْلِيَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفِ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ . . . ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَكُنْيَتِي حُجَّافُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلِيٌّ -

يَدِيهِ مَشَارِقُ الْأَرْضِ وَمَغَارِبُهَا ذَلِكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلِيٌّ -
الْقَوْلُ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ أَمَّحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ .

عرض کردم یا رسول الله خدا و فرستاده‌اش را شناختم اما این زمامداران " اولی الامر " که خدا اطاعت آنانرا همانند اطاعت شما قرار داده کیستند؟ رسول اکرم فرمودند: ای جابر ایشان جانشینان من و پیشوایان مسلمین بعد از من می‌باشند که نخستین آنها علی بن ابی طالب است و پس از او فرزندش حسن و حسین سپس علی بن الحسین و سپس محمد بن علی، سپس صادق جعفر بن محمد سپس موسی بن جعفر سپس علی بن موسی سپس محمد بن علی سپس علی بن محمد و بعد حسن بن علی و بعد هم نام و هم کنیه من حجة الله بر روی زمین بقية الله بر بندگان پسر امام حسن عسکری آنکس که شرق و غرب زمین به دست او فتح گردد اوست که از دوستان و شیعیانش غائب میشود، بعدیکه فقط کسانی که خدا قلبشان را آزرده باشد.

مادر اینجابهمین چند آیه قرآن بسنده کرده و محققین را به کتابهای تفاسیر مراجعه می‌دهیم .



تشکیل حکومت واحد جهانی

قبلا "عرض شد که لازمه نجات بشریت از همه مفسد، و از همه بندهای شیطان و از همه رقابت‌های تسلیحاتی و جنگهای خانمان برانداز ایجاد یک حکومت واحد جهانی است، و گفتم که برتراندراسل فیلسوف انگلیسی عقیده داشت که باید حکومت واحد جهانی تشکیل شود، و تمام سلاحهای عظیم را منحصرأ در اختیار بگیرد، و این را تنها راه جلوگیری از جنگ می‌دانست.

البته نظریه برتراندراسل خالی از اشکال نبود، او میگفت تمام سلاحها باید در اختیار دولت قرار بگیرد اما فکر این را نکرده بود که قرار گرفتن سلاحهای مخرب در اختیار فردی عادی یا گروهی بعنوان دولت امکان این هست که به دیکتاتوری بیانجامد، و فکر اینرا نکرده بود که اگر سلاح در اختیار فردی خاص و بیاعده‌ای به نام دولت قرار بگیرد آنها برای حفظ حکومتشان دست بهر جنایتی میزنند، و آنوقت است که حمام خون برآید میاندازند.

اما حکومت واحدی را که اسلام معرفی میکند، در راس آن فردی است معصوم و عادل... و رابطه‌ای الهی با مردم خواهد داشت، و درباره آن حکومت ما در قرآن کریم میخوانیم: **جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ** "که در تفاسیر این آیه را برای قیام انقلاب حضرت مهدی (عج) دانسته‌اند، بخوبی پیداست که منظور صرفأ قرار گرفتن دولتی بجای دولت دیگر و یا حکومتی بجای حکومت دیگر نیست بلکه مقصود، این است که در راس این حکومت فردی قرار میگیرد، که همه باطلها را نابود کرده و خود بحق، و از روی قسط و عدل حکومت خواهد کرد، او با هرگونه ظلم و فساد مبارزه میکند.

رهبریت انقلاب شخصیتی است که در طول عمرش از زمان تولد تا هنگام مرگ هرگز به گناه و شرکی آلوده نشده است و در آینده نیز آلوده نخواهد شد، و او دارای عصمت است، او بدون شکوریب بعلم الهی مجهز است و بقدرت مافوق بشری مجهز است، او دارای فضائل اخلاقی و شجاعت و سخاوت است.

پس وقتی قدرت مطلق در دست چنین فرد عادل و معصومی قرار گیرد، او اولأ "پوزه ستمگران را بخاک میمالد و ثانیأ" کوچکترین احتمالی نسبت به ظلم و ستم او وجود نخواهد داشت و جهان را بر از عدل و داد خواهد کرد.

نکته دیگری که در اینجا مطرح میگردد این است که امام مهدی "عج" چگونه جهان را زیر قدرت "الله" درمیآورد؟ آیا عملکرد او نیز مانند رهبریت پاره‌ای از انقلابهای جهانی

است که در همان ، مرحله اول پیروزی خود همه مخالفین را نابود میسازند؟ و آیا این انقلاب هم مانند انقلاب های سوسیالیستی است که بعد از پیروزی همه مخالفین را نابود میسازند؟ و باشعار حکومت کارگری دیکتاتوری کارگری را براه انداخته و میلیون ها انسان را به خاک و خون میکشند .

در این قسمت باید عرض کنم که رهبریت این انقلاب برای رسیدن به آن هدف واقعی و الهی به طریقه های زیر عمل میکند .

۱- پرورش افکار . حضرت مهدی "عج" با برنامه های الهی و گسترده خود مغزها را پرورش خواهد داد و به افکار وسعت می بخشد ، و بشریت با فکر عالی و اندیشه و بینش مترقی با غوش اسلام آمده و از روی تعقل و تفکر اسلام را می پذیرد . برنامه او شبیه برنامه انبیاء الهی و بخصوص شبیه به برنامه های حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله (ص) است . او مانند جدش رسول خدا با جهل و ناآگاهی مبارزه میکند ، چنانچه شخصی از حضرت صادق (ع) درباره همین مسئله سؤال میکند . آن حضرت در پاسخ میفرماید :

يُصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَهْدِيَهُمْ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَى رَسُولُ اللَّهِ الْأُمَمَ الْجَاهِلِيَّةَ
وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً (۳)

مهدی "عج" نیز مانند رسول خدا (ص) کمر به از بین بردن جهل و ناآگاهی مردم مینهد و احکام فراموش شده اسلام را چنان ترویج میکند و به صحنه زندگی انسانها باز می گرداند که گوئی اسلام جدیدی بوجود آمده است بدینگونه قشر عظیم از اجماع بشری اسلام را به صورت عملی می بینند ، و همه بدان روی می آورند ، اما عده ای از ستمگران و قدرتمندان که خود را در این انقلاب نابود شده میدانند در مقابل این انقلاب می ایستند . آنها در این فکرند که نگذارند ، انقلاب پا بگیرد . و در فکر نابودی انقلاب هستند ، در اینجا است که امام مهدی با این ابو - جهل های زمان به مبارزه برمیخیزد و آنها را نابود میکند .

۲- اعمال قدرت

همانطوریکه در قسمت قبل گفتیم عده ای هستند که حاضر نمی شوند انقلاب را بپذیرند ، با این افراد از طریق قدرت عمل میگردد ، و این قدرت آنقدر قوی است که امام محمد باقر (ع) درباره آن میفرماید :

وَإِنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَالرَّعْبِ وَإِنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ زَأْمِيَةٌ (۳۱)

در این حدیث شریف از دو وسیله برای یاری مهدی "عج" نام برده شده که یکی قرارداددن

ترس در دل دشمن و دیگری قدرت شمشیر آن حضرت است ، این دو وسیله برای رام کردن و یا بهلاکت رسانیدن کسانی که نصیحت آنها را بیدار نکرده است بکار میرود .
امام حسن مجتبی (ع) در ضمن حدیثی مفرماینده .

«أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَيَفْعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةَ لِبَطْنِ غَيْبَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمَ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُخْفِي وَلَا دَتَهُ وَيُعَيِّبُ شَخْصَهُ لئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ ، ذَلِكَ التَّاسِعَ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ - سَيِّدَةِ الْأُمَمِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبِهِ ثُمَّ يُظَاهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةٍ شَابٍ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ذَلِكَ لِيُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۲)»

یعنی آیانی دانستید که هیچیک از ما ائمه نیست مگر اینکه بیعتی از گردنکشان در گردنش میناشد (در هر زمان یک طاغی سد راه او میشود) مگر قائم موعود که عیسی بن مریم (ع) به او اقتدا میکند و با او نماز میخواند ، و خداوند میلاد او را از دیدگان عمومی مخفی کرده است . و او را از دیدگان غائب میگرداند ، برای اینکه در هنگام قیام و خروج بیعتی در گردنش نباشد او همین فرزند از فرزندان برادرم حسین و پسر بانوی کنیزان است خدا عمرش را در غیبتش طولانی میگرداند ، پس بقدرت خود او را بصورت جوانی کمتر از چهل سال هویدا می سازد ، بخاطر اینکه دانسته گردد که خدا بر هر چیزی توانا است .

انقلاب جهانی امام زمان

واحادیث و روایات

در بخش‌های گذشته این کتاب ملاحظه فرمودید که مسئله قائمیت یکی از مسائل بسیار ریشه‌دار اسلامی است، و باز ملاحظه فرمودید که همه انبیاء الهی که از طرف خداوند مأمور به هدایت مردم بودند، امت خود را بشارت میدادند، به انقلابی توسط مردی الهی، که در آن انقلاب همه بشر دارای یک دین و مذهب خواهند شد، و جهان بمنزله یک کشور واحد در خواهد آمد، و عدالت‌جای ظلم رامی‌گردد این وعده‌ها در همه کتب انبیاء قبل جریان داشت تا نوبت بحضرت خاتم الانبیاء که نزدیکترین پیامبران به این انقلاب جهانی بود رسید، و در همین مسیر است که مادر اسلام هزاران حدیث از پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار (ع) پیرامون این انقلاب مشاهده میکنیم و بعد از پیامبر گرامی اسلام نوبت به ائمه اطهار (ع) میرسد و آن بزرگواران نیز بنوبه خود مردم را باین انقلاب جهانی بشارت می‌دادند، و مردم را برای این انقلاب آماده می‌ساختند، و ما در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌نمائیم.

۱ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي يُقَاتِلُ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلَى الْوَحْيِ (۳۳)

این حدیث را عایشه از پیامبر خدا نقل میکند و میگوید: رسول خدا فرمودند: مهدی مردی از عترت من است که او قیام و انقلاب و جهاد مینماید بر سنت من چنانکه من در راه وحی الهی جهاد کردم، طبق این حدیث انقلاب مهدی "عج" شبیه به حرکت اسلامی در زمان رسول خدا (ص) میباشد.

۲ - يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ وَ ظُلْمٍ (۳۴)

امام صادق (ع) فرمودند: "مهدی" پاک میگرداند کره زمین را از تمام ظلم و ستم‌ها، یعنی بتاریخ ننگین ظلم و ستم خاتمه می‌بخشد.

۳ - يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا " وَ نُورًا " (۳۵)

امام زمان "عج" زمین را پر از عدل و داد و روشنی خواهد کرد

۴- وَ يُعَدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّمَنَّهُمْ وَالْفَاجِرِ (۳۶)

امام محمد باقر (ع) فرمودند: مهدی "عج" میان همه خلقهای جهان از نیکان و بدان به عدالت رفتار می نماید (یعنی در حکومت امام زمان "عج" همه افراد بشر در مقابل قانون مساویند)

۵- يُنْصَرُ بِالسَّيْفِ وَالرُّعْبِ وَ آتَتْهُ لَأْتُرْدَلُهُ زَايَةً (۳۷)

امام باقر (ع) فرمودند: مهدی به نیروی شمشیر و افکندن ترس در دلها و جان دشمنانش یاری میشود و هر آینه هیچ پرچم او شکست خورده برنخواهد گشت (یعنی امام زمان (ع) در همه جبههها پیروز است).

۶- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ (۳۸)

زمانیکه قائم ما مهدی (ع) قیام کند همه حکومت های باطل و (جابر و ستمکار) از میان خواهد رفت و او یک حکومت واحد تشکیل میدهد.

۷- وَيَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ (۳۹)

امام باقر (ع) فرمودند: حکومت قائم ال محمد (ص) خاور و باختر زمین را فرا خواهد گرفت.

۸- يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُو هُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي (۴۰)

رسول گرامی اسلام فرمودند: (مهدی موعود) فرامیخواند جهانیان را بر شریعت و دیانت من (یعنی اسلام) و او بر تعداد مسلمانان می افزاید و مردم را بر کتاب خدا یعنی قرآن دعوت میکند (تا دیانت همه مردم اسلام شود و کتاب آسمانی آنها قرآن)

۹- لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (۴۱)

امام صادق (ع) فرمودند: هیچ نقطه ای از زمین باقی نخواهد ماند مگر اینکه فریاد و بانگ شهادتین "لا اله الا الله" و "محمد رسول الله" از آن بر می خیزد (یعنی دیگر بر روی کره زمین مشرکی یافت نخواهد شد - و غیر مسلمانی نیز وجود نخواهد داشت)

۱۰- فَلَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (۴۲)

رسول گرامی اسلام فرمودند: در قیام و انقلاب عظیم مهدی در روی زمین جز کلمه

"لااله الا الله" پیدا نخواهد شد.

۱۱- قال رسول الله: **إِثْمًا مِّثْلَهُ مَثَلُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ لَأَيَّاءِ تِيكُمْ إِلَّا بَعْتَهُ** (۴۳)

رسول گرامی اسلام (ص) درباره وقت قیام و انقلاب آن حضرت فرمودند: مثل قیام و انقلاب آن ابرمرد) مانند رستاخیز و آخرت است. که شما را جز بطور ناگهانی فرانخواهد گرفت یعنی از وقت انقلاب کسی خبر ندارد.

۱۲- قال الصادق (ع) **كَذِبَ الْمُوقْتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيهَا مَضَى وَلَا نُوقِتُ فِيهَا يَسْتَقْبِلُ** ۴۴

امام صادق (ع) فرمودند: آنانکه برای (قیام مهدی) وقتی معین کنند دروغ گو هستند و ما برای وقت این انقلاب در گذشته وقتی را معین نکرده ایم و در آینده نیز مشخص نخواهیم کرد.

۱۳- قال الصادق (ع): **إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيئُ اللَّهُ بِهَا إِنْ شَاءَ ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ**

مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ (۴۵)

امام صادق (ع) فرمودند: بدرستی که برای ما دولتی است که وقتی خدا خواست آن را میآورد سپس حضرت میفرمایند: کسی که دوست دارد از اصحاب قائم "عج" باشد، باید ابتدا منتظر باشد در عمل خود از طریق پارسایی و اخلاق نیک و آنگاه انتظار ظهور آن حضرت را بکشد.

۱۴- قال رسول الله: **أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ** (۴۶)

یعنی بالاترین عبادتها انتظار کشیدن فرج (و انتظار کشیدن انقلاب) امام مهدی "عج" است.

۱۵- قال علي بن الحسين (ع): **مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مَوَالِئِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ جَرًّا**

أَلْفٍ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ (۴۷)

هرکس در غیبت قائم ما بر دوستی و عقیده بر محبت و امامت ما ثابت باشد، خدای عزوجل اجر هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را باو عطا میفرماید.

۱۶- قال الصادق (ع): **مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ لَا**

بَلْ كَانَ كَالضَّارِبِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِالسَّيْفِ (۴۸)

یعنی کسیکه در انتظار فرج بمیرد مانند کسی باشد که در خیمه خصوصی قائم با او باشد بلکه چون کسی است که در خدمت رسول خدا (ص) شمشیر زده باشد.

۱۷- قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) تَمَّتْ الْقَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الثَّانِي عَشْرًا مِنْ أَوْلِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَالْأَيُّمَةُ بَعْدَهُ أَنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبِيهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ (۴۹)

بهنگام غیبت دوازدهمین ولی خدا و وصی رسول خدا (ص) کسانی که قائل به امامت او و منتظر فرجش باشند از اهل هر زمان دیگری برتر هستند.

۱۸- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَجُورًا (۵۰)

اگر از عمر دنیا یکروز بیشتر باقی نمانده باشد خداوند آن یک روز را آنقدر طولانی میگرداند تا اینکه مردی از خاندان مرا برانگیزاند (و او قیام کند) که نامش نام من است و کنیه اش کنیه من می باشد و زمین را از عدالت و دادگری آکنده میسازد، همانطوریکه از ستم و بیدادگری پر شده باشد.

۱۹- امام باقر (ع) میفرمایند: لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ... وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ فِي النَّاسِ... فَخُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ النَّاسِ وَالْقَنُوطُ مِنْ أَنْ يَرَوْا فَرَجًا، فَيَأْطُوبِي لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ.

یعنی قائم اسلام بیانمی خیزد و انقلاب نمیکند، مگر هنگامیکه هراس و لغزش و فتنه مردم را فراگرفته... اختلافات میان آنان بوجود آمده... و قیام میکند او زمانی که مردمان در یأس و ناامیدی از گشایش بسر میبرند. خوشا بر احوال آنکس که او را دریابد و از یارانش باشد.

۲۰- رسول خدا فرمودند: الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي، يَقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي (منتخب الاثر ص ۱۸۳ ح ۴)

قائم از فرزندان من است اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من است و شمائل او مانند شمائل من است، و روش او مانند روش من است (و او انقلابی جهانی برپا خواهد کرد، که در آن انقلاب شریعت من شریعت همه انسانها میشود) و مردم را دعوت میکند به کتاب خداوند

۲۱- وَ هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي (كمال الدين ص ۲۵۲)

رسول خدا (ص) فرمودند: قائم حلال ما را حلال و حرام ما را حرام میکند.

۲۲- عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيَّ فَاذْهَبْنَا وَ تَفَرَّسَ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ لَهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْتَ سَيِّدُ مِنَ السَّادَةِ وَ أَنْتَ إِمَامٌ مِنْ إِمَامٍ أَبَوَاتِمَا تَسَعَةَ تَسْعِهِمْ قَائِمُهُمْ أَمَامُهُمْ أَعْلَمُهُمْ أَحْكَمُهُمْ أَفْضَلُهُمْ. (نفس الرحمن ، منتخب الاثر ص ۹۶)

سلمان فارسی میگوید: یکروز در محضر رسول خدا (ص) بودم و فرزند زهرا (ع) حسین ع روی زانوی حضرت نشسته بود و حضرتش نظاره گر سیمای ملکوتی نواده اش، این سخنان پیامبر است که در آن حال از زبانش جاری شد، ای اباعبدالله تو در میان ائمه امام ، تو پدر امامی که نهمین ایشان قائم و امام و اعلم و احکم و افضل آنهاست .

۲۳- سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) هَلْ تَدْرِكُ وِلْدَ الْقَائِمِ؟ قَالَ لَا، وَلَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.

امام صادق (ع) میفرمایند اگر قائم موعود (ع) را ببینم و او را درک کنم آرزوی خدمتگذاری حضرتش را دارم (غیبت نعمانی - بحار الانوار جلد ۵۱ ص ۱۴۸)

این بود قسمتی از احادیث وارده پیرامون این انقلاب الهی و رهبریت آن و موقعیت مردم در زمان انقلاب ، و گفتیم ما در منابع و مآخذ پربار تشیع بیش از ده هزار حدیث پیرامون این مسئله داریم که ما در اینجا فقط فهرست وار به بعضی از آنها اشاره میکنیم .

- ۱- مهدی همنام و هم کنیه رسول گرامی است - ۴۸ حدیث
- ۲- مهدی نهمین فرزند سیدالشهداء حسین بن علی (ع) است - ۱۴۸ حدیث
- ۳- مهدی هفتمین نسل از امام محمد باقر (ع) است - ۱۰۳ حدیث
- ۴- مهدی فرزند ششم امام صادق (ع) است - ۹۹ حدیث
- ۵- مهدی پنجمین نسل از امام موسی کاظم (ع) است - ۹۸ حدیث
- ۶- مهدی چهارمین فرزند امام رضا (ع) است - ۹۵ حدیث
- ۷- مهدی سومین اولاد امام جواد (ع) است - ۹۰ حدیث
- ۸- مهدی نوه امام هادی (ع) است - ۱۴۶ حدیث
- ۹- مهدی پسر امام حسن عسگری (ع) است - ۱۴۶ حدیث
- ۱۰- مهدی فرزند حضرت نرجس (ع) است - ۹ حدیث
- ۱۱- مهدی دوازدهمین و آخرین ائمه است - ۱۳۶ حدیث
- ۱۲- مهدی ولادتش از مردم پنهان است - ۱۴ حدیث
- ۱۳- مهدی از بیعت و پیمان با ستمگران در آسودگی است - ۱۰ حدیث

- ۱۴ - مهدی دارای غیبتی طولانی است - ۹۱ حدیث
- ۱۵ - مهدی دارای دو غیبت است - ۱۵ حدیث
- ۱۶ - مهدی دارای عمر طولانی است - ۳۱۸ حدیث
- ۱۷ - مهدی چهره‌ای جوان دارد که به مرور زمان پیر نمیشود - ۸ حدیث
- ۱۸ - مهدی دارای سنتهایی از برخی انبیاء است - ۲۳ حدیث
- توجه میفرمائید که رهبریت این انقلاب جهانی کاملاً " مشخص است که کیست و مامی -
توانیم ، بطور خلاصه از درون هزاران حدیث این رهبر الهی را چنین معرفی کنیم .
- الف - نام : محمد
- ب - کنیه : ابوالقاسم
- ج - القاب : مهدی = قائم = بقیه . . . = منصور = ولی عصر = امام زمان و . . .
- د - نام پدر : حضرت امام حسن عسکری (ع) امام یازدهم شیعیان جهان
- هـ - نام مادر : نرجس
- و - القاب مادر : سوسن = ریحانه = ملیکه = صیقل
- ز - محل تولد : سرمن رای = و یا سامره .
- ح - تاریخ تولد : شب جمعه ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ (هجری - قمری)
- ط - ایشان دارای عمری طولانی خواهند بود ، و در هنگام ظهور چهره‌ای جوان دارند .
- ی - ایشان دارای دو غیبت است غیبت صغری و غیبت کبری
- س - او قیام و انقلابی برپا خواهد نمود که سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و دین جهان اسلام خواهد شد و همه بزرگواران اسلام در خواهند آمد .

"اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تَسْكُنَهُ
أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا"

بارالها: در این هنگام ، و برای همیشه ولی امرت ، امام زمان حجة بن الحسن را (که
درودهایت بر او و پدرانش باد) سرپرست و نگهدار ، و رهبر و یاور و رهنما و نگهبان باش .
تا گیتی را به فرمان او آوری و تا دیر زمان بهره‌مندش گردانی .

منسوبین بقائمیت

قبلاً گفتیم که انبیاء قبل از رسول الله (ص) همه بشارت داده بودند که مهدی از فرزندان حضرت ختمی مرتبت (ص) است و شخص پیامبر (ص) نیز بارها و بارها فرموده بودند که یکی از فرزندان من قیام می‌کند و عدالت را حاشین ظلم و قسط را حاشین عدل می‌نماید، و مستضعفین را نجات می‌دهد لذا بعد از وفات پیامبر اسلام هرگاه شدت ظلم بر مردم زیاد میشد، و حاکم یا پادشاه و یا خلیفه ظالمی روی کار می‌آمد، مردم بدور شخص با فضیلتی جمع می‌شدند و از او یاری می‌خواستند، و سرانجام او را مهدی موعود می‌خواندند، هر چند آن فرد با فضیلت می‌دانست که خودش اولاً "مهدی نیست ثانیاً" از آن لقب نیز ناراحت میشد، ما در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

۱ - محمد حنفیه (متولد ۱۶ و متوفی ۸۱ هـ.ق)

محمد حنفیه یکی از فرزندان با فضیلت علی بن ایطالب (ع) است که متأسفانه افتخار شهادت در کنار سیدالشهداء حسین بن علی بن ایطالب (ع) و ۷۲ تن از یاران باوفای آن حضرت را در صحرای مقدس و پاک کربلا که خاکش سرفه چشم هر زن و مرد شیعه است پیدا نکرد، اما بعد از شهادت سرور آزادگان و کشته شدن یزید و روی کار آمدن عبدالله بن زبیر، عبدالله از محمد حنفیه بیعت خواست و محمد با او بیعت نکرد و لذا او را به زندان قبه زمزم انداخت، در همین ایام مختار بن ابوعبیده ثقفی به خونخواهی شهدای کربلا قیام کرد او از امام سجاد اجازه خواست، و امام سجاد این اجازه را باو نداد.

سپس مختار چند نفر از افراد خود را برای نجات محمد بن حنفیه به مکه فرستاد و آنجا محمد را نجات دادند، روی همین مطلب بود که عده زیادی بدور مختار جمع شدند، و مختار هم خود را نماینده مخصوص محمد حنفیه میخواند و بر همین مبنا بود که چند صباحی هم بر کوفه و اطراف آن حکومت کرد.

محمد حنفیه زمانیکه این امور را از مختار دید که مختار میخواهد از نسبت او با اهل بیت اظهار (ع) سوء استفاده کند و مردم را فریب دهد، از او کناره‌گیری کرد.

اما سرانجام مختار در ضمن مبارزه‌اش کشته شد، اما پیروانش که به "کیسانیه" معروف شده بودند محمد حنفیه را "مهدی" می‌خواندند، آنها میگفتند چه ظلمهایی از این بالاتر که پسر رسول خدا (ص) حسین بن علی را شهید کرده‌اند و اهل بیت او را باسارت برده‌اند، و عمال

یزید به مسجدالنبی (ص) حمله کردند . و مدینه را قتل عام نمودند پس طبق گفته رسول گرامی اسلام که میفرمایند " به یملأء الله الارض قسطا " و عدلا " بعد ما ملئت ظلما " و حورا " باید مهدی قیام کند .

دور محمد حنفیه را گرفتند و گفتند تو مهدی هستی ، و با او میگفتند که رسول خدا فرموده اند اسم او سمی و کنیه کنیتی " یعنی اسم مهدی اسم من است و کنیه او کنیه من می باشد ، پس نام تو محمد است و کنیه تو هم ابوالقاسم است . پس تو هم اسم و هم کنیه رسول خدائی ، پس مهدی موعود تومی باشی ، محمد حنفیه از مردم میخواست تا او را رها کنند و فریاد میزد مهدی موعود من نیستم ، مهدی دوازدهمین امام از امامان شیعیان است مهدی باید از فرزندان فاطمه (ع) باشد که من نیستم ، مهدی باید پسر امام حسن عسکری باشد که او هنوز بدنیایا نیامده است ، مهدی باید زمین را پر از عدل و داد کند که من قدرت آن را ندارم ، اما عده ای او را رها نمی کردند .

تا اینکه محمد حنفیه وفات یافت اما باز عده ای از پیروانش مرگ او را باور نداشتند و گفتند که او در جبل رضوی از کوههای حجاز غیبت اختیار کرده و از دیدگان پنهان گشته است ، و روزی قیام خواهد کرد .

۲ - زید بن علی بن الحسین

زید یکی از فرزندان پاک و با تقوی و با فضیلت امام سجاد زین العابدین (ع) بود که مانند پدرش در عبادت و تقوی زیانزد خاص و عام گردیده بود ، و او آنقدر در " مسجدالنبی " به عبادت و نیایش خداوند مشغول گردید که مردم او را " ستون مسجدالنبی " میخواندند ، زید تنها مرد عبادت نبود ، بلکه در عمل نیز از جد بزرگوارش علی بن ابیطالب (ع) بهره داشت او هرگز نمی توانست بنشیند ظلم و جور و جنایت و خیانت را ببیند و سکوت نماید ، او همیشه خصم ظالمان و جانیان و فاسدان بود ، لذا او همیشه بر علیه حکومت ظالم وقت تبلیغ میکرد ، و در مقابل مروانیان می ایستاد ، او نمی توانست اشک یتیمان و آه بیسوه زنانی را که بدست مروانیان یتیم و بیوه شده بودند ببیند ، و سرانجام بر آن شد تا بر علیه " هشام بن عبدالملک مروان " قیام کند و با یاران معدودش با این ظالم زمان بحنگ پردازد . و در این حنگ بود که او از خود رشادت ها و شجاعت های فراوانی نشان داد . اما سرانجام در گرما گرم ستیز به سبب تیزی که بر پیشانی مبارکش خورد شهید گردید ، یاران باوفای زید او را در اعماق نهر آبی مدفون نمودند ، و سپس آب را بر مزارش جاری ساختند ، ولی خونخواران و چپاران زمان ، بدن پاک زید را از قبر خارج کردند ، و سر از بدنش جدا نمودند ، و آنرا به دمشق برای هشام بامرمان فرستادند ، و بدن پاک او را در کوفه به دار آویختند . بدن او پنج سال چون پرچمی که انسانیت

را به آزاد بودن و آزادزیستن فرامیخواند بر سر داد در اهتزاز بود، سرانجام "ولید بن یزید" که به خلافت رسید دستور داد بدن او را از بالای دار پائین کشیده و آتش زدند، و خاکسترش را نیز به آب فرات ریختند پیروان یزید که به "زیده" معروف شده بودند بعد از او قائل به مهدویت او شدند، و منتظرند تا روزی ظهور کند.

۳ - محمد بن عبدالله "نفس زکیه"

محمد فردی از خاندان علی بن ابیطالب (ع) بود، و در میان مردم محبوبیتی فراوان داشت. بنی عباس در ابتدای قیامشان بر علیه امویان او را جلو انداختند و به عنوان پیشوا با او بیعت کردند. و برای پیشرفت کار خود سعی بر هر چه معروفتر شدن او داشتند، و سپس او را به عنوان مهدی به مردم معرفی میکردند و حتی حدیثی ساختند که پیامبر خدا فرموده است "ان المهدی اسمہ محمد بن عبدالله و فی لسانہ رنہ" یعنی همانا مهدی نامش محمد بن عبدالله است و در زبانش لکنت می باشد، و این حدیث را بدان سبب ساختند که اولاً "نام نفس زکیه محمد بود و ثانیاً لکنت زبان داشت، البته سازنده حدیث هم ابوهریره حدیث ساز معروف بود. که پول میگرفت و حدیث می ساخت و همچنین حدیث دیگری ساختند که "اسمُ اَبیهِ اسْمُ اَبی" یعنی نام پدر مهدی نام پدر من است، پس از اینکه عباسیان بخلافت رسیدند، دیگر بیعت خود را فراموش نمودند، و بر علیه نفس زکیه قیام کردند، و لشکری به جنگ با او فرستادند و او را کشتند، اما باز پیروانش که به "حاروریه" معروف گردیدند، او را مهدی دانسته و منتظر ظهورش شدند.

در طول تاریخ مخصوصاً "بعد از رحلت نبی گرامی اسلام همیشه ما به منسوبین مهدویت برخورد میکنیم که وجود این افراد، و حرکت عده ای بدنبال آنها یکی از دلائل مهم بر مسئله مهدویت در اسلام است.

مدعیان مهدویت

گفتیم که منسوبین به مهدویت خودشان مستقیماً ادعای مهدویت نمی‌کردند، بلکه عده‌ای برای سودجویی آنها را به مهدی بودن منسوب می‌نمودند، اما مدعیان مهدویت افرادی سودجو و خدانشناس بودند که خود را به ناحق مهدی می‌خواندند و در همین مسیر بود که برخی از آنها برای خود حکومت‌هایی تشکیل دادند، اما از آنجا که ناحق بودند.

اولاً - حکومت آنها هرگز جهانی نشد.

ثانیاً - اسلام را در سرتاسر جهان گسترش ندادند.

ثالثاً - عدالت را به جای ظلم به کرسی نشانندند.

رابعاً - بدقتر ظلم پایان داده نشد و بعد از آنها روز بروز ظلم بیشتر گردید بجای اینکه کم شود.

خامساً - اکثر اینها در قرن سیزدهم ادعای مهدویت کردند و اکثراً خود غلام حلقه‌به‌گوش استعمار بودند.

سادساً - از فرزندان رسول الله (ص) و از فرزندان امام حسن عسگری (ع) نبودند.

سابعاً - هرگز دارای دو غیبت یکی کوچک و دیگری بزرگ نبودند.

به هر صورت اینها را می‌توان مهدی‌های بدلی نام نهاد که سعی کردند خودشان را با مضامین آیات و روایات تطبیق دهند، مثلاً "ابن تومرت مراکشی" ادعای مهدویت می‌کند و نام خودش را عوض کرده و مهدی می‌گزارد، همچنین محمد احمد سودانی چون می‌دانست پیامبر فراموده بودند سنت مهدی مثل سنت و روش من است، با زنی به اسم عایشه ازدواج کرد، و به اوام - المومنین لقب می‌دهد، و به اطرافیانش ابوبکر و عمرو و خالد بن ولید و حسان بن ثابت لقب داده بود. با اینکه رسول خدا فرموده بودند که قیام امام زمان (عج) از شهر مکه شروع میشود، لذا مهدی‌نماهایی مثل مهدی‌بنگالی عبدالله العجمی و میرزا علی محمد باب شیرازی به مکه می‌روند تا در آنجا دعوی قائمیت نمایند.

بهر حال تا اسکناس هزار تومانی نباشد بدش را نمی‌سازند اینها همه دلیل بر ریشه‌دار بودن مسئله مهدویت و همه دلیل بر وجود امام زمان "عج" است که ما در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- ابو محمد عبیدالله مهدی "عج"

متأسفانه در طول تاریخ، یهود همیشه برای پیشبرد برنامه‌های خود از هرگونه حيله و تزویر و فساد استفاده کرده است و ابو محمد عبیدالله مهدی یکی از کسانی است که، مانند عروسکی آلت دست یهود شده بود، یهودیان برای پیشبرد برنامه‌های خود، در نیمه قرن سوم هجری با او سازش نمودند، و او را بر آن داشتند تا ادعای مهدویت نماید، او در تاریخ ۲۸۵ (هـ-ق) عده‌ای از طرفداران خود را به مغرب فرستاد، و در این راه توانست در سال ۲۹۷ (هـ-ق) به حکومت برسد، و خود را "مهدی امیرالمومنین" نامید، و سکه "حجه‌الله" زر و خود را حجت خدا دانست، و برای اینکه حکومتش هرچه باشکوه‌تر شود در سال ۳۴۵ شهر زیبای مهدیه در شمال آفریقا را بنا نمود، و این شهر را پایتخت خود قرار داد، و او بود که حکومت فاطمیین را در آفریقای شمالی پایه‌گذاری نمود، و فاطمیین هم تا اواخر قرن پنجم (هـ-ق) بر آن سامان سلطه داشتند، اما او سرانجام در سال ۳۴۴ (هـ-ق) فوت کرد.

توجه می‌فرمائید، مردی در قرن سوم هجری ادعای مهدویت می‌کند، او فرزند امام حسن عسگری نیست نامش محمد نمی‌باشد، کنیه‌اش ابوالقاسم نیست، نشانه‌هایی که باید در مهدی باشد در او وجود ندارد، اما ریشه‌دار بودن مسئله، مهدویت در اسلام باعث میشود مردم را فریب بدهد، و چون در احادیث داریم که مهدی انقلاب میکند و حکومت تشکیل میدهد، او هم قیام میکند و حکومت تشکیل میدهد و می‌بینیم که چگونه کار این مهدی‌نما یا مهدی دروغین می‌گیرد.

۲- محمد بن عبدالله بن تومرت

محمد بن عبدالله بن تومرت در نیمه اول قرن ششم در آفریقا قیام کرد و ادعای مهدویت نمود و عده زیادی را فریب داد، و آنها باین عنوان که او مهدی حقیقی است دورش جمع شدند و او کتاب "تنقیح الموطا" را در اصلاح و تکمیل کتاب الموطاء مالک بن انس نوشت. و سرانجام توانست با کمک یارانش حکومتی تشکیل دهد، و او برای حفظ حکومتش از هیچ خیانت و جنایتی فروگزاری نمی‌کرد، و مخالفین خود را نیز با نیرنگ از صحنه بدر می‌نمود، و با همین حيله‌ها و تزویرها توانست حکومت خود را در مراکش و قسمتی از شمال آفریقا گسترش دهد، سرانجام این مهدی‌نمای حيله‌گر در سال ۵۲۴ (هـ-ق) درگذشت، و شخصی بنام عبدالموئمن جانشین او شد، و او هم در سال ۵۵۸ (هـ-ق) فوت کرد، سپس شخصی بنام یوسف جانشین او گردید، و او هم تا سال ۵۸۵ (هـ-ق) بر آن سامان حکومت نمود، و طبق شهادت تاریخ جانشینان محمد بن عبدالله بن تومرت توانستند بمدت یک قرن بر مراکش و قسمتی از شمال آفریقا و همچنین قسمتی از اسپانیا حکومت کنند.

۳ - مهدی کرد

در قرن یازدهم (هجری - قمری) جوانی یهودی بنام اسحق در ترکیه ادعا نمود که من مسیح موعود هستم، وعده زیادی از یهودیان گرداو را گرفتند، و در مقابل علمای مسلمان ترک او را دجال خواندند، و چون در اخبار اسلامی وارد شده است که یکی از علائم ظهور حضرت - مهدی "عج" خروج دجال است، و خروج دجال از نظر روایات مقدمه ظهور مهدی است، در چنین اوضاع مناسبی یکی از فرزندان شیوخ کرد عثمانی خود را مهدی معرفی کرد، و استدلالش این بود که قبل از من دجال خروج کرده است و من هم مهدی موعود هستم، و عده زیادی را به دورش جمع نمود، و هیاهوی عجیبی در ترکیه یا مملکت عثمانی بپا کرد، سلطان عثمانی که میدید دجال و مهدی نما هر روز غوغا بپا نموده اند دستور توقیف هر دو آنها را داد. بعد از چند روزی مهدی نما و دجال را نزد سلطان عثمانی بردند، و هر دو در همان دقائق اول تماس با سلطان سخت به لرزه درآمدند، و به پای بوس سلطان شتافتند و سپس از اعمال ننگین خود عذر خواستند، و سرانجام جزو غلامان حلقه بگوش سلطان شدند.

۴ - غلام احمد قادیانی

یکی دیگر از کسانی که در قرن سیزدهم (هـ - ق) در هندوستان ادعای قائمیت نمود میرزا - غلام احمد قادیانی بود، او از اهالی قادیان از ایالات پنجاب هند بود. غلام احمد در تاریخ ۱۲۵۰ (هـ - ق) متولد شد، و پس از مقداری تحصیل وارد دستگاههای حکومتی هند که در آن زمان در هندوستان تسلط داشتند شد، (هندوستان در آن زمان تحت سلطه انگلیس بوده و از مستعمرات آن بشمار میرفت) و بتحریر انگلیسی ها خود را "مجدد الاسلام" نامید و کتاب "براهین احمدیه" را تالیف نمود و باز بتحریر انگلیسی ها عده ای تهی مغز دورش را گرفتند، در اینجا بود که او ادعای "مهدویت" کرد و خود را "مهدی موعود و مسیح معهود" خواند، این غلام حلقه بگوش استعمار برای اثبات مهدویت خود دست به تالیف بیش از ۸۰ کتاب زد که مهمترین آنها عبارتند از: "حماة الیشری" و "سرا الخلافه" و "ازاله الاوهام" و "المواهب الفیوضات".

البته این را باز باید تذکر دهیم که قادیانی را زمانی انگلیسی ها تحریک کردند، که ملت قهرمان هند در حال مبارزه با این پیر استعمار بودند، و قادیانی یکی از خدمت هایش به استعمار - گران این بود که افکار مردم را از انقلاب منحرف نماید و او خود می دانست که توانسته است با انگلیس خدمت شایانی کرده باشد، لذا در کتاب "تریاق القلوب" صفحه ۱۵ میگوید: من قسمت اعظم عمر خود را در تائید حکومت انگلستان و پیروزی آن بسر آورده ام.

"و در منع جهاد و وجوب اطاعت از اولی الامر انگلیس به اندازه ای کتاب و نشریه

و اعلامیه منتشر کرده‌ام که اگر آنها را جمع کنند مثنوی هفتاد من کاغذ شود، و من این‌ها را در مصر و سوریه و ترکیه و ... پخش کرده‌ام .
من عقیده دارم که اسلام مرکب از دو جزء است: اطاعت از خدا و اطاعت از حکومت بریتانیا که امنیت را به ما ارزانی داشته و در سایه آن از ظالمین و ستمگران نجات یافته‌ایم ."

آری غلام احمد قسمت اعظم عمر خود را در راه خدمت به حکومت انگلیس صرف کرده همیشه در فکر پیروزی این حکومت ستمگر بود، جالب اینجاست مهدی خود اسوه و الگوی جهاد است او میگوید من بخاطر دولت بریتانیا جهاد را تحریم کردم . اما بجایش این مطلب را برای مردم هند توجیح کرده‌ام که حکومت جبار انگلیس اولی الامر است، و اطاعت از اولی الامر واجب است .
بهر حال سرانجام پس از عمری خیانت به مسلمانان و خدمت به دولت استعمارگر انگلیس میرزا غلام احمد قادیانی در سال ۱۳۲۶ (هـ. ق) به مرض اسهال دچار شد و همین مرض باعث مرگ او گردید و او را در قادیان به خاک سپردند .

۵ - محمد احمد بن عبدالله سودانی

یکی دیگر از مدعیان دروغین مهدویت محمد احمد بن عبدالله سودانی بود، او در آغاز جوانی جزو دراویش بوده و بسیار تظاهر به زهد و تقوی و ورع می نمود، اما بنا بر عللی اهل طریقت او را از خود راندند . و این راندن باعث عقده‌های روحی برای او شد، و همین عقده‌ها بود که باعث شد او ادعای مهدویت کند، و خود را مرد بزرگی بداند، البته در کنار این عقده‌های او، زمینه مساعد دیگری نیز بچشم میخورد و آن این بود که مردم سودان در این زمان در زیر شلاقهای ظالمانه حکومت انگلیس کمرشان را خم کرده بود، و همه مردم سودان منتظر بودند تا شخصی قیام کند تا بدنیاال او ب حرکت درآیند، محمد احمد هم از این قضیه با خبر شده بود، لذا سخنرانی‌های بسیار داغ و انقلابی میکرد، و این سخنرانی‌های انقلابی باعث شد تا عده‌ای به دور او جمع شوند، او بلافاصله برده فروشی را لغو کرد لذا این زمینه‌ها همه دست به دست هم دادند تا اینکه عده‌ای از مردم ستم دیده سودان پنداشتند که او مهدی موعود است، و او هم مبارزات خود را با انگلیس ادامه میداد، و در اغلب مبارزه‌ها نیز پیروزی با او بود، و او توانست با کمک مردم افسرانی مانند "آکنل هیکش" و "ژنرال گودون" را با سپاهیان شان نابود سازد، و دولت جبار و کثیف کلا دستون را با مشکلات فراوانی روبرو سازد، و سرانجام سودان را زیر حکومت خود درآورد، اما سرانجام او نیز مانند مهدی نمایان دیگر در اوج پیروزی‌های دیگرش در اثر تب بسیار شدیدی که نمود به سوی جهنم شتافت و همانطوریکه قبلاً گفتیم او سعی میکرد زندگی خود را با زندگانی رسول گرامی اسلام وفق دهد، لذا همسری "عایشه" نام انتخاب کرد،

و اصحاب خود را به القاب ابوبکر و عمر و عثمان مفتخر میساخت ، لذا بعد از مرگش ابوبکرهم جانشین این مهدی نما شد ، اما اسم اصلی او " ابو عبدالله نقاش " بود ، اما او جزیره محمداحمد را نیز نداشت ، لذا در جنگ با " کیچز " انگلیسی شکست خورد ، و دوباره سودان بدست انگلیس افتاد ، و کیچز انگلیسی آنقدر از محمداحمد عقده داشت که پس از پیروزی او را از قبر درآورد ، و جمجمه اش را به انگلستان فرستاد ، و بنابه بعضی از اقوال آن جمجمه امروز در موزه بریتانیای ، این کشور نگاهداری میشود .

۶- السید محمدالجونپوری

در تاریخ هندوستان ما به مهدی نماهای دیگری برخورد می کنیم که یکی از آنها السید محمدالجونپوری است او در سال ۱۹۰۱ (هـ - ق) در هندوستان ادعای مهدویت کرد ، وعده های را نیز بدور خود جمع نمود ، و برای تکمیل ادعایش کتابهایی بنامهای " شواهدالولایه " و " مطلع الولایه " و " پنج فضایل " و " تذکره الصالحین " و " بار امانت " و ... را تالیف نمود ، و ایسن مردشیاد نیز توانست عده های را بفریبد ، و امروزه نیز در هند عده های خود را از پیروان او میدانند .

۷- سید علی محمد شیرازی

قبلاً گفته شد که استعمار همیشه از قدرت اسلام و حرکت مسلمین خوف و وحشت داشته و دارد و همیشه در این فکر بوده است تا اثرات عمیق اسلام را خنثی کرده ، و بر مسلمین مسلط شوند ، لذا برای بی اثر کردن اسلام و مسلط شدن بر مسلمین دست بیک سری اعمال زدند ، که مهمترین آنها ایجاد مذاهب باطل بود که باین طریق مردم اسلام حقیقی را رها میکردند ، و استفاده دومین این برنامه این بود که در صفوف بهم فشرده مسلمین اختلاف ایجاد میشد ، و برای اجراء این دو برنامه سوء استفاده فراوانی از یک مسئله واقعی اساسی و مهم اسلامی نمودند ، آنها پس از مطالعات فراوان دریافتند که مسلمین ، منتظرند مصلحتی قیام کنند تا مستضعفین وارث زمین گردند ، و آنها باز میدیدند که همین عقیده می تواند مسلمین را زنده نگاهدارد ، لذا بهترین راه را در این دیدند که مهدی نمایانی را برانگیزند ، و شما دیدید که در طول تاریخ اسلام همیشه این مهدی نماها مزاحم مردم بودند ، اما در قرن سیزدهم هجری - قمری مهدی نمایان فراوانی بپا میخیزند ، که همه آنها دست نشانده استعمار بودند مانند غلام احمد قادیانی - مهدی کرد - ... که از همه اینها مهمتر سید علی محمد شیرازی فرزند میرزا - رضای بزاز ، معروف به سید باب بود ، علت مهم بودن او این است که استعمار برای او بیشتر از همه مهدی نمایان دیگر سرمایه گزاری کرد که ما در اینجا به شرح حال ماجرای او می پردازیم ، یکی از جاسوسان بزرگ روسی بنام " پرنس دالگورکی " پس از مسافرت های فراوان با ایران ، و نجف و کربلا

در عتبات با سید علی محمد شیرازی آشنا میشود و با حیل‌های مختلفی او را بر آن میدارد تا در شب پنجم جمادی‌الاولی سال ۱۲۶۰ (هـ.ق) ادعای بابیت حضرت بقیه‌الله‌الاعظم "عج" را بنماید، و سید هم برای اثبات این ادعا تفسیری می‌نویسد بنام "تفسیر سوره یوسف" و در ضمن این تفسیر می‌گوید من باین دلیل "باب امام زمان" هستم که این تفسیر را از نزد آن حضرت آورده‌ام، و در قسمتی از تفسیر می‌گوید:

اللَّهُ قَدْ قَدَّرَ أَنْ يَخْرُجَ ذَلِكَ الْكِتَابُ فِي تَفْسِيرِ أَحْسَنِ الْقِصَصِ مِنْ عِنْدِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ

بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن—

ابیطالب علی عبده لیکون حجة الله من عند الذکر علی العالمین بلیغاً (۵۱)

یعنی خداوند قادر است که خارج گرداند این کتاب را که در تفسیری یکی از نیکوترین سوره‌های قرآن است از نزد محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن— علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب، بر بنده‌اش تا اینکه حجت باشد بر سید علی محمد باب بر جهانیان. توجه می‌فرمائید ایشان باین دلیل خود را باب می‌نامد که تفسیر سوره یوسف را می‌گوید از طرف محمد بن الحسن (ع) آورده است و استعمارگری میکند تا عده‌ای تهی مغز دور او را بگیرند، و هر کس از او می‌پرسید که شما که هستی می‌گفت من باب امام زمان (ع) هستم، لذا در میان مردم هم به سید باب معروف می‌گردد، باز در ضمن یکی از نوشته‌هایش می‌گوید:

واشهد ان الیوم کان حجتک محمد بن الحسن صلواتک علیه و علی من اتبعه... (۵۲)

یعنی من شهادت میدهم که امروز حجت خدا محمد بن الحسن است که درود خدا بر او و درود خدا بر هر کس که از او تبعیت مینماید.

باز ایشان در ضمن نوشته‌ای دیگر می‌گوید: قل اننی انا عبد من بقیه الله (۵۳)

ملاحظه می‌فرمائید در اینجا ادعای عبودیت نسبت بوجود حضرت بقیه‌الله "عج" می‌نماید، و در ضمن خود را باب امام زمان می‌خواند، لذا هر کس هم باو ایمان می‌آورد، باو "بابی" می‌گفتند، و این فرقه را به فرقه "بابیه" مشهور نمودند.

متأسفانه استعمار به هدف خودش نزدیک میشد زیرا اختلاف ما بین مسلمانان ایران شروع میشد، چون عده‌ای که دور سید را گرفته بودند، روز بروز بر اختلافات می‌افزودند، و جامعه را متشنج میکردند، و باب هم در طی ابلاغیه‌ای به آنها دستور میداد که:

"بأنها دستور دادند که در هیچ جا و نزد هیچکس اسم و رسم هیکل مبارک (یعنی

خود باب) را اظهار نکنند و معرفی ننمایند و در حین تبلیغ فقط بگویند که "باب

موعود" ظاهر شد." (۵۴)

و پیروانش هم از این امر اطاعت میکردند، در گوشه و کنار تنها میگفتند که باب امام زمان ظاهر شده است و حتی سیدباب در سال ۱۲۶۱ بیکی از پیروانش بنام ملاصادق خراسانی دستور میدهد تا در شیراز این جمله را در آذان اضافه کنند:

که در آذان نماز جمعه جمله **أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا قَبْلُ نَبِيلُ بَابِ بَقِيَّةِ اللَّهِ** اضافه کن و ملاصادق چنین کرد (۵۵)

یعنی شهادت میدهم که علی قبل از نبیل (نبیل بحروف ابجد مساوی با محمد است و علی قبل نبیل به نظر آقایان یعنی علی قبل محمد) یا سید علی محمد باب، "باب بقیة الله" است. این شعار در آن زمان باعث اغتشاش میشود و حاکم شیراز ملاصادق را دستگیر میکند، و او هم گناه را به گردن باب می اندازد، لذا باب را دستگیر میکنند و حسین خان آجودان باشی حاکم شیراز یک سیلی محکم بصورت باب میزند، باب با خوردن این یک سیلی بو حشت افتاده و به غلط کردم می افتد، و قرار میشود، روز جمعه در مسجد وکیل شیراز حاضر شود، و از ادعاهای گذشته خود که بابت بود توبه بنماید، و روز جمعه که فرا میرسد باب وارد مسجد وکیل میشود و در حضور همه مردم میگوید:

من نه وکیل قائم موعود هستم و نه واسطه بین امام غائب و مردم هستم (۵۶)
و همچنین گفت:

لعنت خدا بر کسیکه مرا وکیل امام غائب بداند.

لعنت خد بر کسیکه مرا باب امام بداند...

لعنت خدا بر کسیکه مرا منکر امام امیرالمومنین و سایر ائمه اطهار بداند (۵۷)

توجه میفرمائید جناب باب با خوردن یک سیلی به غلط کردم می افتد و خط بطلان بر تمام ادعاهای خویش میکشد، و به پیروان خود نیز لعنت میفرستد.

اما استعمار از پای نمی نشیند، و باز به سراغ او می آید، او که دیگر روحیه اش ضعیف شده بود، او که دیگر قدرت سربلند کردن در شیراز را نداشت، او که دیگر مورد لعن همه مردم شیراز بود، لذا اصلاح را بر این می بینند تا او را از شیراز باصفهان منتقل سازند و چنین میکنند و متأسفانه در آن زمان حاکم اصفهان یک فرد روسی که از جاسوسان این کشور بود "بنام منوچهرخان - معتمدالدوله گرجی" مأموریت می یابد تا آب رفته را به جوی بازگرداند. و به سید باب روحیه بدهد، و برای اینکه گفته، مستند باشد از یک کتاب معتبر بهائی مطالب زیر را می آوریم.

"اواخر تابستان ۱۲۶۲ هجری بود که حضرت باب از شیراز بجانب اصفهان به همراهی

سید کاظم زنجانی عزیمت فرمودند، و چون به اصفهان نزدیک شدند، نامه ای به

منوچهرخان معتمدالدوله حاکم اصفهان مرقوم فرمودند که باری حضرتش منزلی تهیه نماید تا آنجا وارد شوند... چون سیدکاظم زنجانی نامه حضرت باب را به منوچهرخان داد مشارالیه سلطان العلماء میرسیدمحمد امام جمعه اصفهان را که از بزرگترین پیشوایان روحانی در اصفهان بود وادار نمود که کسی را به استقبال حضرت باب نفرستند و در منزل خویش یا نهایت احترام واکرام از آن حضرت پذیرائی کنند... (۵۸)

توجه میفرمائید استعمار چگونه میخواهد به باب روحیه بدهد، فردی از شیراز میگریزد، یا اصفهان میآید، حاکم اصفهان امام جمعه شهر را به پیشواز او میفرستد، حاکم اصفهان برای او منزل تهیه میکند، و بد نیست که به این مذاکره بین باب و منوچهرخان گرجی از کتب بهائیه توجه بفرمائید آنجا که میگوید:

" در همین احوال بود که معتمدالدوله از محضر مبارک درخواست نمود جمیع ثروت و مکنات خود را که در آن ایام بالغ "بچهل میلیون فرانک تقویم شده بود تقدیم حضور نماید تا در تصرف و پیشرفت امر الهی صرف شود، و نیز ذکر نمود بر آن است که محمدشاه را به امر مبارک دلالت کند و وی را بر آن دارد که حاجی میرزا آقاسی وزیر فاسد را از مقام صدارت معزول و یکی از خواهران خود را بخباله نکاح آن حضرت درآورد (۵۹)

بار دیگر مطالب بالا را بخوانید و بنگرید که چگونه معتمدالدوله این جاسوس روسی میخواهد به سید شیرازی روحیه بدهد باو میگوید: ثروت خود را بتو میدهم، محمدشاه را باپی میکنم، خواهر شاه را به همسری تو درمیآورم، میرزا آقاسی را از وزارت معزول مینمایم. و همین با دکردنها بود تا اینکه به باب یکباره میگویند ادعای قائمیت و مهدویت بنما، و لذا می بینیم کسی که از سال ۱۲۶۰ همیشه میگفت من باب امام زمان هستم یکباره در تاریخ ۱۲۶۴ میگوید:

أَنَا الْقَائِمُ الْحَقُّ الَّذِي أَنْتُمْ بظُهُورِهِ تُوَعِّدُونَ (۶۰)

یعنی من همان قائم حقی هستم که شما ظهور او را انتظار میکشیدید، یعنی من همان امام زمان هستم، و شوقی افندی در این باره میگوید: روح حیات در کالبد امکان بدمید، همان قائم موعود و مهدی موعود و صاحب العصر و الزمان است که شریعت فرقان بظهور مبارکش منسوخ گردید (۶۱)

و باز شعارها شروع میشود که من قائم هستم. و استعمار هم او را از نظر روحیه و از نظر مادی تقویت میکند و به او دستور میدهد که باز کتابهای بنویسد، او در کتابهایش یکباره ادعای نبوت میکند و میگوید من پیامبر و قرآن بوجود من منسوخ شده است و سرانجام با نوشتن کتاب

بیان عربی و بیان فارسی از ادعای نبوت هم یا را فراتر گزارد و مدعی الوهیت شد. و گفت:

إِنَّ عَلِيًّا قَبْلَ نَبِيلِ ذَاتِ اللَّهِ وَكَيْنُونِيَّةُ (۶۲)

یعنی همانا علی قبل نبیل (یعنی علی محمد) ذات خدا و کنیه و هستی اوست، و بطور کلی یعنی علی محمد یا سید علی محمد باب خداست.

و با همین یاوه‌گویی‌ها و تفرقه‌اندازی‌ها مابین اقشار مختلف مسلمان فتنه بپا می‌کند، و استعمار هم به هدف خود میرسد، و جنگ‌های داخلی ایران به راه می‌افتد، و سه جنگ داخلی آن عبارت بوده است از:

الف - جنگ قلعه شیخ طبرسی که بدستور باب و به رهبری ملا حسین بشروشی یکی از طرفداران او بوقوع پیوست.

ب - به آشوب کشیده شدن شهر تبریز که سید یحیی دارابی از طرف باب رهبری جنگ را بعهدہ داشت.

ج - آشوب شهر زنجان باز به رهبری ملا محمد علی زنجانی

و این آشوب‌ها ضربه‌های مهلکی بر پیکر متحد مردم مسلمان ایران وارد آورد، و ثروت‌های فراوانی از این کشور به باد داد، که میرزا تقی خان امیرکبیر این نخست‌وزیر لایق و شایسته ایران و اسلام چنین اعلام کرد که: ... در اثر اقدامات ایشان (سید باب) پنج کروور بخزانہ مملکت خسارت وارد آمده است (۶۳)

توجه می‌فرمائید پنج کروور تومان عبارتست از ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال که آن نیز معادل است با نیم برابر غرامت جنگ‌های ایران و روس.

شیطنت‌های باب و مزاحمت‌های او باعث شد که مردم سر به شورش برآورند، و حکومت وقت نیز چاره را در این دیدتا او را دستگیر کنند و چنین کرد، و بعد از دستگیری دستور دادند، تا او را با ضربه‌های تازیانه ادب نمایند، اما بعد از نواختن یازده ضربه تازیانه بکف پای او باز به غلط‌کردم افتاد و گفت من توبه می‌کنم و مامتن قسمتی از توبه نامه او را در اینجا می‌آوریم:

"این بنده ضعیف را مطلق علمی نیست که خلاف رضای خداوند عالم و اهل ولایت او باشد... اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده از قلم جاری شده غرضم عصیان نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط بادعائی باشد اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُنْسَبَ إِلَيَّ أَمْ... (۶۴)

بعد از توبه باب دولت وقت صلاح را در این دید که او را اعدام کند، لذا باب را در ۲۸ شعبان سال ۱۲۶۶ بدستور امیرکبیر در تبریز اعدام کردند اما استعمار از پای ننشست، و

در این فکر افتاد تا از این جریان استفاده کامل بنماید ،
 لذا بعد از سید علی محمد باب ، یعنی از پیروان او را که "میرزا حسینعلی نوری" نام داشت
 با عنوان حیل به جانشینی او برگزیدند ، و لقب "بهاء الله" باو دادند .
 میرزا حسینعلی با کمک استعمارگران عده‌ای از بابیه سرگردان را بدور خود جمع کرد ، و
 بعد هم برای اینکه بروحیه ضعیف بابیه سروسامان بدهد ، لذا بخون خواهی باب جمعی را تحریک
 نمود تا ناصرالدین شاه را ترور کنند ، ولی آنها به مقصود خود نرسیده ، و حکومت وقت متوجه
 شد که محرک اصلی بهاء الله بوده است و دولت وقت بر آن شد تا او را دستگیر کند و بهاء الله
 به سفارت روس پناهنده شد ، و "شوقی افندی" نوه بهاء الله و رهبر سوم بهائیت درباره این
 واقعه میگوید :

روز بعد با نهایت متانت و خونسردی بجانب نیاوران مقر اردوی سلطنتی رهسپار
 شدند و در "زرگنده" میرزا مجید شوهر همشیره مبارک در خدمت سفیر روس
 پرنس دالگورکی سمت منشی‌گری داشت آن حضرت را ملاقات و ایشان را به منزل
 خویش که متصل بخانه سفیر بود رهبری و دعوت نمود آدم‌های حاجی علیخان
 حاجب الدوله چون از ورود آن حضرت باخبر شدند ، موضوع را بمشارالیه اطلاع داد
 و او مراتب را شخصا " بعرض شاه رسانید شاه از استماع این خبر غرق دریای تعجب
 و حیرت شد و معتمدین مخصوص بسفارت فرستاد ، . . . سفیر روس از تسلیم حضرت
 بهاء الله امتناع ورزید و از هیکل مبارک تقاضا نمود که بخانه صدر اعظم تشریف
 ببرند ضمناً " از مشارالیه بطور صریح و رسمی خواستار گردید امانتی را که دولت
 روس بوی میسپارد در حفظ و حراست او بکوشد " قرن بدیع جلد ۲ ص ۳۳ "

آری بهاء الله بسفارت روس پناهنده میشود ، و سفیر روس آنقدر بهاء الله را برای خودشان
 مهم میدانند که او را به نمایندگی شاه تحویل نمی‌دهد ، و چیز مهمتر اینکه او را امانت دولت
 روس میخوانند ، و حتی از بهاء الله میخواهند که به روس برود " ص ۶۲۴ تاریخ تلخیص "
 بهر حال بهاء الله جانشین یاب شد ، و ادعاهای مختلفی نیز نمود ، که ما به پاره‌ای از
 آنها اشاره میکنیم .

الف : ادعای نبوت - بهاء الله در یکی از کتابهایش بنام اقتدارات (ص ۵۴) میگوید :

قَدْ بَعَثَنِي اللَّهُ وَأَرْسَلَنِي إِلَيْكُمْ

میگوید خداوند مرا مبعوث کرد و بسوی شما فرستاد ، البته کتابی هم بنام اقدس‌نوشته
 و احکامی هم برای بهائیت آورد ، که همه دست‌پخت استعمار است .

ب : ادعای الوهیت - بهاء الله در کتاب مبین خود ص ۲۸۶ میگوید :

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْمَسْجُونُ الْفَرِيدُ

یعنی نیست خدائی بجز من زندانی شده تک و تنها
و یا در کتابی دیگر بنام الواح نازله ص ۱۱۵ میگوید:

إِنَّ الَّذِي خَلَقَ الْعَالَمَ لِنَفْسٍ قَدْ حَبَسَ فِي أَحْرَابِ الدِّيَارِ

همانا آن کسی که جهانرا به خاطر خودش آفریده است در خراب‌ترین جاها زندانی
شده است.

و باز بهاء‌الله در کتاب مکاتیب جلد ۲ ص ۲۵۵ میگوید:

كُلُّ الْأَلْوَةِ مِنْ رَشْحِ أَمْرِي تَأَلَّهَتْ وَكُلُّ الرُّبُوبِ مِنْ طُفْحِ حُكْمِي تَرَبَّتْ

یعنی: تمام خدایان از ترشح فرمان من بخدائی رسیدند و تمام پروردگاران از ریزش
فرمان من پروردگار شدند بهرحال بهاء‌الله، یا خدای زندانی تنها، به استعمارگران کمک
شایانی کرد، البته دولتهای دیگری هم بودند که بفکر استفاده از بهاء‌الله افتادند، مثلاً
باز طبق گفته شوقی افندی در کتاب قرن بدیع ج ۲ ص ۱۳۴ آقای، سرآرنولد باروز کمال که
در آن اوقات سمت جنرال قنسولی دولت انگلستان را در بغداد جاز بود، به نزد بهاء‌الله
آمده، و به بهاء‌الله میگوید: متعهد میگردم که اگر او مایل بمکاتبه با ملکه ویکتوریا باشد در
ارسال اوراق بدربار انگلیس اقدام نماید، و حتی میگوید من میتوانم ترضیی بدهم تا بهاء‌الله
به هندوستان که آن زمان از مستعمرات انگلیس بود برود، جالب اینجاست این پیر استعمار
این تحفه را برای انگلیس نمی‌خواهد بلکه میخواهد به هندوستان برود.

یا اینکه قنسول فرانسه بگفته کتاب الکواکب الدریه ص ۳۸۵ محرمانه به حضور بهاء‌الله
می‌شتابد و باو پیششهاد میکند تا به او تابعیت فرانسه را بدهند.

و روسیه هم از آنها عقب نمی‌ماند و سفیرش از او میخواهد تا به روسیه برود. و بهر
صورت او هم همه آنها را همیشه راضی نگاه میداشت.

بهرحال میرزا حسینعلی بهاء‌الله در سال ۱۳۰۹ (هـ - ق) پس از ۲۰ شبانه روز تب
می‌میرد، و پسرش عباس افندی جانشین پدرشده و مشغول به استعمارگران میگردد. و به دعاگوئی
امپراطور روسیه و انگلیس می‌پردازد، و دولت انگلیس هم که می‌بیند، عباس افندی میتواند
کمک او باشد، لذا طبق گفته کتاب مکاتیب ج ۳ ص ۳۴ که نوشته خود عبدالسها است، لقب
عالی (Knighthood) و لقب (Sir) را به او میدهند، و او هم مسافرت‌هایی به
اروپا و امریکا مینماید بهرحال عباس افندی در سال ۱۳۴۰ (هـ - ق) و یا در سال ۱۳۰۰ (هـ
ش) اجلس فرامیرسد و نوه دختری او بنام شوقی افندی جانشین او میشود و مشغول به خدمتگزاری
به کشورهای بیگانه میگردد. و این خیانت هنوز ادامه دارد و هنوز، بهائیان به نفع اسرائیل

و آمریکا مشغول جاسوسی هستند .

در اینجا لازم است برای کسانی که میخواهند درباره این مسئله بیشتر تحقیق کنند به کتابهای زیر مراجعه نمایند .

۱ - کشف الحیل

۲ - محاکمه و بررسی باب و بهاء

۳ - پرنس دالگورکی

۴ - چهار شب جمعه

حضرت مهدی ^ع

أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا لَا يَقُولُ
ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَّابٌ مُضِرٌّ
وَلَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ
غَوِيٌّ .

براستی که

حق با ما و در دست ماست ،

بجز ما بر که این داعیه بر زبان آرد
دروغگو و افترازننده و کمر او گمگشته است .

آشنائی با رهبریت انقلاب

«تولد»

در بخشهای گذشته دیدیم که احادیث فراوانی توسط پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار درباره خصوصیات مهدی "عج" بیان شده است، و حتی دیدیم که این احادیث میگویند نهمین فرزند امام حسین (ع) و هشتمین فرزند امام سجاد (ع) و هفتمین فرزند امام محمد باقر (ع) و ششمین فرزند امام صادق (ع) و ... و پسر امام حسن عسکری (ع) است، یعنی برای مسلمانان صدر اسلام قیام و انقلاب مهدی (عج) بوضوح روشن بود، و خلفای جابر بنی عباس نیز که این احادیث را کما بیش دیده بودند، و از صحابه رسول الله (ص) شنیده بودند، و می دانستند که مهدی فرزند حضرت عسکری (ع) است، لذا در زمان امام حسن عسکری (ع) آن حضرت را شدیداً تحت کنترل قرار دادند، تا چنانچه مهدی (عج) از ایشان متولد شود نابودش کنند، به همین جهت متوکل عباسی که ظالم و جنایتکار عجیبی بود، و در تاریخ به ظلم و جنایت و فساد مشهور است، در سال ۲۳۵ (هـ.ق) دستور می دهد که امام حسن عسکری (ع) را از مدینه به "سرم‌رای" یا سامراه پایتخت حکومتی منتقل نموده و در محله "عسکر" (یعنی پادگان و سربازخانه) نگه‌داری و کنترل نمایند که به همین دلیل ایشان را عسکری میگویند، و به این لقب مشهور است، همچنین معتمد عباسی برای یافتن مهدی موعود (ع) گارد جاسوسی مخصوصی به وجود آورد که این گارد موظف بود کاملاً مواظب حضرت و بستگانشان باشند و آنها از طرف حکومت اجازه داشتند هر زمانی که میخواستند به خانه امام عسکری (ع) حمله کرده و به تفتیش پردازند تا اگر کودک پسری یافتن او را بکشند.

با وجود تمام این مراقبت‌ها، در شب جمعه نیمه شعبان ۲۵۵ (هـ.ق) آن حضرت در شهر (سرم‌رای) از مادری با فضیلت و با تقوی چشم به عرصه گیتی گشود و با تولدش وعده‌ها و نویدهای انبیاء را تحقق بخشید.

نحوه تولد حضرت ولی عصر (عج) شباهت زیادی به تولد حضرت موسی (ع) داشته است، زیرا هر دو در عین کنترل شدید دستگاه حاکمه در مرکز حکومت به دنیا آمدند، و همچنین آثار خارجی حمل تا زمان تولد در مادر آنها دیده نمی‌شده است.

بهر حال حکیمه خواهر امام دهم و عمه امام حسن عسکری (ع) نحوه تولد حضرت مهدی (عج) را چنین بیان میکند و ما در اینجا به ذکر این سرگذشت می‌پردازیم:

" برادرزاده ام حضرت امام حسن عسکری (ع) فرستاد نزد من و فرمودند که عمه جان امشب که شب نیمه شعبان است افطار در منزل ما باشید، من به خانه آنحضرت رفتم حضرت فرمودند که امشب خداوند تبارک و تعالی حجت خود را آشکار خواهد کرد، من عرض کردم مادرش کیست؟ آنحضرت فرمودند "نرجس" عرض کردم "عمه جان، من در او اثری از حمل نمی بینیم" فرمودند "همین است که به تو می گویم" من به نزد نرجس آمدم و سلام کردم... گفتم تو سیده من و سیده خاندان منی... دخترم، خدای تعالی امشب پسری به تو کرامت خواهد کرد که در دنیا و آخرت آقا است، اما نرجس خجالت کشید و حیا کرد، من به نماز ایستادم و چون نماز عشاء را خواندم افطار کردم و در بستر خوابیدم و خوابم برد، نیمه شب برخاستم و نماز خواندم و نرجس در خواب راحت بود، باز خوابیدم... و برخاستم باز نرجس را در خواب راحت یافتم، پس از چندی برخاست و نماز خواند و خوابید پس از چندی یکباره صدای دلنواز امام حسن (ع) را شنیدم که میفرمودند: "عمه جان شتاب کن که مولود نزدیک است" من برخاستم و به قرائت قرآن مشغول شدم و یکباره نرجس هراسان از خواب برخاست، به او گفتم که آیا چیزی در خود حس می کنی؟ فرمودند "آری" و سرانجام مهدی موعود متولد گردید (۶۵)

در شب جمعه پانزدهم شعبان ۲۵۵ (هـ - ق) وعده انبیاء (ع) بوقوع پیوست و آخرین بازمانده از خاندان عصمت و طهارت مهدی موعود (ع) چشم بجهان گشود، اما تولد او مانند تولد موسی (ع) مخفی بود، اما در عین مخفی بودن پدر بزرگوارش برای اتمام نمودن حجت الهی - فرصت های مناسب او را به خواص امت و افراد مورد اطمینان خودشان نشان می دادند و مهدی را به آنها معرفی می نمودند، که ما در اینجا به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱ - عثمان بن سعید عمری: (۶۶) میگوید: چون آقای من و مولایم صاحب الزمان متولد شد، امام حسن (ع) شخصی را بدنبال من فرستادند، چون خدمت آن حضرت شرفیاب شدم، ایشان فرمودند مقداری نان و گوشت فراهم کن و میان بنی هاشم تقسیم بنما، و چند گوسفند نیز عقیقه بنما (۶۷).

۲ - ابوغانم یکی از کارکنان خانه حضرت نقل میکند که: چون خدا به امام یازدهم پسری داد نام او را محمدنهاد و روز سوم او را به اصحاب و نزدیکان مخصوص خود نشان داد و فرمودند:

هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْيَانُ

بِسَالٍ نَتَيْظَرُ فَإِذَا أَمْلَأَتِ الْأَرْضُ جُورًا وَ ظُلْمًا خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا .

یعنی (ای یاران و اصحاب من) بعد از من این صاحب امر شماست و خلیفه من است بر شما، و اوست قائمیکه همه در انتظار ظهور او گردن کشند، و چون زمین پر از جور و ظلم شود ظهور کند و آنرا پر از عدل و داد نماید (۶۸).

۳- ابراهیم کوفی نقل می‌کند: که امام حسن عسکری (ع) گوسفندی برایم فرستاد که سربریده بود و فرمودند که این گوسفند را عقیقه کن چون پسر محمد بدینا آمد (۶۹).

۴- حمزه بن ابی‌الفتح میگوید: که دیشب در منزل امام حسن عسکری کودکی متولد شد و ایشان دستور فرمودند تا او را پنهان کنند، و گوسفندانی را عقیقه نمایند، و نام آن کودک محمد است (۷۰).

۵- احمد بن الحسن بن اسحاق القمی میگوید: که چون مهدی موعود (ع) متولد شد، امام حسن عسکری (ع) نامه‌ای برایم فرستاد که به خط خود آنحضرت نوشته شده بود، و در آن چنین فرموده بودند:

وَلِدْنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا وَ عَنِ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا فَإِنَّا لَمُ نَظَرُهُ عَلَيْهِ -
إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَالْوَلِيَّ لِوَلَايَتِهِ جَنِينًا عَلِيمًا مَكِّيًّا لِيَسْرَكَ اللَّهُ بِهِ مِثْلَ مَا سَرَّنَا وَالسَّلَامُ (۷۱)

یعنی برای ما فرزندی متولد شده است، این مسئله نزدتو مستور بماند و از همه مردم پنهان بدار، زیرا ما از آن مطلع نمی‌کنیم مگر خویشان و نزدیکانمان را، و آنها هم خویشان و نزدیکان محرم یا دوستان صمیمی خود را، لذا شما را هم بدان اعلام کردیم تا خدا بدان تورا شاد کند، چنانچه ما را بدان شاد کرده است والسلام. توجه میفرمائید که امام حسن عسکری (ع) پس از تولد حجة بن الحسن العسکری (عج) افراد محرم خود را به آن آگاه می‌کند و فرزندش را به آنها نشان می‌دهد، جالب اینجاست که طبق معمول عده زیادی برای عرض تبریک به حضور آن حضرت می‌رسند، ابوالفضل حسن بن حسین علوی میگوید: در سامره خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و او را به ولادت پسرش قائم موعود (عج) تهنیت گفتم (۷۲).

ولی متأسفانه عده‌ای سعی بر این دارند که میلاد حضرت مهدی (عج) را انکار کنند، و این یا از کمال بی‌انصافی آنهاست، که اگر چنین باشد بر مبنای غرض‌های درونی این افراد است و یا آگاهی نداشتن به تاریخ و حقایق اسلامی است، ولی بهر صورت از آنچه که گفته شد نتایج زیرگرفته میشود.

۱- در آیات زیادی از قرآن اشاره به مسئله مهدویت شده است، و در تفسیر این آیات که از پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام بما رسیده است، باید جانشینان پیامبر (ص) دوازده نفر از فرزندان یا فضیلت آن حضرت باشند و قائم موعود (عج) دوازدهمین آنهاست که فرزند امام حسن عسکری (ع) است. اگر تا قبل از رحلت حضرت عسکری یعنی ۲۸ ربیع الاول سال ۲۶۰

(هـ - ق) مهدی بدنیاً نیامده باشد پس نتیجه این آیات و روایات چه میشود ، و ما میدانیم که قول خدا و پیامبرش و ائمه اطهار هرگز دروغ نمیشود پس باید مهدی قبل از ۲۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ (هـ - ق) بدنیاً آمده باشد .

۲ - ما احادیثی در دست داریم که این احادیث بیانگر این مسئله هستند که همیشه باید حجت خدا بر روی زمین باشد ، و حتی ما در کتاب بسیار ارزشمند اصول کافی بابی داریم در کتاب الحجبه اسم :

أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ .

یعنی هرگز زمین خالی از حجت باقی نمی ماند ، و امام صادق (ع) در این باب میفرمایند :

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ كَيْمَا أَنْ زَادَ الْمُؤْمِنُونَ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَنْ نَقَصُوا شَيْئاً أُتِمَّتْ لَهُمْ .

یعنی امام صادق (ع) فرمودند : همانا زمین در هیچ حالی از امام خالی نگردد برای آنکه اگر مومنین چیزی (در اصول یا فروغ دین) افزودند آنها را برگرداند و اگر چیزی کم کردند برای آنها تکمیل کند (۷۳)

و مولای متقیان در ضمن دعائی میفرمایند :

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تَخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ (۷۴)

یعنی خدایا تو زمینت را از حجت خود بر خلقت خالی نگذاری .
و امام باقر (ع) در این زمینه میفرماید :

وَاللَّهِ مَا تَرَكُ اللَّهُ أَرْضًا مِنْذُ قَبْضِ آدَمَ (ع) إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ حُجَّةً لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ .

بخدا سوگند از زمانی که خدا آدم را قبض روح نمود زمینی را بدون امامی که بوسیله او بسوی خدا رهبری شوند وانگذارد و او حجت خداست بر بندگانش و زمینی بدون امامی که حجت خدا باشد بر بندگانش وجود ندارد (۷۵) .

باز ابو حمزه میگوید به امام صادق عرض کردم ای آقای من آیا زمین بدون امام میماند ؟
و حضرت در جواب میفرمایند :

قَالَ : لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ .

اگر زمین بدون امام باشد فرورود (و نظمش از هم بپاشد) (۷۶)

توجه میفرمائید که طبق این احادیث زمین هرگز از حجت خالی نمی ماند، و باید همیشه بر روی زمین حجت باشد و باید حضرت مهدی بعنوان آخرین پناه، و آخرین بازمانده خدا (بقیه الله)، و آخرین حجت بر روی زمین باشد. پس مهدی صد در صد قبل از وفات حضرت عسکری متولد شده است.

۳ - سومین دلیل بر تولد حضرت مهدی (عج) شهادت عده زیادی است، که آن حضرت را دیده اند، مانند حضرت "حکیمه" دختر با فضیلت و باتقوی امام هادی (ع) و عمه با فضیلت امام حسن عسکری (ع) که ایشان قابله آن حضرت بودند، و یا "نسیم خادم" و یا "ماریسه" و "ابونصر" و "ابوغانم" و "ابراهیم بن محمد نیشابوری" و "ابراهیم کوفی" و "حمزة بن ابی - الفتح" و "احمد بن الحسن بن اسحق قمی" و "ابوالفضل حسن بن حسین علوی" و عده زیادی از نزدیکان و اقوام خاص حضرت عسکری (ع) . . . که همه از افراد بزرگ بوده اند، و همه شهادت می دهند که ما در جریان تولد مهدی بوده ایم، و آن حضرت مهدی را بما نشان دادند.

۴ - یکی دیگر از دلائل تولد مهدی کتب برادران اهل سنت ماست، که مادر اینجا برای روشن شدن مسئله به چند مورد آن اشاره می نمائیم.

الف - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب "البیان فی اخبار صاحب الزمان" در آخرباب بیستم مینویسد: همانا مهدی پسر امام حسن عسکری است، و او از زمان غیبتش تا کنون زنده و موجود و باقیست، و بقاء او بدلیل بقاء عیسی و خضر و الیاس امتناعی ندارد.

ب - حافظ نورالدین ابن صباغ مالکی در فصل دوازدهم از کتاب "فصول المهمه" میگوید: "ابوالقاسم محمد بن الحسن در سامرا در نیمه شعبان سال ۲۵۵ (هـ - ق) بدنیا آمد . . . و مادرش نرجس بود.

ج - شیخ سلیمان بلخی در کتاب ینابیع الموده صفحه ۴۵۲ چنین میفرمایند: "پس خبر مسلم و حتمی نزد معتبرین و ثقات اینست که ولادت قائم در شب پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ در شهر سامرا واقع گردید."

د - شیخ عبدالوهاب شعرانی در مبحث ۶۵ کتاب الیواقیت و الجواهر میگوید: "و او از اولاد امام حسن عسکری می باشد و زاد روزش نیمه شعبان سال ۲۵۵ (هـ - ق) است و او زنده و باقی است"

هـ - شیروانی در کتاب اتحاف بحب الاشراف صفحه ۱۷۹ میگوید: "امام حسن عسکری . . . پس از خود فرزندش ابوالقاسم محمد را بجای گذاشت . . . و پدرش در هنگام تولد او را پنهان و پوشیده میداشت، بخاطر دشواری ایام و ترس از خلفای عصر، چونکه ایشان در آن اوقات بنی هاشم را میجستند و میگرفتند، و بقصد نابودی آنانرا بزرگان انداخته یا به قتل میرساندند."

- البته این قسمتی از مطالبی است که از کتب اهل سنت بیان کردیم
- ۵- پنجمین دلیل بر تولد مهدی (عج) نوشته شدن صدها کتابی است که شیعه و سنی برشته تحریر درآورده‌اند، که قبلاً ما به آنها اشاره کردیم.
- ۶- برای نزدیکان امام زمان (ع) تولد مهدی آنقدر روشن بود که بسیاری از آنها به حضرت عسکری (ع) تهنیت میگفتند.

پیغمبر اکرم
ص

مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي
فَدَانَا نَكْرِي

هر کس منکر قائم از فرزندانم شود، مرا انکار

کرده است. کمال الدین - ج ۲ ص ۴۱۲

وفات امام یازدهم و امامت امام دوازدهم

حضرت امام حسن عسکری (ع) بر مبنای تعهد و مسئولیتی که در پیشگاه خداوند داشتند، مهدی موعود را به شیعیان واقعی معرفی فرمودند، و برای اتمام حجت باز به عده‌ای از شیعیان فرمودند: "وصی و جانشین و خلیفه بعد از من کسی است که بر جنازه من نماز بخواند" یعنی امام کسی است که در نماز میت من پیش نماز باشد.

و معتمد عباسی برای انحراف مردم از مسئله اصیل مهدویت و انحراف آنها از هدف اصلی، و ایجاد اختلاف مابین شیعیان بر آن شد تا از این گفته امام حسن سوء استفاده کند، از این رو "جعفر کذاب" را تحریک نمود تا بر جنازه امام حسن (ع) نماز بخواند، و به مردم هم گوشزد میکردند که جانشین امام حسن عسکری جعفر است، و خود جعفر هم این ادعا را داشت که من جانشین آن حضرت هستم.

بهر حال امام یازدهم (ع) در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ (هـ.ق) به شهادت رسیدند، و بدن مبارک آن بزرگوار را غسل دادند و کفن نمودند، و سپس بدن مطهر آن حضرت برای نماز آماده شد، و صفوف جماعت تشکیل گردید، و جعفر جلو ایستاد تا نقشه شوم خود را به اجرا درآورد، که ناگهان جوانی از اندرون خانه بیرون آمد، و گوشه رداء جعفر را گرفت و به کنار کشید، و بر جنازه مطهر امام حسن عسکری (ع) نماز خواند، مردم و شیعیان میدانستند که این شخص مهدی موعود، و فرزند حضرت امام یازدهم (ع) است، سپس آن حضرت بدن مبارک پدر بزرگوارش را در خانه خود دفن نمود، و از این جا بود که مردم به دروغ جعفر پی بردند، و او را کذاب و دروغ گو لقب دادند، و پس از دفن پیکر مقدس پدر به اندرون خانه رفت. در این هنگام حاسوسان حاضر در صحنه آنچه دیده بودند به حاکم یا معتمد عباسی خبر دادند حاکم مأمورینی را برای دستگیری حضرت بقیة الله "عج" به خانه امام حسن عسکری فرستاد، آنها به درون خانه آمدند و به جستجو پرداختند، اما هر چه گشتند چیزی نیافتند.

غیبت رهبر انقلاب

مسئله غیبت امام مهدی (عج) یکی از خصائص مسلّمه آن بزرگوار است و هر فردی که به مسئله قائمیت وجود امام زمان "عج" معتقد باشد، ناگزیر است غیبت آن بزرگوار را بپذیرد، چون این مسئله با دلائل مهمی که در این باب آمده است غیر قابل انکار است. انکار و مخالفت با این امر نیز از سه منشاء ناشی میشود: اول عدم مطالعه، و عدم شناخت وجود اقدس حضرت بقیةالله "عج" و مطالعه نداشتن در ابعاد مختلف این مسئله، دوم عناد و دشمنی با خاندان عصمت و طهارت، سوم وحشت از قیام امام زمان "عج" و تضادی که این افراد بین برنامه‌های فاسقانه و ظالمانه و استثمارگرانه خود با حکومت عدل و داد آن بزرگوار احساس می‌نمایند، در حالیکه اگر شخصی مطالعه در آیات و روایات بنماید، و عناد و دشمنی هم با خاندان عصمت و طهارت نداشته باشد و تضادی هم بین برنامه‌های خودش و برنامه‌های آن حضرت نبیند، میدانند که مسئله غیبت از آفتاب روشن‌تر است، و برای اثبات این مسئله ما به چند نمونه از آیات و روایات اشاره می‌نمائیم.

۱ - یحیی بن ابی القاسم: میگوید: از امام صادق (ع) درباره این آیه قرآن: **الْكَافِرُونَ**

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ (۷۷) (یعنی این قرآن هادی و راهنمایی است برای افراد متقین، و متقین افرادی هستند که به غیب ایمان دارند) حضرت در جواب فرمودند:

فَقَالَ: الْمُتَّقُونَ شِيعَةُ عَلِيِّ (ع) وَأَمَّا الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ وَ شَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْنَا إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا وَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ فَخَبِرَ عَزَّوَجَلَّ أَنَّ آيَةَ هِيَ الْغَيْبُ وَالْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ وَتَصَدِّقُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً يُعْنَى حُجَّةً.

یعنی متقین شیعیان علی (ع) هستند، و در این آیه کلمه "غیب" همان غیبت امام غائب (ع) است، و گواه و شاهد بر این مطلق قول خدای عزوجل است (در سوره یونس آیه ۲۵ که میفرمایند: چنانازل نمیشود بر او نشانه‌ای از پروردگارش بگو همانا غیب از آن خداست در انتظار باشید.

منهم با شما از منتظرانم خدا خبر داده که نشانه همان غیب است و غیب هم همان حجت است و تصدیق آن گفته خدای عزوجل است (در سوره مؤمنون آیه ۵۰) و گردانیدیم فرزند مریم و مادرش را نشانه. یعنی حجت.

۲ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: قَالَ أَيُّ وَرَبِّي لِيُحِصِّنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقُ الْكَافِرِينَ، يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِيُّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ فَأَيَّاكَ وَ الشَّكَّ فِيهِ فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُفْرٌ (۷۸)

رسول خدا (ص) به جابر بن عبد الله انصاری که یکی از یاران باوفای رسول الله (ص) بود میفرماید: برای قائم ما غیبتی خواهد بود که خدا بواسطه آن اهل ایمانرا میآزماید، و بیدینان را نابود میسازد، همانا این از امور الهی و اسرار ربانی است که حکمت آن از بندگان پوشیده است. پس بر تو باد که از شک و تردید در آن بپرهیزی که همانا شک در امر الهی کفر است.

۳ - حسین بن محبوب زراد قریب یقون پیش از تولد حضرت حجت کتابی بنام "مشیخه" نگاشته و در آن روایاتی درباره غیبت حضرت مهدی (ع) آورده است که یکی از آنها حدیث زیر است که از امام محمد باقر نقل شده است.

«كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ، لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ أَحَدُهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخَرِي»

یعنی امام باقر (ع) فرمودند: برای قائم آل محمد دو غیبت میباشد که یکی از دیگری طولانی تر خواهد بود.

۴ - امام صادق (ع) درباره غیبت میفرماید: إِنَّ الْغَيْبَةَ سَتَعُ بِالسَّادِسِ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الثَّانِي

عَشْرَ مِنَ الْأَيِّمَةِ الْهُدَاةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَأَوْلَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ

آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ "بَقِيَّةُ اللَّهِ" فِي الْأَرْضِ وَ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَاللَّهُ لَوْ بَقِيَ فِي غَيْبِهِ

مَا بَقِيَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ (فِي أَرْضٍ فَخِ) لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا يَطْهَرُ قَيْمًا الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا

كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا (۷۹)

اما صادق (ع) فرمودند: که همانا غیبت، در مورد ششمین فرزند من حضرت بقیه الله که دوازدهمین جانشین پیغمبر میباشد واقع میگردد، و بخدا سوگند که اگر به درازی عمر نوح غائب باشد نمی میرد و از دنیا نمی رود مگر اینکه ظاهر شده، زمین را از عدالت و داد آکنده سازد همانگونه که از ستم و بیداد پر شده باشد.

۵ - قَالَ الصَّادِقُ (ع): إِنَّ بَلْفُكُمُ عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةٌ فَلَا تُنْكِرُوهَا (۸۰)

امام صادق (ع) فرمودند: اگر خبر غیبت صاحب الامر امام زمان (ع) را بشما رسانیدند منکر آن نشوید.

۶- قال الصادق (ع): ... وَاللَّهِ لَيَغَيِّرَنَّ أُمَمَكُمْ سِينًا مِنْ دَهْرِكُمْ وَلَتَمَحْضَنَّ حَتَّى يُقَالَ مَاتَ، قُتِلَ، هَلَكَ، بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ؟ وَ لَتَدَمَعَنَّ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ لَتُكْفَنَنَّ كَمَا تُكْفَنُ السَّفِينُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ، فَلَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ، وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ. (۸۱)

مفضل بن عمر میگوید: شنیدم امام صادق (ع) میفرمودند: ... بخدا که امام شما سالهای سال از روزگار این جهان غایب میشود، و شما در امتحان قرار خواهید گرفت، تا آنجا که در باره اش میگویند، بکجا رفته است؟ و آیا کشته شده است؟ و یا مرده است؟ و یا نابود گشته؟ ولی دیده اهل ایمان (از فراغش) اشک بارد، و شما مانند کشتیهای گرفتار امواج دریا متزلزل و سرنگون شوید، و نجات و خلاصی نیست، جز برای کسی که خدا از او پیمان گرفته و ایمان را در دلش ثبت کرده، و بوسیله روحی از جانب خود تقویتش نموده.

۷- قال الصادق (ع) إِنَّ لِلْقَائِمِ (ع) غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ. (اصول کافی ج ۲ ص ۱۴۰).

امام صادق (ع) فرمودند: برای قائم ما پیش از آنکه ظهور کند غیبت است.

۸- قال الصادق (ع): لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي أَحَدِيهِمَا الْمَوَاسِمَ، يَرَى النَّاسَ رَوَّاحًا يَرَوْنَهُ (۸۲)

امام صادق (ع) فرمودند: برای امام زمان دو غیبت است (غیبت صغری و غیبت کبری) در یکی از آنها غیبت (کبری) در مواقع حج حاضر شود، و مردم را می بیند ولی مردم او را

نمی بینند لذا شیعیان را عقیده بر این است که حضرت بقیة الله (عج) هر سال بحج می آیند.

پس طبق این احادیث مهدی موعود، و صاحب انقلاب جهانی واحد دارای دو غیبت است یکی غیبت صغری و دیگری غیبت کبری است، و ما در اینجا مختصراً به شرح آنها می پردازیم.

۱- غیبت صغری: این غیبت همانگونه که از عنوانش مشخص است مدتش کوتاه بوده و کلاً ۶۹ سال و چند ماه به طول انجامیده است، شروع این غیبت پس از نماز گزاردن، آن حضرت بر جسد پدر بزرگوارش به سال ۲۶۰ (هـ.ق) و خاتمه اش به سال ۳۲۹ (هـ.ق) می باشد، البته برخی از دانشمندان غیبت صغری را از زمان تولد آن حضرت میدانند، و میگویند، امام زمان از زمان تولد از دیدگاه همگان بجز افرادی خاص مخفی و غایب بود، پس غیبت صغری را باید از زمان تولد حساب کرد (سال ۲۵۵) که مدت آن ۷۴ سال و چند ماه میشود، البته این سخن از اهمیت کمتری برخوردار است.

در زمان غیبت صغری رابطه امام زمان با شیعیان چهار نفر از متقی ترین و بافضیلتترین

افراد بودند که این چهار نفر از طرف امام حسن عسکری (ع) و خود حضرت بقیةالله (عج) به مردم معرفی شده بودند. و مردم آنان را خوب میشناختند، و این چهار نفر به "نواب اربعه" و یا "نواب خاصه" معروفند که ما در اینجا مختصراً به شرح احوال آنها می پردازیم.

الف - عثمان بن سعید عمروی

عثمان بن سعید از اصحاب و شاگردان خاص امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) بودند، و امام یازدهم قبل از وفاتشان ایشان را به شیعیان خاص معرفی کرده و به آنها گوشزد میکردند که بعد از فوت خودشان او رابط بین امام و مردم خواهد بود، و شیعیان نیز بایشان اعتماد کامل داشتند، و ایشان را بعنوان مردی باتقوی می شناختند، و اگر ما زمان غیبت را از سال ۲۶۰ (هـ - ق) بگیریم طول نیابت ایشان ۵ سال بود، چون ایشان در سال ۲۶۵ (هـ - ق) جان بجان آفرین تسلیم نمودند.

۲ - محمد بن عثمان

ایشان فرزند با فضیلت جناب عثمان بن سعید یعنی نایب اول بودند، و عثمان بن سعید بدستور حضرت ولی عصر (عج) قبل از فوتشان ایشانرا بعنوان نایب خاص بمردم معرفی نمودند، و ایشان غریب چهل سال نایب امام زمان (ع) بودند، و شیعیان می دانستند که در حوادث و وقایعی که بر انسان پیش می آید باید به ایشان مراجعه کنند، بهر حال سرانجام در آخر جمادی الاولی سنه ۳۰۵ (هـ - ق) ایشان رحلت فرمودند و در بغداد در کنار قبر مادرش مدفون شدند.

ج - ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

سومین نایب از نواب اربعه جناب حسین بن روح نوبختی بودند، که این بزرگوار از طرف امام زمان بوسیله عثمان بن سعید بمردم معرفی شدند، تا اینکه بعد از رحلت نایب دوم واسطه بین امام و مردم باشند، ایشان مردی باتقوی و فوق العاده باهوش و دوراندیش و باتقوی بودند و امور شیعیان را مانند دو نایب قبل با نهایت دقت اداره می نمودند، اما سرانجام ایشان هم در شعبان سنه ۳۲۶ (هـ - ق) یعنی بعد از ۲۱ سال نیابت رحلت کردند و او هم در بغداد دفن گردید.

د - علی بن محمد سیمری

چهارمین و آخرین نایب حضرت مهدی (ع) علی بن محمد سیمری بودند که ایشان هم به

دستور امام زمان بوسیله نایب سوم به مردم معرفی شدند، و ایشان در سنه ۳۲۹ (هـ - ق) رحلت کردند، لازم به تذکر است که فوت ثقة الاسلام مرحوم محمد بن یعقوب کلینی نویسنده کتاب گرانقدر اصول کافی، و ثقة الاسلام ابن بابویه قمی (معروف به شیخ صدوق) صاحب کتاب ارزشمند "من لا یحضره الفقیه" و کتاب "کمال الدین" و دهها کتاب دیگر نیز در این سال بوده است (۸۳). و شش روز قبل از وفات نایب چهارم توقیعی از ناحیه مقدس حضرت ولی عصر (عج) صادر میشود، که در آن توقیع به نکات مهمی اشاره شده است که ما به این توقیع اشاره می‌نماییم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ، أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُؤْصِرْ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَإِمْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَسَيِّئَاتِي مِنْ شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمَشَاهِدَةَ الْأَعْمَنَ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفِيَانِيِّ وَالصَّيْحَةَ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

بنام خداوند بخشنده مهربان، ای علی بن محمد سمیری، خدا اجرو پاداش برادرانت را در مصیبت مرگ تو زیاد گرداند. همانا تو تا شش روز دیگر خواهی مرد، و از دنیا خواهی رفت، پس کارهایت را سامان ده و به کسی پس از خود وصیت منماید که بعد از وفات تو این مقام برچیده میشود، پس هرآینه غیبت تامه (پنهانی کامل) آغاز گردید و ظهوری جز با اجازه خداوند متعال نخواهد بود و آنهم به دنبال گذشت زمانی دراز و سختی قلبها و پر شدن زمین از ستم و بیداد است و هرآینه کسانی خواهند آمد که برای شیعیان من دعوی مشاهده (نیابت خاصه) می‌نمایند، همانا آگاه باشید هرکس که چنین ادعا کند پیش از آنکه خروج سفیانی گردد، و صیحه آسمانی بگوش برسد او دروغگو و مفتری است و نیرو و توانائی جز خواست خدای بزرگ نمی‌باشد. (۱) در این توقیع امام زمان (عج) به بسیاری از مطالب ارزنده که در آئینده برنامه و طرحی است برای شیعیان و مسلمانان به آن اشاره فرموده‌اند.

الف - حضرت مهدی (عج) در این توقیع مرگ علی بن محمد سمیری را پیش‌بینی می‌نماید.

ب - امام زمان (ع) در این توقیع غیبت صغری را خاتمه یافته و غیبت کبری را اعلام

می‌نماید.

ج - امام زمان (عج) نیابت خاصه را خاتمه یافته می دانند و نیابت عامه یا ولایت فقیه را می گشایند (۸۴) و شما میدانید که در ایام غیبت کبری مرجع و ملجأ شیعیان دانشمندانی هستند که با منابع و مآخذ اسلامی آشنا بوده قادر بشناخت و استنباط احکام شرعی باشند و به علاوه اوصافی چون پارسائی دینداری و خدابپرستی و خویشتن داری آنانرا زینت بخشد و مردم مجاز هستند که در مسائل شرعی و احکام دینی خود به این متخصصین رجوع نمایند و در پیشامدهای زمان از آنان پیروی کنند، و بطور کلی امور مسلمین در ایام غیبت کبری بدست با کفایت این فقهاء می باشد.

۲ - غیبت کبری

همانطوریکه قبلاً اشاره شد غیبت کبری از سال ۳۲۹ (هـ.ق) شروع میگردد، و تا زمانیکه مشیت الهی اقتضاء کند به طول می انجامد و مسئولیت و رهبری شیعیان در طول این مدت به وسیله فقهای جامع شرایط می باشد که در هر زمانی وجود دارند، و تبعیت از آنان واجب است، این بزرگواران علاوه بر اینکه با تمسک به قرآن و عترت چراغ فروزانی بر سر راه شیعیان هستند و آنانرا از خطرات حفظ می کنند، و آنها در دشواری های بزرگ و خطرات اجتماعی جوامع اسلامی نیز از فیض دیدار حضرت و کسب تکلیف جهت شیعیان بهره مند گشته و سیله گشایش گره از کار پیروان آن بزرگوار می گردند و ما در قرآن کریم پیرامون این رهبران چنین میخوانیم:

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ .

همه مؤمنان نمی توانند کوچ کنند (و بروند فقیه شوند) پس چرا از هر فرقه ای، عده ای نروند تا در دین تفقه و بررسی نمایند (و فقیه شوند) و بعد که به سوی مردم خودشان برگشتند آنها را بیم دهند (و راهنمایی کنند) تا از خداوند بترسند. (۸۵)

توجه میفرمائید که از میان مردم باید عده ای در دین تفقه و بررسی نمایند و رهبریت مردم را بعهده بگیرند و حضرت ولی عصر (عج) پیرامون نیابت و رهبریت در توقیعی که توسط ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید برای اسحق بن یعقوب صادر فرموده اند و به سؤال او آن حضرت چنین جواب میفرمایند:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُورَةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا

حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ (۸۶)

یعنی: واما در حوادث و واقعه‌های (اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - نظامی - قضائی ...) به راویان حدیث ما (ولایت فقیه) مراجعه کنید که اینها حجت من بر شما و من حجت خدا بر ایشان هستم و همانطوریکه قبلاً عرض شد در زمان غیبت کبری زعامت و رهبریت است به دست فقهای است که امنای آن حضرت بحساب می‌آیند و اینها در همه جا نگاهداری دین را بعهدہ دارند. و حضرت بقیه‌الله درباره ایشان فرمودند:

“فَاتَّهَمُ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ”

یعنی ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشانم، و در طول تاریخ غیبت کبری همیشه افرادی مانند شیخ صدوق - شیخ مفید - سید بن طاوس - علامه حلی - مقدس اردبیلی - علامه بحر العلوم بوده‌اند که حضرت مهدی (عج) هم درباره آنها دعا کرده، و آنها در بسیاری از موارد، از خرمن وجودی آن حضرت خوشه چیده‌اند، و در بسیاری از موارد حضرت آنها را پاری کرده و از اشتباهات آنها جلوگیری نموده است، حتی در توقیعی آن حضرت شیخ مفید را "برادر استوار" و دوست با کفایت خوانده و میفرمایند:

فَأَنَا يَحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ (۸۷)

یعنی همانا علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد، اخبار شما را میدانیم و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نمی‌باشد، و اگر در احادیثی که از پیامبر و روایاتی که از ائمه اطهار رسیده است مطالعه کنیم، عظمت و شکوه و بزرگواری این فقها را در مقایسه با انبیاء میتوانیم ببینیم، الف - امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل میفرمایند که:

إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَذَلِكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرِّ ثَوَادِرَهُمَا وَلَا دِينَارًا " وَإِنَّمَا أَوْرَثُوا

رَثُوا أَحَادِيثَ مِنْ أَحَادِيثِهِمْ فَمَنْ أَخَذَ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حَظًّا وَافِرًا (۸۸)

یعنی علماء و دانشمندان وارثان پیامبرانند، برای اینکه پیامبران پول و طلا و نقره به ارث نگذارند و تنها احادیثی از احادیثشان بجای گذارند هر که از آن برگردد بهره بسیاری برگرفته است.

توجه میفرمائید که در اینجا علماء را حضرت صادق (ع) وارثان انبیاء دانسته است و همانکاری را که انبیاء و اولیاء میکردند، در غیبت کبری امام عصر (عج) فقهاء عهده‌دار آنند و باید انجام دهند، و بطور کلی نقش رهبری انبیاء را ایفا بنمایند.

ب - حضرت امام موسی کاظم (ع) میفرماید: **الْفُقَهَاءُ حُصُونُ الْإِسْلَامِ كَحِصْنِ سُوْرٍ - الْمَدِيْنَةِ لَهَا** یعنی فقها مانند دژهای مستحکم اسلام هستند، آنها برای اسلام نقششان مانند

نقش حصار شهر برای شهر است (۸۹) بار دیگر بحديث فوق توجه بفرمائید، که امام فقهاء را به دیوارهای شهر تشبیه کرده و آنها را محافظین اسلام خوانده‌اند، و این حفاظت زمان بنه احسن وجه عملی می‌گردد که آنها رهبریت (اقتصادی - سیاسی - نظامی - اجتماعی، قضائی) مسلمین را بعهدده بگیرند.

ج - رسول گرامی اسلام درباره فقهاء میفرماید:

الْفُقَهَاءُ أُمَّةُ الرَّسُولِ مَا لَمْ يَدْ خُلُوا فِي الدُّنْيَا قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا دُخُولُهُمْ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ: اتَّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَأَحْذَرُوا وَ هُمْ عَلَي دِينِكُمْ (۹۰)

یعنی رسول گرامی اسلام فرمودند، فقهاء امین و مورد اعتماد پیامبرانند، تا هنگامیکه وارد دنیا نشده باشند و گفته شده است ای پیامبر خدا نشان وارد شدن بدنیا چیست؟ حضرت فرمودند پیروی کردن قدرت حاکم، بنابراین اگر چنان کردند، بایستی از آنها بر دینشان بترسید و پرهیز کنید.

در کتاب عوائد تراقی از "فقه رضوی" روایتی نقل میکند باین مضمون:

مَنْزِلَةُ الْفَقِيهِ فِي هَذَا الْوَقْتِ كَمَنْزِلَةِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ (۹۱)

یعنی مقام فقیه در این زمان مثل مقام پیامبران بنی اسرائیل (در زمان خودشان میباشد) و باز در جامع الاخبار حدیثی از پیامبر خدا نقل شده است که رسول خدا میفرماید:

أَفْتَحِرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعُلَمَاءِ أُمَّتِي. عُلَمَاءُ أُمَّتِي كَسَائِرِ أَنْبِيَاءِ قَبْلِي (۹۲)

یعنی رسول خدا فرمودند: در دوره قیامت به علمای امتم افتخار و مباحات خواهم کرد و علمای امت من مثل سایر انبیا سابقند:

پس توجه میفرمایند که رهبریت و زعامت است در زمان غیبت کبری بعهدده فقهاء جامع - شرایط می باشد که امام صادق (ع) درباره این فقهاء میفرماید:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِعًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَي هَوِيهِ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لِأَيْكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لِأَكْثَرِهِمْ (۹۳)

یعنی: پس هرکس از فقهاء و علماء که (الف) بر نفس خود مسلط باشد (ب) و حافظ مذهب و دین باشد (ج) و مخالف هواهای نفسانی خود باشد (د) مطیع امر مولای خویش باشد بر مردم است که از او تقلید کنند و این قانون شامل بعضی فقهای شیعه میشود، نه تمامی آنها در انتهای این بحث قسمتهائی از کتاب امام خمینی "کتاب ولایت فقیه" رامیآوریم ایشان می - فرمایند:

شرایط زمامدار در دوره غیبت

" اکنون که دوران غیبت امام (ع) پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روانیست تشکیل حکومت لازم میآید. (۹۴)

" اگر فرد لایقی که دارای ایندو خصلت باشد (علم به قانون و عدالت) بپاخواست و تشکیل حکومت داد همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت دارا میباشد و بر همه لازم است که از او اطاعت کنند. (۹۵)

" این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر (ع) بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (ع) بیش از فقیه است باطل و غلط است، البته فضائل حضرت رسول اکرم (ص) بیش از همه عالم است و بعد از ایشان فضائل حضرت امیر (ع) از همه بیشتر است لکن زیادی فضائل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی دهد، همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه صلوات الله علیهم در تدارک و بسیج سپاه تعیین ولایت و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است، منتهی شخص معینی نیست، روی عنوان "عالم عادل" است.

وقتی میگوئیم ولایتی را که رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) داشتند بعد از غیبت (صغری) فقیه عادل دارد برای هیچکس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه (ع) و رسول اکرم (ص) است، زیرا اینجا صحبت از مقام نیست بلکه صحبت از وظیفه است، ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است نه این که برای کسی شان و مقام غیر عادی بوجود بیاورد. و او را از حد انسان عادی بالاتربرد (۹۶) بعبارت دیگر ولایت مورد بحث یعنی حکومت و اجرا و اداره برخلاف تصور است که خیلی افراد دارند، امتیاز نیست بلکه وظیفه ای خطیر است.

امام مهدی و مسئله طول عمر

در بخش گذشته پیرامون غیبت طولانی حضرت بقیه الله (عج) رهبر انقلاب مستضعفین جهان صحبت کردیم ، گفتیم که مهدی دارای غیبتی طولانی است ، پس لازم می آید تا عمری طولانی هم داشته باشد ، و درباره طولانی بودن عمر رهبریت انقلاب مستضعفین جهان ما بیش از ۳۱۸ حدیث از پیامبر اسلام و ائمه طاهرین (ع) در دست داریم که به پاره ای از آنها اشاره می نمائیم .

۱- امام سجاد (ع) فرمودند :

فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهُوَ طَوْلُ الْعَمْرِ (۹۷)

یعنی : در قائم ما روش و سنتی از نوح پیامبر است و آن طول عمر میباشد (همانطوریکه نوح پیامبر ۲۵۰۰ سال عمر کرد ، قائم مانیز از عمرین است)

۲- امام حسن عسکری پدر بزرگوار حضرت بقیه الله فرمودند :

إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي، وَهُوَ الَّذِي يَخْرُجُ فِي سِيرِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ -
السَّلَامُ، يَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ، بِالتَّعْمِيرِ وَالْفَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُو الْقُلُوبَ لِطَوْلِ
الْأَمْدِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُ بِرُوحِ
مِنْهُ (۹۸)

یعنی : فرزندم قائم پس از من در سیرت انبیاء (ع) وارد میشود یعنی عمر طولانی خواهد داشت ، و کسی ثابت بر این عقیده نمی ماند ، مگر کسانی که ایمان کامل داشته و بروح القدس تأیید شوند. (متأسفانه در ایام غیبت عده ای گمراه میشوند)

۳- حضرت رضا (ع) در بیان علائم ظهور مهدی (عج) چنین فرمودند :

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخًا لِسِنَّةِ الشَّابِّ الْمُنْظَرِ، حَتَّى أَنْ النَّاطِرِ إِلَيْهِ لِيَحْسَبَهُ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً
أَوْ دُونَهَا، وَأَنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ (۹۹)

یعنی یک نشانه او اینستکه در سن پیری رخساری جوان دارد تا جاییکه بیننده گمان می برد که او چهل ساله یا کمتر است و نشانه دیگرش اینکه تا پایان عمر به سبب مرور زمان پیر و

فرسوده نمیگردد.

عده‌ای مغرض که دشمن اسلام و مسلمین هستند و یا عده‌ای ناآگاه چنین مطرح میکنند که اولاً "عمر طولانی امام زمان خلاف مسیر اصلی طبیعت و خلاف سنتی است که بین همه مردم امروز مطرح است و هر انسان حداکثر میتواند ۱۲۰ سال عمر کند نه یکهزار و سیصدسال یا بیشتر.

ثانیاً "دانش بشری نمی‌تواند بپذیرد که یک انسان بتواند صدها سال عمر کند. ثالثاً "مسئله طول عمر امام زمان مسئله جدیدی است که بوسیله شیعیان مطرح شده‌است و ادیان گذشته دارای چنین عقائدی نیستند.

جواب:

ما جواب سئوالات بالا را در چند قراز زیر پاسخ میدهیم.

آیا بشر می‌تواند عمری طولانی داشته باشد

همانطوریکه گفتیم عده‌ای میگویند بشر نمی‌تواند عمری طولانی داشته باشد، و تخم‌نا-امیدی را بر قلب انسان می‌کارند، اما در مقابل، عده‌ای از دانشمندان در این فکر هستند تا بتوانند بر عمر متوسط بشر بیفزایند، و در این باره هم به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند. این دانشمندان میگویند، اگر ما حیات و زندگی و یا انسان را بشناسیم مسئله طول عمر دیگر مسئله نخواهد بود، و میگویند امروزه بیولوژی در تعریف حیات مانده است و اگر حیات را بشناسد همه مسائل مشکله در این زمینه حل خواهد شد مثلاً "آقای دکتر الکسیس کارل بعد از سالها تحقیق پیرامون زندگی انسان کتابی مینویسد بنام "انسان موجود ناشناخته" و در آن کتاب مفصلاً همین مسئله ناشناخته ماندن انسان و حیات انسان را شرح میدهد که ما در اینجا به پاره‌ای از قسمتهای آن کتاب اشاره میکنیم.

کتاب انسان موحود ناشناخته ص ۴ نوشته الکسیس کارل (ترجمه دکتر پرویز دبیری)

"... کسانیکه کیفیات حیات را مطالعه میکنند گویی در میان جنگل سحرانگیزی که درختان بشمار آن‌ها دائماً تغییر شکل و جامیده، سرگردانند... و فرمولهای ریاضی درباره آن میسر نیست خود را خسته و عاجز می‌بینند... علومیکه از موجودات زنده بطور عمومی و از خود آدمی بخصوص بحث میکنند اینقدر پیشرفت نکرده و هنوز در مرحله توصیفی باقی مانده‌اند، حقیقت اینکه انسان یک مجموعه پیچیده و مبهم و غیر قابل تفکیکی است که نمی‌توان او را به آسانی شناخت هنوز

روشهایی که بتواند او را در "اجزاء" و در مجموعه و در عین روابطش با محیط خارج بشناسد در دست نیست...

باز در ص ۴ همین کتاب انسان موجود ناشناخته آمده است
"محققا" بشریت تلاش زیادی برای شناسایی خود کرده است ولی با آنکه ما امروز وارث گنجینه‌هایی از مطالعات دانشمندان و فلاسفه و شعرا هستیم هنوز جز اطلاعات ناقص در مورد انسان دسترسی نداریم.

باز در صفحه ۱۲ کتاب انسان موجود ناشناخته آمده است (ترجمه دکتر پرویز دبیری)
"علومیکه از موجودات زنده بطور عموم و از فرد آدمی بخصوص بحث میکند اینقدر پیشرفت نکرده و هنوز در مرحله توصیفی باقی مانده‌اند، حقیقت اینکه انسان یک مجموعه پیچیده و مبهم و غیر قابل تفکیکی است که نمی‌توان او را با سانی شناخت و هنوز روشهایی که بتواند او را در اجزاء و در مجموعه و در عین روابطش با محیط خارج بشناسد در دست نیست.

باز در صفحه ۱۲۲ این کتاب آمده است

در حال حاضر برای ما شناسایی ساختمان بدن و چگونگی فعالیت‌های تغذیه‌ای و عصبی آن غیر ممکن است قوانین فیزیکی و شیمیایی و مکانیکی که همه‌جا در دنیای مادی قابل اعمال است جز در حدود ناچیزی درباره آدمی صادق نیست. توجه میفرمائید آقای الکسیس کارل معتقد است که بشر، خودش را ناشناخته است. و یا اینکه آقای ژرژ گاموف دانشمند معروف و استاد دانشگاه جرج واشنگتن در کتاب "یک و دو و سه... بینهایت" فصلی را تحت عنوان "معمای حیات" مطرح میسازد، و حیات را بصورت یک معمای حل شده بیان میکند که اگر روزی این معما حل شود، و بشریت حیات را بشناسد طول عمر مسئله‌ای نخواهد بود.

باز اینکه آقای کرسی موریس در کتاب راز آفرینش، و فلا ماریون در کتاب "قوای طبیعی مجهول" و انیشین در کتاب "خلاصه نظریه‌اش" و صدر المتالهین در کتاب اسفار، و سهروردی در کتاب حکمة الاشراق، و ابن سینا در کتاب شفاء همه اظهار میکنند که بشر، بشر را ناشناخته است، و مسئله حیات هنوز حل نگردیده است و اگر روزی این مسئله حل شود طول عمر دیگر مسئله بفرنگی نخواهد بود، و هر انسانی میتواند هزاران سال عمر کند.

مسئله مرگ

در مقابل کلمه حیات ، کلمه مرگ وجود دارد ، و در این بحث پیش کشیده میشود که آیا ادامه حیات و طول عمر طبیعی است یا مرگ؟ یا به طریق دیگر آیا زنده ماندن طبیعی است یا مردن؟ یا بهتر بگوئیم مردن عارضه و مرض است یا زنده ماندن؟ همه میدانیم که ادامه حیات و زنده ماندن از نظر فطره یک امر عادی است ، و زنده ماندن فطری است نه مردن .

آقای وایزمن بیولوژیست آلمانی در کتاب زیست شناسی خودش میگوید :

" مرگ لازمه قوانین طبیعی نیست و در عالم طبیعت از عمر ابد گرفته تا عمر یک لحظه ای همه نوعش هست " آنچه طبیعی و فطریست عمر جاودانی و ابدی است ، بنابراین افسانه عمر نهصد و شصت و نهساله "مِتَوْشَلَخُ" نه مردود عقل است و نه مردود علم ، در همین دوره خود ما میزان طول عمر بالا رفته است و دلیل ندارد که از این هم بالاتر نرود و یک روز بیاید که بشر بعمر نهصدساله برسد . توجه میفرمائید اگر روزی بشر بتواند ، حیات را تعریف کند ، و آنرا بشناسد . مسئله طول عمر دیگر مسئله ای نخواهد بود ، و به گفته این آقایان دیگر هر انسانی میتواند براحتی هزاران سال عمر کند .

مبارزه با پیری

پس ما متوجه شدیم که عمر طولانی یک امر بسیار فطری است ، و مردن عارضه و مرض می باشد ، لذا شما شاید قبلا " توجه کرده باشید که شخصی به شما میگوید : " فلانی مرد " شما می گوئید چرا مرد؟ برای چه مرد؟ پس ما از این سئوالات چنین می فهمیم که انسان نباید بمیرد و دوست شما در جواب میگوید : مثلا " فلان مرض را داشت ، مرد ، یا اینکه میگوید " پیر شده بود " پس انسان بوسیله مرض میمیرد و پیری خود یک نوع مرض است ما برای ادامه عمر باید با امراض مبارزه کنیم که پیری خود یکی از مرضهاست و در این باره نیز عده ای به تحقیق پرداخته اند و سعی آنها بر این بوده است که انسان را جوان نگاه بدارند .

۱- آقای الکسیس کارل در کتاب " انسان موجود ناشناخته " میگوید :

" اگر ترکیبات محیط غذایی را ثابت نگه دارند ، اجتماعات سلولی برای همیشه به فعالیت خود ادامه میدهند . . . و اگر از افزایش حجم آنها جلوگیری نمایند هیچگاه پیر نخواهند شد .

۲- در کشور رومانی مؤسسه ای تأسیس شده است بنام " انستیتو مطالعات پیری " که مدیر

این موسسه "پروفیسور رانا اصلان" است و او در سفری که با ایران آمده بود، روزنامه کیهان با او مصاحبه‌ای انجام داده و این مصاحبه تحت عنوان "گفتگو با کاشف اکسیر جوانی" بچاپ رسانید که ما در اینجا قسمتی از آن گفتگو را میآوریم: (۱)

پروفیسور اصلان تحقیقاتش را در زمینه مبارزه با پیری با الهام از مطالعات یک پروفیسور معروف فرانسوی موسوم به "لوریش" آغاز کرد... و سرانجام موفق به ساختن دارویی با اسم ژروویتال Gerovital شد، و این دارو بصورت قرص و کپسول و آمبول ساخته میشود،... او موفق میشود یک پیر مرد ۱۰۹ ساله دم مرگ را بوسیله این دارو عمرش را به ۱۱۶ سال افزایش دهد،... او میگوید و من تاکنون ۶ نوع داروی ضدپیری کشف کرده‌ام... ما پزشکان اصولاً میخواهیم هرچه بیشتر بر طول عمر بیافزاییم (۱۰۰)

۳- یکی دیگر از محققین ضدپیری یا بهتر بگوئیم ضد مرگ زودرس آقای دکتر بل نیهانس است، و ما در اینجا قسمتی از روزنامه کیهان شماره ۸۲۴۶ روز دوشنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۴۹ را میآوریم:

هزاران سال بشر در آرزوی عمر جاویدان بوده است حکایت‌هایی شبیه عمرنوح، خضر پیامبر و چشمه آب حیات و سفر اسکندر بظلمات گوشه‌ای از اشتیاق آدمی را به عمر جاودانی از دورترین ایام تاریخ میرساند... اما مسئله تجدید جوانی تقریباً برای بشر امروزی تا اندازه زیادی تحقق یافته است.

... دکتر بل نیهانس بزرگترین کارشناس جوان‌سازی عصر حاضر است... دکتر نیهانس درباره کشف خود میگوید: بزبان ساده بدن ما از واحدهای بسیار کوچکی ترکیب یافته که آنها را سلول میگویند، و هنگامیکه این سلولها در کنار هم قرار میگیرند، میتوانند اندامهای مختلف بدن از قبیل قلب و ریه و پوست و سایر قسمتهای بدن را بوجود آورند وقتی ما پیر میشویم بدن ما هم پیر میشود... بدین ترتیب سلولهایی که اندامهای مختلف این بدن را تشکیل داده است شروع به خراب شدن و نابود شدن میکنند، اما سلولهای تازه و سالمی به بدن تزریق شود این سلولها بسرعت افزایش یافته سلولهای کهنه و فرسوده‌ای که رو به فنا هستند نوسازی و جوان میکنند، بعبارت دیگر سلول درمانی شیوه بسیار نوظهور و پیشرفته پیوند اعضای بدن است.

البته باید این نکته را تذکر دهیم آقای بل نیهانس در سوئیس مزرعه‌های بزرگ دارد، و از سلول جنین گوسفند استفاده می‌نماید، یعنی سلولهای جنین گوسفند، را بزیر پوست بدن انسان تزریق میکند، و سلولهای جوان جای سلولهای پیر را میگیرند، و انسان جوان میماند، و بعضی‌ها او را بزرگترین کارشناس جوان‌سازی میدانند و او صدها مشتری ثروتمند و پولدار از سراسر جهان دارد مانند: پاپ پل دوازدهم و بن‌سعود و ادناتر و توماس من و ساشاگیتری و آقاخان و مرآم و برنارد باروخ و پاره‌ای از اعضای سلطنتی ژاپن.

۴ - دکتر کارل در کتاب راه و رسم زندگی صفحه ۴۶ تحت عنوان "عمر دراز فطری است" میگوید: بدن تقریباً خود را در قالب هر حادثه‌ای میریزد و در برابر هر موقعیت تازه و ساطلی برای مراجعه با آن بر میانگیزد این وسیله هدفی جز تأمین حداکثر عمر ندارد در مقابل هر خطر کیفیات فیزیولوژیکی در جهتی متوجه میشود که بزرگترین مدت حیات را تأمین کند.

۵ - دیگر از دانشمندانی که برای مبارزه با پیری تلاش میکند آقای دکتر سامیستون استاد علوم پزشکی و تحقیقات بیوشیمی دانشگاه میشیگان آمریکا است، او پس از تلاش بسیار موفق به ساختن کپسولی شده است بنام لیوسترول Livesterol که عده‌ای معتقدند این دارو میتواند عمر را تا دو برابر افزایش دهد. (۱۵۱)

۶ - یکی دیگر از محققین که در این زمینه تحقیقات زیادی کرده است آقای دکتر مچنیکوف است ایشان میگوید: اگر محصول متابولیکی میکروبی را از روده حذف کنیم پیری دیده نمی‌شود. (۱۵۲)

۷ - آقای پروفیسور بش فرانسوی پس از تحقیقاتی که راجع به پیری انجام داده است کتابی برشته تحریر درمیاورد، بنام "امید بیهک زندگانی طولانی" ایشان اثبات میکند که در آینده بشر میتواند به طول عمر خودش بیافزاید. (۱۵۳)

البته این یک قسمت کمی بود از تحقیقاتی که تا بحال دانشمندان انجام داده‌اند و این تحقیقاتشان بی نتیجه نمانده است، و آنچه که آمار نشان میدهد عمر آدمی روبه افزایش است مثلاً:

در انگلستان حد متوسط طول عمر در سال ۱۸۳۸ حدود ۳۹/۹۱ بوده است، و در سال ۱۸۵۴ یعنی پس از ۱۶ سال به ۴۱/۸۵ افزایش می‌یابد، و باز در سال ۱۹۷۳ یعنی بعد از ۱۹ سال به ۶۴/۴۰ افزایش می‌یابد.

پس، از سال ۱۸۳۸ تا سال ۱۹۷۳ عمر متوسط از ۳۹/۹۱ به ۶۴/۴۰ افزایش یافته است یعنی دو برابر شده است.

یا اینکه در آمریکا حد متوسط عمر هر فرد در سال ۱۹۰۱ حدود ۴۸/۲۳ بوده است و در سال ۱۹۴۴ به ۶۳/۵ افزایش می‌یابد، که این عددی قابل توجه است در کشور خودمان ایران نیز تا اندازه‌ای این افزایش چشم‌می‌خورد پس تحقیقات بشری نتیجه نمانده است، و سرانجام بشر باین هدف خواهد رسید که مسئله طول عمر برای او حل شود، پس از نظر علوم پزشکی اشکالی برای طول عمر موجود نیست.

آیا عمر امام زمان پدیده جدید تاریخ است

برای آنهاییکه در تاریخ مطالعه دارند، مسئله طول عمر حضرت بقیة الله "عج" مسئله جدیدی نیست، و بی سابقه در تاریخ نیز نمی‌باشد، زیرا در این باره دهها کتاب تا بحال برشته تحریر درآمده است.

مانند کتاب المَعْتَمَرَن نوشته ابوحاتم سیستانی که این کتاب پیش از تولد امام زمان (عج) نوشته شده است. و این کتاب بزبان انگلیسی در سال ۱۸۹۹ میلادی نیز در لندن بچاپ رسیده و تا بحال نسخه اصلی و خارجیش چندبار تجدید چاپ شده، یا کتاب مروج الذهب مسعودی و یا کتاب دائرةالمعارف فرید و جدی "ذیل لغت هرم" و یا کتاب کمال الدین شیخ صدوق که این کتاب زمانی نوشته شده است که امام زمان "عج" حدوداً ۴۵ ساله بوده است و یا بحارالانوار مرحوم علامه بزرگوار مجلسی و یا نجم‌الفاقی حاجی نوری و... در این کتابها نام بسیاری از معمرین برده میشود، که ما در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌نمائیم.

آدم "صفی الله" (ع) ۹۳۰ سال - حواء ۹۳۱ سال - شیث بن آدم ۹۱۲ سال - عناق دختر آدم ۳۰۰ سال - ادریس پیامبر ۹۶۲ سال - متوشلخ ۹۱۷ سال - سربابک از پادشاهان هند ۹۳۵ سال - صاحب مهرگان ۱۵۰۰ سال - انوش ۹۳۰ سال - ضحاک ۱۰۰۰ سال - نوح پیامبر ۲۵۰۰ سال - قتیان ۹۲۰ سال - لقمان حکیم ۴۰۰۰ سال - شداد بن عاد ۹۰۰ سال - عدیم از پادشاهان مصر ۹۲۶ سال - کیومرث ۱۰۰۰ سال - بخت النصر ۱۵۰۷ سال - عوج ابن عناف ۳۶۰۰ سال - ریان ابن درمغ ۷۰۰ سال - سلمان فارسی ۴۰۰ سال - هود پیامبر (ع) ۶۷۰ سال - عزیز مصر ۷۰۰ سال - لقمان بن عاد بزرگ ۵۰۰ سال، حسام بن نوح ۵۶۰ سال - مریم مادر مسیح ۵۰۰ سال - هیل بن - عبدالله کنانه ۶۰۰ سال - سلیمان (ع) ۷۱۲ سال - لمک بن متوشلخ ۷۰۰ سال - عمر بن عاص عامر ۸۰۰ سال - فرعون زمان موسی ۶۲۰ سال - جمشید ۷۱۶ سال - طهمورث ۸۰۰ سال - سام بن نوح ۶۰۰ سال - گرشاسب ۷۰۵ سال - لوط پیامبر (ع) ۷۳۲ سال

پس توجه میفرمائید در میان معمرین امام زمان (ع) تنها نیست و چیز مهمتر اینکه ما مسلمانان و بعضی از ادیان دیگر اعتقاد داریم که بعضی از اولیاء الله و پیامبران هنوز زنده هستند مانند خضر (ع) و عیسی (ع).

استثنائات

در جهانیکه ما زندگی می‌کنیم ، در همه چیز در پاره‌ای از اوقات استثنائات بچشم می‌خورد ، در جمادات در گیاهان در حیوانات در انسانها . . و بطور کلی در همه چیز استثنائات هست . و ما در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره مینمائیم .

۱ - خبر زیر را از روزنامه کیهان چهارشنبه ۲۳ دیماه ۱۳۴۹ شماره ۸۲۴۸ می‌آوریم .
"کودک ۵ ماهه در اهواز راه می‌رود ، و حرف می‌زند و غذا می‌خورد پدر و مادر خود را صدا می‌زند . رشد سریع این کودک پزشکان اهواز را متعجب کرده است . ژیللا - بهنیا کودک ۵ ماهه هشتم تیرماه امسال در بیمارستان شهربانی تهران متولد شد مادرش یکی دو ماه باو شیر داد ولی ناگهان متوجه شد که فرزندش باوجودیکه دندان ندارد ، غذاهای معمولی را نیز براحتی می‌خورد طولی نکشید که ژیللا به حرف آمد و این مسئله باعث شگفتی پدر و مادر ژیللا شد . . . آقایان دکتر مقصودی و دکتر وزیری پزشکان بیمارستان شهربانی پس از آزمایشات دقیق نظر دادند که ژیللا در نهایت سلامت است ولی رشد جسمانی اش سریع تر از کودکان دیگر میباشد .
توجه میفرمائید که پزشکان این کودک را یک کودک استثنائی خوانده و میگویند رشد او سریع تر از کودکان دیگر است و ما در اینجا میتوانیم بگوئیم بفرض اگر شما گفتار متخصصین را که قبلا" بیان کردیم بپذیرید ، و مطالب تاریخ و طول عمرین گذشته را قبول نکنید میگوئیم عمر امام زمان (ع) از استثنائات است و علت درج این خبر در روزنامه خود دلیل بر استثناء بودنش است .

۲ - خبر زیر را از روزنامه کیهان دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۴۸ شماره ۷۸۴۵ می‌آوریم .
"مردی در ۳۳ سالگی دندان درآورده است مرد ۳۳ ساله‌ای که دو سال قبل دندانهایش را کشیده بود ، مانند کودک شیرخواری مجددا" دندان درآورده است این مرد که حسن تقی آق‌دیر نام دارد میگوید : دو سال قبل بر اثر بیماری پیوره به دستور یک دندانپزشک همه دندانهایم را کشیدم و سفارش دادم که دندان مصنوعی برایم بسازد . از روزیکه دندانهای مصنوعی را در دهانم قرار دادم متوجه شدم که لثه‌هایم شدت می‌سوزد ، و قادر نیستم از دندانهای مصنوعی استفاده کنم ، ناچار به پزشک معالجم مراجعه کردم و او پس از معاینه با حیرت گفت : تو داری دندان درمی‌آوری . . ابتدا تصور میکردم که دندانپزشک با من شوخی میکند

ولی هنگامیکه در خانه مقابل آئینه ایستادم و به لثه‌هایم دقت کردم دیدم که دندان درآورده‌ام اکنون همه دندانهای من درآمده و تنها از دندانهای کرسی خبری نیست.

اینهم یکی دیگر از استثنائات جهان.

۳- وجود شخصی مانند ابوعلی سینا در جهان یک استثناء بود. زیرا از وی چنین نقل میکنند: "چون بعد تمیز رسیدم مرا به معلم قرآن سپردند، پس از آن به معلم ادب، پس هرچه را شاگردان بر استاد ادیب قرائت میکردند، من همه را حفظ می‌نمودم، پس مرا بیک سری کتابها تکلیف کرد که همه را در مدت یکسال و نیم از برکردم و اگر تعویق استاد نبود در کمتر از این مدت حفظ میکردم و چون بنده سالگی رسیدم مورد تعجب اهل بخارا بودم، پس از آن شروع کردم به یاد گرفتن فقه و در ۱۲ سالگی برطبق مذهب ابوحنیفه فتوی میدادم، پس از آن شروع کردم به علم طب و قانون را در ۱۶ سالگی تصنیف نمودم در ۲۴ سالگی خودم را در تمام علوم متخصص میدانستم (۱)

توجه میفرمائید چنین رشد کردن و چنین متخصص شدن از استثنائات است.

۴- توماس یونگ دانشمند بزرگ جهان را کسانی که اهل مطالعه باشند میشناسند، او از بزرگترین دانشمندان انگلیس است، در دو سالگی خواندن یاد گرفت، و در هشت سالگی خود با موختن ریاضیات پرداخت، از نه سالگی تا چهارده سالگی در اوقات بیکاری با موختن زبانهای فرانسه - ایتالیائی - فارسی و عربی پرداخت و آنها را یاد گرفت و در بیست سالگی تئوری رویت را ارائه داد^(۲) پس استثنائات در جهان ما فراوان است و وجود مقدس حضرت بقیة الله هم یکی از آنها است.

رابطه روح و جسم در طول عمر

عده‌ای از دانشمندان را عقیده براینست که اگر روح آدمی سالم بماند، جسم در سلامتی بسر خواهد برد، و اگر روح آدمی بیمار شود جسم او هم بیمار میشود. و چنین مثال میزنند: شما لحظه‌ای را در نظر بگیرید که تلفن زنگ میزند، و فردی تلفن را میگیرد، و یکبار خبرنگاری را باو ابلاغ میکند، او مثلاً میگوید وای قلبم. و حتی امکان دارد بر زمین بیافتد اگر یکبار قهقش روح نکند. به بیماری قلبی مبتلا میشود که نیاز به دکتر دارد و دارو. ما میدانیم که کسی

۱ - هدیه الاحباب چاپ تهران سال ۲۹ صفحه ۷۶

۲ - تاریخ علوم پیررسو چاپ سوم صفحه ۴۳۲

ضربه‌ای بقلب او نزده است، و قلب او از ضربه‌های خارجی محفوظ بوده است، اما در اثر یک ضربه روحی جسم او نیز بیمار شده است، یا عده‌ای از روانپزشکان و پزشکان علت زخم معده را بیشتر به ضربه‌های روحی نسبت می‌دهند، و حتی امروز در دنیا کوشش میشود که کاری کنند تا بیماریهای جسمی را بوسیله روانپزشکی و روحی درمان کنند، و حتی بارها دیده شده است اگر شخصی به بیماری جسمی دچار است، و پزشکان نیز از او قطع امید کرده‌اند اما در اثر امیدهای روحی که باو داده‌اند، او سلامتی خود را بازیافته است و عکس آن نیز ثابت است، یعنی اگر شخصی به بیماری جسمی مبتلا باشد و از نظر روحی او را ضعیف کنند مثلاً "بگویند چرا رنگ تو چنین شده است، چرا دستهای تو میلرزد، چرا چنین شده‌ای و چرا چنان شده‌ای در اثر این ضربه‌های روحی، بیمار از نظر جسمی نیز بدتر میشود.

وعده زیادی از دانشمندان معتقدند اگر روح سالم و قوی بماند جسم هم سالم میماند، و ما میدانیم ائمه ما (ع) همه پزشکان روحانی، و متخصصین علوم روحی بودند، و یک بعد از هدایت آنها، نجات روح مردم بوده است، و آنها دارای روان و روحی قوی بودند، لذا می بینیم علی (ع) در میدانهای جنگ یک جنگ آور است و فرمانده، و در محراب یک عابد و گریان از خوف خداوند است.

و من معتقدم اگر آنها رانمی‌گشتند آنها آنقدر روح قوی داشتند که باین زودبیهان می‌مزدند و هزاران سال میتوانستند عمر کنند، از رسول گرامی گرفته تا بقیه امامان (ع) مثلاً "رسول گرامی اسلام (ص) را شهید کردند و الا ایشان باین زودبیهان فوت نمی‌نمودند علی بن ابیطالب (ع) را شهید کردند و فاطمه سلام الله علیها را شهید نمودند، امام حسن (ع) را مسموم کردند، حضرت سیدالشهداء امام حسین (ع) را شهید کردند، امام سجاد (ع) و امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) و امام موسی کاظم (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) همگی را مسموم نمودند، و الا آنها باین زودبیهان از دنیا نمی‌رفتند و با آن روح قوی که داشتند میتوانستند هزاران سال عمر نمایند، و امام زمان نیز چنین است یعنی از روحی قوی برخوردار است، و میتواند بوسیله آن روح مقدس و طیب و طاهر هزاران سال عمر نماید، و باز درباره ایشان گفته میشود که ایشان را نیز شهید میکنند.

۲- مرحوم صدرالمتالهین شیرازی "ملاصدرا" در کتاب اسفار خود میگوید:

اداره و نگهداری جسم برعهده روح است و اوست که بمیل خود بدن را اداره میکند، تا هنگامیکه احتیاج زیادی به بدن دارد، در حفظ و نگهداریش کوشش می‌نماید و مراقبت کامل مبذول میدارد، اما هنگامیکه استقلال بیشتری یافت و احتیاجاتش کمتر شد علاقه‌اش به بدن کمتر میشود و چندان توجهی به بدن نمی‌کند و در نتیجه ضعف و سستی و اختلالات تولید میگردد، و پیری و فرسودگی روی آور میشود، تا وقتی که از اداره بدن بکلی منصرف گردد، و

مرگ طبیعی فرا رسد (۱۰۴)

پس با این موضوع طول عمر حضرت صاحب الزمان (ع) راهش هموارتر میگردد، و میتوان گفت که روح مقدس آنجناب چون احساس کند که وجودش برای جهان انسانیت و اصلاح عالم ضروری است همواره در حفظ و نگهداری تن کوشش میکند و جوانی و شادابی آنرا محفوظ میدارد.

ولایت تکوینی و طول عمر

ما میدانیم که خداوند بر همه جهان ولایت تکوینی دارد، و او بر همه چیز مسلط است، و او بر طبیعت و آفرینش تصرف عامل دارد، اوست که به همه جان میدهد و هیچ نفسی نمی میرد مگر باراده و اجازه او.

"وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ"

یعنی هیچ نفس نمی میرد مگر باراده و اجازه خداوند (۱۰۵)

و باز خداوند میفرماید: "وَمَا يُعْمَرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ"

يَسِيرٌ (۱۰۶)

یعنی: هیچ مسنی کهنسال نشود و نیز از عرش کاسته نگردد مگر آنکه در لوح الهی ثبت شده باشد همانا چنین اموری بر خدا آسانست. پس خدا بر همه جهان و همه چیز و همه انسانها و... تسلط کامل دارد و ولایت تکوینی از آن خداوند است.

و اولیاء و فرستادگان خداوند نیز بسازن و فرمان او به هنگام لزوم در جهان تکوین و آفرینش می توانند تصرف بنمایند، و حتی می توانند برخلاف عادت و جریان طبیعی، حوادثی بوجود آورند.

مثلاً "در باره عیسی (ع) در قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۴۹ ما چنین میخوانیم: که: و او را بعنوان رسول فرستاده بسوی بنی اسرائیل و بآنها میگوید: من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما برایتان آورده‌ام، من از گل چیزی به شکل پرنده میسازم سپس در آن می دمم و به فرمان خدا پرنده‌ای میگردد، و کور مادر زاد و مبتلایان به برس (پپسی) را بهبودی می-بخشم، و مردگان را زنده مینمایم باذن خدا..."

توجه میفرمائید که عیسی (ع) کارهایی بآنها میگوید که میتواند باذن خدا انجام دهد که برخلاف عادت طبیعت است اما عیسی بر طبیعت تسلط کامل داشت از آنچه گفته شد سه نتیجه زیر را میگیریم.

اولاً "قبلاً" اثبات کردیم که عمر طولانی نه مردود علم پزشکی است نه مردود طبیعت و عادت جهان.

ثانیا " بفرض محال هم عمر طولانی موافق عادت طبیعت نباشد، آیا خداوندی که بر جهان ولایت دارد نمی تواند، به امام زمان (ع) عمری طولانی عنایت کند.

ثالثا " خود امام زمان نیز دارای ولایت تکوینی با اذن خداوند می باشد پس برای زنده ماندن خود و برای اجراء برنامه الهی خویش می تواند از آن ولایت استفاده کند تا زود پیر نشود، و جوان و شاداب سالهای سال زنده بماند.

قرآن کریم و مسئله طول عمر

برای مسلمین جهان بزرگترین معیار قرآن کریم است، و مسلمین این کتاب آسمانی را بزرگترین راهنما و دلیل خود بحساب می آورند. لذا ما بر آن شدیم تا مسئله طول عمر را با این کتاب آسمانی در میان بگذاریم و ببینیم آیا داشتن عمر طولانی موافقت با قرآن دارد و یا اینکه مخالف این کتاب آسمانی است.

۱ - خداوند تعالی درباره نوح پیامبر در قرآن کریم سوره عنکبوت آیه ۱۴ میفرماید:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ آلْفَ سِنًا إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ
الطُّوفَانُ.

یعنی: هر آینه فرستادیم نوح را بسوی قومش، و او درنگ کرد در مابین آنها ۹۵۰ سال سپس طوفان آنها را فرا گرفت.

دانشمندان و قرآن شناسان بزرگ و مفسرین معتقدند که این ۹۵۰ سال از زمان بعثت نوح پیامبر تا هنگام فرا رسیدن طوفان می باشد، و طبق روایاتی که بما رسیده است عمر نوح ۲۵۰۰ سال بوده است (۱)

پس خداوندی که به نوح پیامبر ۲۵۰۰ سال عمر میدهد میتواند ولی عصر (عج) را نیز برای هدفی بسیار عالی زنده نگاه بدارد.

۲ - خداوند تعالی درباره یونس پیامبر در قرآن کریم پس از بدربار افکنده شدن و در بطن ماهی قرار گرفتن چنین میفرماید:

"قُلْ لَآ أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسْتَجِيبِينَ لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۰۷)

یعنی: هر آینه اگر یونس از تسبیح کنندگان ذات اقدس الهی نبود تا روز قیامت در بطن و شکم ماهی میماند.

بار دیگر تذکر میدهم ، یونس پیامبر بدریا افکنده میشود و در دل ماهی (با نهنگ) قرار میگیرد ، و خداوند میفرماید : اگر یونس تسبیح کننده نبود و در دل ماهی ذکر ما را نمی - گفت ما او را تا روز رستاخیز در دل ماهی نگاه می داشتیم ، پس قدرت خداوند درباره زنده نگاه داشتن اهر فرد نامحدود است .

امام جعفر صادق ع

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ
فُنَظَرَ إِنْ كَانَ كَمَنْ كَانَ
فِي فُطَاطِ الْفَائِئِ

هر کسی از شما که در حال نظر این امر (طهور)

مهدی ، ببرد همچون کسی است که در خیمه

قائم (در حال جهاد با خضرش) باشد .

کال لاین - ج ۲ - ص ۲۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَالذَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِكَ
 وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالتَّائِبِ وَبِأَمْرِكَ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَبُؤَارِ الْكَافِرِينَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَ
 مُبِيرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ
 وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةِ النِّجَاةِ وَعَلِمِ الْهُدَى وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ
 ارْتَدَى وَ مُجَلِّي الْعَمَى الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا " كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا " وَ جُورًا إِنَّكَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۸)

خدایا بر مهدی درود فرست ، امامی که حجت تو در زمین است ، خلیفه تو در ملک و
 بلاد تو است و دعوت کننده بسوی راهت و برپاکننده عدل تو و بیادارنده کار تو است . امامی
 که سرور مؤمنین و نابود کننده کافرین و روشنایی بخش ظلمت عالم و جلوه دهنده حق است ، و
 زبانش گویای حکمت و راستی ، و مبلغ نشانه های نام تو در زمین است .
 امامی که مراقب و در حال خوف از جلال تو و فرمانبردار و نصیحت کننده براه تو است ،
 امامی که کشتی رستگاری و علامت هدایت و نور دیدگان خلق است . امامی که بهترین جادو
 انسانیت را بتن پوشید و چشم بسته را نوربخشید . امامی که زمین مالا مال از ظلم و جور را ابریز
 از قسط و عدل می کند . بدرستی که ای خدا تو بر هر امری قادر و توانایی .

سخنانی چند از رهبریت انقلاب

در اینجا لازم دیدم قسمتهایی از فرمایشات این رهبریت بزرگ انقلاب، را برای استفاده عموم بیان کنم، و در اینجا از خداوند کریم بخواهیم تا ظهور آن حضرت را نزدیک بفرماید تا از حضور او فیض کامل برداریم، و از سخنان گرانقدرش که هر کلامش روح را نوازش میدهد، و راهگشای همه گرفتاری‌های بشریت است بهره بگیریم، امام زمان (ع)، حضرت بقیة الله - الاعظم (عج) روحی و ارواح العالمین له الفداه میفرمایند.

۱- وَبِی یَدْفَعُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ الْبِلَاءَ عَنِ اَهْلِی وَشِیْعَتِی (۱۰۹)

یعنی: بوسیله من خداوند دفع مینماید بلا را از خانواده و اهل و شیعیانم.

۲- اِنَّا غَیْرُ مُهْمِلِیْنَ لِیَمْرَاغَاتِكُمْ وَاِنَّا سَیْنٌ لِّذِکْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لُنَزَلَ بِكُمْ اللّٰهُ وَاُوْءَ -

اَصْطَلَفْتُمْ الْاَعْدَاءَ (۱۱۰)

ما در رسیدگی به احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر چنین نبود سختی شدیدی بر شما وارد میشد و دشمنان شما را ریشه‌کن میساختند.

۳- فَاِنَّا یُحِیْطُ عَلَمُنَا بِاَنْبَاءِكُمْ وَاَلَا یَعْرَبُ عَنَّا شَیْءٌ مِّنْ اَخْبَارِكُمْ (۱۱۱)

براستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد، و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست.

۴- اِنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَ فِیْنَا لَا یَقُوْلُ ذٰلِكَ سِوَانَا الْاَكْذَابُ مُفْتَرٍ وَاَلَا یَدَّعِیْهِ غَیْرُنَا اِلَّا ضَالٌّ غَوِیٌّ

(۱۱۲)

براستی که حق با ماست و در دست ما می‌باشد، و بجز ما هر کسی این ادعا را بر زبان آورد، دروغگو و افترا زننده و گمراه و گمگشته است.

۵- وَاِنِّیْ اَخْرَجُ حَیْنَ اَخْرَجُ وَاَلَا بَیْعَةُ اِلَّا حِدْمِنَ الطَّوَاغِیْتِ فِیْ عُتْقِی (۱۱۳)

و من قیام خواهم کرد، در حالیکه پیمان هیچ یک از گردن‌کشان برگردنم نمی‌باشد (یعنی همه گردن‌کشان را نابود خواهم کرد)

۶- فَلِیَعْمَلْ کُلُّ اَثِیْرٍ مِّنْکُمْ مَا یَقْرُبُ بِهٖ مِنْ مَّحَبَّتِنَا (۱۱۴)

پس هر یک از شما باید، بوسیله آنچه بدوستی ما (شمارا) نزدیک میگرداند عمل کند.

۷- طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِنَا أَهْلُ الْبَيْتِ مُسَاوِقٌ لِلْإِنكَارِنَا (۱۱۵)

جستجوی معارف جز از راه ما خاندان پیامبر (ص) برابر با انکار ما خواهد بود.

۸- وَإِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ (۱۱۶)

و همانا من برای مردم گیتی امان از عذابم.

۹- اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي (۱۱۷)

بار خدایا وعده‌هایت را درباره من عملی فرما.

(از محمد بن عثمان عمروی پرسیدند که آیا تو مولایت را دیده‌ای گفت بلی، من آخرین

بار ایشان را در مسجد الحرام دیدم که دست به دعا برداشته و میگریست و میگفت اللهم -

انجزلی وعده)

۱۰- اللَّهُمَّ اِنْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِي (۱۱۸)

یعنی خدایا انتقام مرا از دشمنانم بگیر

۱۱- وَأَمَّا الْحَوَارِثُ الْوَأَقَعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَيَّ زُورًا حَدِيثِنَا ، فَاتَّهَمُوا حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا

حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ (۱۱۹)

و اما درباره حوادث و واقعه‌ها - به راویان حدیث ما رجوع کنید که ایشان حجت من بر

شما و من حجت خدا بر ایشان هستم.

۱۲- وَسَيِّئَاتِي لِشِبَعِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ ، الْأَقَمْنَ ادْعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفِيَانِيِّ

وَالصَّيْحَةَ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ (۱۲۰)

و بزودی برای شیعیانم کسانی ظاهر خواهند شد که ادعای مشاهده مرا خواهند نمود،

(یعنی ادعای نیابت خاصه می‌نمایند) آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه چنین

ادعائی بنماید مسلماً "دروغگو و افترازننده است"

برنامه انقلابی امام مهدی (عج)

در اینجا لازم دیدم برنامه امام مهدی (عج) را در هنگام قیام و انقلاب جهانی برای خوانندگان عزیز بیان کنم، البته قسمتی از این مطالب را ماقبلًا بصورت پراکنده بیان کرده‌ایم و در اینجا این برنامه را بصورت بخشی جداگانه از احادیث و روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه عصمت و طهارت علیهم السلام می‌آوریم.

۱- مرکز انقلاب و اولین سخنرانی امام مهدی (عج)

طبق روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار بما رسیده است، اولین نقطه‌ای که امام زمان (عج) در آن قیام خواهد کرد، مکه و مسجد الحرام است، و این احادیث صراحت بر این موضوع دارد، که امام زمان در اولین روز انقلاب در میان رکن و مقام ابراهیم در کنار حجر الاسود می‌ایستد و با صدای بلند که همه عالم این صدای دلنواز را می‌شنوند، به سخنرانی می‌پردازد و مردم را بسوی خدا چنین دعوت میکند.

أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ أَيُّهَا النَّاسُ وَ مَقَامُكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ وَ قَدْ أَكَّدَ الْهَجَجَةَ وَ بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ وَ
أَنْزَلَ الْكِتَابَ يَا مَرْكُمُ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ أَنْ تُحَافِظُوا عَلَي طَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ
رَسُولِهِ (ص) وَ أَنْ تُحْيُوا مَا أَحْيَى الْقُرْآنُ وَ تُمِيتُوا مَا آمَاتَ وَ تَكُونُوا أَعْوَانًا عَلَي الْهُدَى
وَ وَزَرَءَ عَلَي التَّقْوَى فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا فَنَائِبُهَا وَ زَوَالُهَا وَ آذَنْتُ بِالْوَدَاعِ وَ إِنِّي أَدْعُوكُمْ
إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ (ص) وَ الْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَ إِمَانَةِ الْبَاطِلِ وَ أَحْيَاءِ السُّنَّةِ. (۱۲۱)

ای جهانیان شما را یادآوری میکنم و خدا را شاهد این تذکر میگیرم بعثت انبیاء و نزول کتب آسمانی برای این بود که بخدا شرک نوزید و بر اطاعت خدا و رسول محافظت نمائید، (ای جهانیان بدانید) زندگی شما ببقاء قرآن است، و بدانید نابودی و فناى شما از فراموشی این کتاب آسمانی است، "ای مردم جهان" امروز مرا بر هدایت بشریاری کنید و برای برپائی و اقامه تقوی هدایت نمائید و "بدانید" دنیا پست فانی است، با آن وداع کنید، من شما را دعوت بخدا و رسول خدا میکنم، امام زمان عمل میکند به کتاب خدا و کشتن باطل و زنده نگاهداشتن روش پیامبر خاتم (ص) و همه این ندا را می‌شنوند که امام مهدی میفرماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَسَبُوا مِنْهَا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

خدای را شکر میکنم که راست فرمود وعده خود را و زمین را بمیراث ما داد تا هر جا که بخواهیم قرار بگیریم ونیکو است مزد و اجر کارکنانی که بخاطر خدا کار میکنند. (سوره زمر آیه ۷۴).

۲ - شورای انقلاب امام مهدی (عج)

گفتیم اولین نقطه‌ای که مهدی در آن سخنرانی میفرماید مسجد الحرام است ، و همه صدای او را میشوند ، و آن حضرت در حین سخنرانی میفرماید :

" ای کسانی که خدای عالم وجود شما را برای یاری ذخیره فرموده بشتابید بسوی من در خانه کعبه این ندای آسمانی طوری بلند شود که همه جهانیان بشنوند ، و ۳۱۳ نفر از اصحاب آن حضرت در هر جای عالم که باشند بهر حالی شتابان بسوی کعبه آمال و شمع وجود محبوب پر وبال زنان حاضر شوند و زمین ادب ببوسند و برای خدمتش از جان و دل بکوشند (۱۲۲)

امام باقر (ع) درباره شورای انقلاب امام مهدی (عج) میفرماید :

فَيُظْهِرُ فِي ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرِ عَلَى غَيْرِ مِيقَادٍ فَرَعًا

الْخَرِيفِ. يَفُكُّ رَهَانَ فِي السَّجْنِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَتَنْزِلُ الرِّيَاحُ
السُّودَانِ الْكُوفَةَ. فَيَبْعَثُ الْبَيْعَةَ إِلَى الْمَهْدِيِّ جُنُودَهُ إِلَى الْأَفَاقِ وَ يُمِيتُ الْجُوزَ
وَأَهْلَهُ وَتَسْتَقِيمُ لَهُ الْبُلْدَانُ وَ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ. (۱۲۳)

قیام میکند با ۳۱۳ نفر از مردان و رجال عالیقدر (جهان) که به تعداد اهل بدر خواهند بود ، و آنها بدون آنکه باهم وعده گذاشته باشند (بعد از اینکه صدای آنحضرت را می شنوند) مانند برگ درختان به مکه میشتابند ، و در یک ساعت واحد به ساحت مقدس او میرسند ، اصحاب او شبها در حال عبادت و نیایش پروردگار بسر میبرند ، و روزها مانند شیر خشناک هستند ، و زمانیکه همه به حضور آنحضرت میرسند با او بیعت میکنند

۳- انقلاب شروع میشود

بعد از این سخنرانی انقلاب در سطح جهان شروع میشود ، و باز همه میشوند ، که منادی ندا در میدهد که :

" ای جهانیان قائم آل محمد پسر امام حسن عسکری فرزند علی بن محمد بن علی - بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن ابیطالب صلوات الله علیهم قیام فرموده بشتابید بیاری او (۱۲۴)

همه جهانیان باز این اعلامیه را می‌شنوند، و از اطراف و اکناف جهان مستضعفین بسوی مکه می‌شتابند و درخانه خدا گرد می‌آیند، و همه مسرور و شادمانند. و پس از نصف روز گروه انبوه برگرد شمع وجود امام زمان پروانه‌وار گرد می‌آیند، و چشمانشان به جمال دل‌آرای او روشن میشود، اولین سرزمینی که بدست توانای آن حضرت فتح میشود حجاز است، و عده زیادی از شیعیان و بنی‌هاشم که در حجاز در دست حکام جابر زندانی هستند بدست توانای آن حضرت آزاد میشوند، سپس آنحضرت به مدینه معظمه رهسپار میشود، و مردم را دعوت به اسلام می‌نماید، و ظالمین را از سر راه انقلاب بر میدارد، و سپس برای زیارت جدش به مسجد النبی (ص) رهسپار میگردد، و انتقام رسولخدا را از کسانی که حق اولاد طاهرین او را بنا حق بردند میگیرد. و سپس به سر قبر فاطمه علیهاالسلام میرود، و قبر گم‌شده فاطمه را بدوستان نشان میدهد. پس از فتح جزیره‌العرب، رهسپار عراق میگردد، و از مدینه بسوی نجف روانه میگردد، و پس از فتح عراق برای زیارت جدش امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) حاضر میشود و درحین این فتوحات بر لشکریان او اضافه میشود، و لشکریان او در سرزمینهای مفتوحه مستقر میگرددند، آنگاه به سمت سوریه حرکت نماید، و پس از فتح سوریه بسوی قسطنطنیه میرود، و قسطنطنیه نیز بفرمان او درمیآید، آنگاه عده‌ای را برای فتح اروپا میفرستد، تا مردم آن‌قاره را به اسلام دعوت کنند. و عده‌ای را نیز به امریکا میفرستد، البته این نکته را باید تذکر دهیم که در این فتوحات مستضعفین جهان نقش بسیار عمده‌ای دارند، مردم مستضعف پنج قاره جهان آنقدر ظلم و جور دیده‌اند، همه منتظر این روز زیبا بوده‌اند، و وقتی این روز فرا میرسد، همه آن حضرت را در این امر یاری میکنند (۱۲۵)

۴- ایرانیان در شورای انقلاب

یکی از افتخارات ما ایرانیان این است که همیشه از محبان و دوستداران اهل بیت عصمت و طهاره بوده‌ایم و هستیم، و همیشه برای جانفشانی در راه اسلام و قرآن آماده بوده‌ایم، البته این نکته را هم باید تذکر بدهیم که اهل بیت عصمت و طهاره هم علاقه زیادی به این سرزمین دارند، و مانع‌های آنرا در طول انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی می‌بینیم و در شورای انقلاب امام مهدی که از سرتاسر جهان تشکیل میشود، ایرانیان به نسبت از همه کشورهای بیشترند، ابوجارود از امام صادق و امام باقر اسامی شهرها و تعداد افرادی که از آن شهرها جزو شورای انقلاب امام مهدی "عج" هستند بیان میکنند که ما در زیره این تعداد اشاره مینمائیم (۱۲۶)

طبرستان	۴ نفر (چهار نفر)
طالقان	۲۴ نفر (بیست و چهار نفر)
سجستان	۳ نفر (سه نفر)
همدان	۴ نفر (چهار نفر)
ارسواران	۱ نفر (یک نفر)
اهواز	۲ نفر (دو نفر)
شیراز	۱ نفر (یک نفر)
گرگان	۱۲ نفر (دوازده نفر)
شهری و تهران	۷ نفر (هفت نفر)
قم	۱۸ نفر (هیجده نفر)
مشهد	۵ نفر (پنج نفر)
نیشابور	۱۲ نفر (دوازده نفر)
دامغان	۱ نفر (یک نفر)

البته آمار بالا را ابونصیر از امام صادق (ع) میپرسد، و آنحضرت پاسخ میدهند، و این آمار در کتاب "غایت المرام" آمده است،

البته در بعضی از روایات دیگر علاوه بر این ۹۴ نفر به عده‌ای از ایرانیان از شهرهای دیگر نیز اشاره شده است مثلاً،

اصفهان	۱ نفر (یک نفر)
کرمان	۴ نفر (چهار نفر)
قزوین	۳ نفر (سه نفر)
سبزوار	۱۲ نفر (دوازده نفر)
واستان شمالی ایران	۴ نفر (چهار نفر)
قوچان	۴ نفر (چهار نفر)

که اگر ما این ۲۴ نفر را بر ۹۴ نفر قبلی اضافه کنیم از میان ۳۱۳ نفر شورای انقلاب امام مهدی ۱۱۸ نفر از آنها ایرانی هستند.

۵- علوم در این انقلاب به نقطه ماکزیم میرسند.

امام صادق علیه السلام زمانیکه درباره علوم در عصر انقلاب امام مهدی (عج) صحبت میکنند میفرمایند:

"علم بیست و هفت باب دارد، و آنچه از علوم را همه پیامبران میآوردند شامل دویاب بیشتر نمی شود، و مردم جهان هم فقط این دو سبب را می شناسند، اما هنگامیکه قائم ما قیام کند، او بیست و پنج باب دیگر را در میان مردم انتشار خواهد داد، و باین طریق هر بیست و هفت باب علوم را بمردم عرضه میدارد.

۶- ملغاء شدن همه دولت های باطل

امام مهدی با نیروی الهی، و با کمک شورای انقلاب ۳۱۳ نفری، و با همیاری مردم مستضعف جهان تمام حکومت های جابر و ظالم و فاسد و خائن را ملغاء شده اعلام میکند و یک حکومت جهانی تشکیل میدهد، در این زمینه امام محمدباقر (ع) میفرماید:

"إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ (۱۲۷)

یعنی چون قائم موعود بپاخیزد، همه حکومت های باطل را از میان میبرد و یک حکومت واحد جهانی تشکیل میدهد.

۷- حکومت امام زمان حکومت توحیدی است.

ما در قرآن کریم درباره این انقلاب جهانی چنین میخوانیم:

وَعَدَاللّٰهُ الَّذِيْنَ آمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفْنَهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنََهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَعْبُدُوْنََنِيْ الْاَيْشِرِكُوْنَ بِيْ شَيْئًا (سوره نور آیه ۵۵)

یعنی خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و کارهای نیک پیشه کنند وعده داده است که آنانرا در زمین نماینده و جانشین خود گرداند همچنانکه اقوام پیش از ایشانرا خلیفه گردانید و دینی را که بر ایشان برگزیده و بدان خشنود است، در روی زمین جایگزین نماید، و ترس و هراس آنانرا به آرامش دگرگون بسازد.

و در آخرین فراز آیه چنین می خوانیم 'يَعْبُدُوْنََنِيْ الْاَيْشِرِكُوْنَ بِيْ شَيْئًا' یعنی مرا می - پرستند و چیز دیگری را انباز من قرار نمی دهند.

آری مهدی موعود یک جامعه توحیدی تشکیل خواهد داد، و دیگر خبری از شرک و بت - پرستی و... نخواهد بود، و از تمام جهان فریاد لاله الا الله بگوش میرسد.

۸- پرچم این انقلاب

این انقلاب بزرگ جهانی دارای پرچمی مخصوص است، که با بینش و اندیشه و اد

اساس توحیدی این انقلاب مطابقت کند.

اینکه میگوئیم پرچم این انقلاب تطابق با جهان بینی این انقلاب دارد از این نظر است که هر کشور انقلابی سعی بر این دارد، بعد از پیروزی پرچمی مطابق بینش آن انقلاب تهیه کند، مثلاً " شما کشورهای کمونیستی را در نظر بگیرید، چون آنها فقط به مسائل مادی فکرمی-کنند لذا روی پرچمشان عکس داس و چکش را جای میدهند، چون انقلاب آنها فقط بر مبنای شکم آنهاست و یا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کلمه "الله" پرچم ایران را زینت داده است و اگر بادقت بر روی پرچم سه رنگ ایران بنگریم، جمله "لا اله الا الله" نیز دیده میشود و این میرساند، که جهان بینی این انقلاب اسلامی است.

و ما قبلاً گفتیم که انقلاب جهانی امام مهدی "عج" زیربنای توحیدی دارد لذا بر روی پرچم امام مهدی نوشته شده است "الْبَيْعَةُ لِلَّهِ" بلندی مقام فقط از آن "الله" است، و بیعت هم فقط برای خداست (۱۲۸)

۹- عمران و آبادانی نمودن جهان

اگر امروزه به نقاط مختلف جهان نظر افکنیم، قسمتهایی از جهان را که فقط حدود ۱۵ درصد در آن زندگی میکنند آبادان می بینیم در مقابل، محل زندگی ۸۵٪ از افراد بشر بسیار محقرانه و ناراحت کننده است در یک نقطه جهان درآمد سالیانه هر فرد ۱۰۸ دلار است اما در مقابل در نقطه ای دیگر درآمد سالیانه به ۴۰۰۰ دلار میرسد، در یک نقطه جهان عده ای در آسمان خراش ها و ساختمانهای لوکس زندگی می کنند و در نقطه دیگر جهان عده ای حتی یک چادر ندارند تا در زیر آن به زندگی خود ادامه دهند، امام مهدی در هنگام انقلابش شروع میکند به آبادان کردن و عمران نمودن سرتاسر جهان، لذا در حدیثی از معصوم میخوانیم.

وَإِنَّهُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَتَطْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَالْأَيْقُنُ فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ
إِلَّا يَعْمُرُهُ. (۱۲۹)

یعنی حکومت و سلطنت او تمام شرق و غرب جهان را دربر میگیرد، و همه گنجها خود را بیرون میاندازند، و امام مهدی همه جهان را عمران و آباد می نماید و هیچ نقطه ای خراب در روی زمین دیده نمیشود.

۱۰- ثروت های جهان را عادلانه تقسیم میکند.

همانطوریکه گفتم در این انقلاب تبعیضات از میان میرود، لذا اموال و معادن و "انفال" را بصورت مساوی مابین همه تقسیم میکند، تقسیم اموال بر اساس ملاکهای اسلامی میشود، نه بر

اساس ملاکهای پوسیده و ارتجاعی طبقاتی، لذا در این انقلاب همه بطور مساوی از ثروت‌های خداداد استفاده خواهند کرد، امام باقر (ع) در ضمن حدیثی در این باره میفرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ، وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ، الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ
فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ. (۱۳۰)

یعنی زمانیکه قائم ما قیام کند، ثروتها را بصورت مساوی مابین انسانها تقسیم میکند، و در بین مخلوقات خداوند خواه نیکوکار باشند و یا فاجر به مهربانی و عدالت رفتار می‌نماید هرکس از او اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده است، و هرکس بر علیه او عصیان نماید، بر علیه خداوند عصیان نموده است.

۱۱ - یکی از هدفهای مهم حکومتش برپائی عدالت است

همانطوریکه قبلاً اشاره کردیم انبیاء الهی همه قیام نمودند، تا عدالت را در زمین بگسترانند، لذا امام مهدی "عج" آرزوی همه پیامبران الهی را جامه عمل می‌پوشاند، علی - بن عقبه از پدرش از امام (ع) نقل میکند که فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِ إِلِي أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى
يُظْهِرُوا وَالْإِسْلَامَ وَيُعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ. أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي -
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ. (۱۳۱)

زمانیکه قائم قیام کند، او بعدالت حکومت می‌نماید، و در زمان او جور و ظلم و ستم نکلی نابود شود و در راهها امنیت و ایمنی برقرار میگردد، و زمین ذخائر خود را و برکاتش را ظاهر مینماید، "او" حق هرکس را به اهلش برمی‌گرداند، و هیچکس باقی نمی‌ماند، مگر - اینکه اسلام خود را ظاهر بنماید "یعنی بگوید من مسلمان هستم، و اعتراف به ایمان خود بنماید و مگر نشنیده‌ای که خداوند سبحان فرموده است " هر چه در زمین و آسمان است تسلیم او خواهد شد.

۱۲ - اسلام دین رسمی این انقلاب است

باز قبلاً اشاره کردیم که دیانت مقدس اسلام دین رسمی حکومت جهانی امام زمان (ع) است، ابوالجارود از امام محمدباقر (ع) نقل میکند که:

يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا وَيَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ (ص)

یسیر بسیره سلیمان بن داود (۱۳۲)

یعنی خداوند شرق و غرب عالم را برای او می‌گشاید (و او همه جا را فتح میکند) و میکشد عده‌ای از مردم بی‌دین را که جز دین محمد (ص) باقی نماند، و او بر روش سلیمان بن داود حکومت میکند، پس همه کره زمین در این انقلاب بدین پیامبر اسلام (ص) درمی‌آیند.

۱۳ - خدا به صنعت کشاورزی برکت میدهد

یکی از دردهای بی‌درمانی که امروزه گریبانگیر بشریت است نبودن اغذیه کامل در سطح جهان، بآن حدی که امروز نخست وزیر بنگلادش اعلام میکند که اگر تا ۱۵ سال دیگر غذای کافی به این کشور نرسد یک مرگ همگانی ۷۵ میلیون جمعیت این کشور را نابود میکند، و یادر هندوستان و قسمتهای زیادی از افریقا... مردم با کمبود، مواد کشاورزی و غذائی روبرو هستند، اما در قیام و انقلاب امام مهدی برکات زمین و آسمان بر مردم ظاهر میگردد، و صنعت کشاورزی به مدرن‌ترین نوع و به حداکثر تولید میرسد، پیامبر گرامی اسلام در این باره میفرماید:

"يُخْرِجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا"

یعنی در زمان قیام و انقلاب مهدی "عج" آسمان بارانش را میفرستد و زمین نباتش را بیرون میدهد.

۱۴ - بشریت به منتهی درجه تکامل میرسد

تکامل عقلی و فکری بشر در هر زمان بر اساس همان نظامی که بر او سلطه دارد کامل میشود شما امروزه حکومت‌ها و نظامهای بی‌قید و بند و آلوده به فساد غرب را در نظر بگیرید، و به مردم غرب توجه کنید فساد را که در حکومت می‌بینید در مردم بطور کامل مشاهده خواهید کرد.

و یا ایران زمان شاه خائن را بنیاد آورید، خاندان کثیف سلطنت همه‌بی‌بندوبار بودند لذا در گوشه و کنار این کشور نیز بی‌بندوباری دیده میشده است، و بیشتر فکرها در شهوات سیر مینمود اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران - چون نظام این حکومت اسلامی است، وضع کشور فرق کرده است، دیگر ما بر سر در سینما عکس زنهای عریان را مشاهده نمی‌کنیم، دیگر زن‌ها با مینی‌ژوب و نیمه عریان به خیابانها نمی‌آیند، دیگر خواهران ما عریانی را تمسدن نمی‌دانند بلکه آنها مایه ننگ بشر بحساب می‌آورند. پس اگر نظامی مسیر حیوانی را طی کند، مردم نیز در جهت حیوانی قرار میگیرند، ولی اگر نظامی کمالات عقلانی و انسانی را طی کند مردم هم به تکامل عقل و فکر میپردازند، حکومت امام مهدی "عج" چنین است، یعنی بشریت

از نظر عقلی و فکر به منتهی درجه تکامل خود میرسد.

امام باقر (ع) میفرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ
أَحْلَاقَهُمْ (۱۳۳)

یعنی هنگامیکه قائم ماقیام و انقلاب بنماید، خداوند دست او را بر سر بندگان قرار میدهد، و عقل و اخلاق مردم را تکامل میبخشد.

و اما صادق (ع) میفرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ ، وَكَذَلِكَ الَّذِي
فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ (۱۳۴)

همانا مؤمن در زمان انقلاب جهانی امام زمان (ع) می بیند برادر مؤمن خود را در مغرب، و اگر در مغرب باشد می بیند برادر مؤمنش را در مشرق، باز امام صادق (ع) میفرماید:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ
بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ (۱۳۵)

یعنی وقتی قائم ماقیام میکند، گوش و چشمهای شیعیان ما بُرد بیشتری پیدا می کند، آنچنانکه زمانیکه قائم در جایگاه خود نشسته است، با آنان سخن میگوید، بدون آنکه پیکی در کار باشد، شیعیان ما او را می بینند و صدای او را می شنوند.

۱۵ - حکومت بر قلبها

همه دانشمندان و متفکرین و سیاستمداران میگویند بهترین حکومت، حکومت بر قلبهاست حکومتی که مردم حاکم را دوست داشته باشند، ما مسلمانان معتقدیم که حکومت مهدی حکومت بر قلبهاست، عملکرد نظام انقلابی مهدی طور است که همه مستضعفین جهان و همه کسانی که بزیر پرچم "الْبَيْعَةُ لِلَّهِ" گرد آمده اند، دوستدار و عاشق مهدی هستند، باید باشند، چون مهدی "عج" یک حاکم الهی، مهدی "عج" برای آنها خیر دنیا و آخرت را به ارمغان میآورد. مهدی "عج" دست همه ظالمان و فاسدان و جانیان و خائنان را از سر آنها کوتاه می کند، مهدی "عج" حکومتی توحیدی بآنها هدیه می نماید، مهدی "عج" دنیای خراب آنها را آبادانی می نماید. و مهدی "عج" ثروتهای خدادادی را مابین آنها بر اساس شرع مقدس اسلام به مساوی

تقسیم میکند، مهدی "عج" عقل و فکر آنها را تکامل می بخشد... و بطور کلی عملکرد او طوری است که همه او را دوست دارند و از او خوشنودند.

پیامبر خدا میفرماید: مهدی از فرزندان من است که اهل آسمان و زمین از پادشاهی او خشنود میشوند حتی پرنندگان هوا از سلطنت او مسرور و مشوقند. (۱۳۶)

باز پیامبر خدا میفرماید: نوید باد شما را به مهدی که اهل زمین و آسمان از او خشنود میباشند و پر میکند دلهای امت محمد را از بی نیازی و گشایش میدهد آنها را به دادگری و عدالت پروری (۱۳۷)

حدیثی بن یمان از پیامبر خدا (ص) نقل میکند که: رسول خدا (ص) فرمودند، زمانی که مهدی انقلاب کند و ظاهر گردد، آسمانیان و زمینیان، وحوش و پرنندگان همه از حکومت آسمانی او راضی و خشنودند (۱۳۸)

آری مهدی (عج) حاکم بر قلبهاست.

حضرت مهدی ^{عج}

إِنَّا غَيْرُ مَهْمَلِينَ بِرَأَاغَانِكُمْ وَ
لَا نَأْسِ بِرِئْدِكُمْ.

همانا در رعایت حال شما کوتاهی نمیکنیم و یاد شما را

از خاطر نمی بریم. بحار الأنوار - ج ۵۳ ص ۱۷۵

مهدی قائم

بخشی از اوصاف امام زمان علیه السلام در قالب
نظم و از زبان حضرت آیه الله العظمی امام خمینی

مصطفی سیرت، علی فر، فاطمه عصمت، حسن خو
هم حسین قدرت، علی زهد و محمد علم و مه رو
شاه جعفر فیض و کاظم علم و هفتم قبله گیسو
هم تقی تقوا، تقی بخشایش و هم عسکری مو
مهدی قائم که از وی جمع اوصاف خوبان شد

پادشاه عسکری طلعت، تقی حشمت، تقی فر
یوالحسن فرمان و موسی قدرت و تقدیر جعفر
علم باقر، زهد سجاد و حسینی تاج افسر
مجتبی حکم و رضیه عصمت و دولت چه حیدر
مصطفی اوصاف مجلای خداوند جهان شد

روزگارش گرچه از پیشینیان بودی مؤخر
لیک از آدم بود فرمانش تا عیسی مقرر
از فراز توده غبرا تا گردون اخضر
و از طراز قبه ناسوت تا لاهوت یکسر
بنده فرمانبرش گردید عید آستان شد

پادشاهها کار اسلام است و اسلامی پریشان
در چنین عیدی^(۱) که باید هر کسی باشد غزلخوان
بنگرم از هر طرف، هر بیدلی سردرگریبان
خسروا از جای برخیز و مدد کن ز اهل ایمان
خاصه این آیت که پشت و ملجأ اسلامیان شد

تا ولایت بر ولی عصر می باشد مقرر
تا نبوت را محمد تا خلافت راست حیدر
تا که شعر من بود از شهد چون قند مکرر
پوست زندان، رگ سنان و مژه پیکان موی نشتر
باد آنکس را که خصم جاه توازنس جان شد

(۱) این ۵ بند از میان قصیده‌ای مفصل درمخمس که
تراوشی از قریحه حضرت آیه الله العظمی امام
خمینی در دوران جوانی است نقل شده و تمام قصیده
را می‌توانید در صفحات ۵۵ تا ۵۹ کتاب بررسی و تحلیلی
از نهضت امام خمینی در ایران چاپ نجف جلد اول
ببینید.

(۲) ظاهراً این قصیده زمانی سروده شده است که
عید نوروز با میلاد امام عصر ارواحنا فداه قرین
بوده است.

"حبیب چایچیان"

بنال ای نی

چو آرامش در این دار فنا نیست
بجز عشق و نوای عاشقانه
که هر نالیدنش ذکر خدا بود
نمی دانم که از پیشم کجا رفت
به پشت پرده غیبت نشسته
چو تنها اشک ریزد آن دل آرام
تشنیم، چو بنفشه، بر لب جو
دگر او را مگر در خواب بینم
از اینرو گشته ام تاکام و محروم

بنال ای نی، که دنیا را یقا نیست
بنال ای نی، همانند جاودانه
بنال ای نی، بلحن نای داود
بنال ای نی، که یار دلریا رفت
بنال ای نی، که پارم زار و خسته
بنال ای نی، بهر صبح و بهر شام
بنال ای نی، گل پی خار من کو؟
مگر عکس رخس در آب بینم
که مزره آلوده ام - او پاک و معصوم

که پنهان آتشی دارم بسینه
تو گوئی سایه اش می بینم از دور
بدور قبر نیایدای زهرا ...
ز غیبت قلبها آزرده تا کی؟

بنمال ای نی، بیاضات مدینه
چو خوش آید بگویش نغمه حور
مگر، می گزدد آن یار دل آرا
خدایا، رازها در پرده تا کی؟

که یا مهدی جهان پر شد ز بیداد
نوای میرآفرین، لطف خدائی
ز باطل، زسدکی، بر باد رفته
همه جنک است، خون ریزی دمادم
کسی را از کسی دیگر خیر نیست
همه، نامهربان، دور از ترحم
بدین دنیای فانی، دل، سیرده
تسلی بخش دلهای شکسته

بنال ای نی، بگو با شور و فریاد
کجائی، ای گل زهرا کجائی؟
بشر را، ذکر حق، از یاد رفته
بجان هم فتاده نسل آدم
دگر فکر تعاون در بشر نیست
در این عصرانم، گمراه مردم
همه، بی روح و بی ایمان و، مرده
بیا، ای یار انسانهای خسته

فروغ کلیه آوارگان باش
پیشانی عالمی، سامان پمذیرد

بیا، خود چاره بیچارگان باش
بیا، تا قلبها آرام گیرد

وصف حضرت ولی عصر (عج)

آفت جان زار من، چشم سیاه یار من
 لعبت گلغذار من، برده زکف قرار من
 یکسره روزگار من، کرده چوشام تار من
 تشنه و داغدار من، زمزم و چشمه سار من
 مانده در انتظار من، برج فلک مدار من
 می پردازد دیار من، قمری لاله زار من
 حاصل کشتزار من، می برد از کنار من
 تا نگرد فرار من، طعنه زند نکار من
 عشوه برد بکار من، در هوس شکار من
 سرور و شهریار من، آمده غمگسار من
 والی اختیار من، نور من است و تار من
 مکه و یادگار من، مانده زده چهار من
 دامن شهباز من، دست ربیع و کار من

مدح علی دثار من
 وصف نبی شعار من

چشم سیاه یار من، آفت جان زار من
 برده زکف قرار من، لعبت گلغذار من
 کرده چوشام تار من، یکسره روزگار من
 زمزم و چشمه سار من، تشنه و داغدار من
 برج فلک مدار من، مانده در انتظار من
 قمری لاله زار من، می پردازد دیار من
 می برد از کنار من، حاصل کشتزار من
 طعنه زند نگار من، تا نگرد فرار من
 در هوس شکار من، عشوه برد بکار من
 آمده غمگسار من، سرور و شهریار من
 نور من است و تار من، والی اختیار من
 مانده زده چهار من، مکه و یادگار من
 دست ربیع و کار من، دامن شهباز من

وصف نبی شعار من
 مدح علی دثار من

مدارك و مآخذ

- ۱ - ینابیع الموده ص ۴۴۷ - فرائد السمطين - غایة المرام - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان - فوائد الاخبار .
- ۲ - پاره‌ای از کتابهاییکه تایحال پیرامون مهدویت نوشته شده است عبارتند از:
 - الف - ادیان و مهدویت محمد بهشتی پ - نوید امن و امان ، لطف الله صافی پ - دادگستر جهان ، ابراهیم امینی ت - همه در انتظار اویند ، حسن سعید ث - موعود جهانی ، موسوی زنجانی ج - امام مهدی حماسه‌ای از نور ، محمد باقر صدر ج - جهانگشای عادل ، جمال الدین دین پرور ح - قیام و انقلاب مهدی ، استاد شهید مطهری خ - انقلاب مهدی ، شهید سید محمد باقر صدر د - امید و انتظار ، محمد تقی جعفری ذ - مهدی انقلابی بزرگ ، ناصر مکارم شیرازی ر - مسئله انتظار ، ناصر مکارم شیرازی ز - انتظار عامل مقاومت و حرکت ص - اسرار و فوائد وجود حضرت ولی عصر ، رسول زاده ص - الملاحم ووالفتن ، سید بن طاووس ط - امام مهدی آخرین پناه ، دکتر فریدونی ظ - انتظار بذر انقلاب ، حسین تاجری ع - راز نیایش منتظران ، آیت اله موسوی اصفهانی غ - تشیع و انتظار محمد تقی خلجی ف - خورشید مغرب ، محمد رضا حکیمی ق - نجم الثاقب - ک - ترجمه کتاب المهدی - گ - خدا و مهدی - ل - غیبت نعمانی - ن - منتخب الاثر - م - منتقم حقیقی و
- ۳ - کمال الدین شیخ صدوق ج ۲ ص ۴۱۲
- ۴ - اعلام الوری باعلام الهدی ص ۴۱۵ تالیف شیخ طبرسی .
- ۵ - المیزان - و - انسان و ایمان . (استاد مطهری)
- ۶ - سیر حکمت در اروپا جلد اول .
- ۷ - طبق گفته سید بحرانی و آ میرزا رضا همدانی در کتاب انوار قدسیه بیش از ده هزار حدیث پیرامون مسئله مهدویت موجود است .
- ۸ - قسمتی از دعای عهد در کتاب مفاتیح الجنان .
- ۹ - فرازی از دعای افتتاح که منسوب به امام عصر (عج) است .
- ۱۰ - پیام مجله یونسکو - آبان ۱۳۴۸
- ۱۱ - روزنامه اطلاعات - یکشنبه دوم اسفند ۱۳۴۳
- ۱۲ - جزء اول کافی ص ۲۶۹
- ۱۳ - نهج البلاغه خطبه ۱۳۳

- ۱۴ - سوره انعام آیه ۱۹
- ۱۵ - سوره کهف آیه ۲۷
- ۱۶ - سوره فرقان آیه ۱
- ۱۷ - کمال الدین شیخ صدوق ص ۳۲۲ و منتخب الاثر ص ۲۷۵
- ۱۸ - کمال الدین ص ۶۵۲ و منتخب الاثر ص ۲۸۴
- ۱۹ - منتخب الاثر ص ۲۸۵ - کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان - شیخ جمال الدین دمشقی در کتاب عقد الدرر - کتاب ینابیع الموده ، خواجه کلان قندوزی .
- ۲۰ - سوره "ص" آیه ۲۶
- ۲۱ - زبور داود مزمو ۳۷ .
- ۲۲ - زبور داود مزمو ۲۷
- ۲۳ - لازم بتذکر است مشتاقانی که بخواهند درباره کتاب "نبوءه هیلد" یا وحی کودک بیشتر تحقیق کنند میتوانند بکتاب "اقامة الشهود فی رد الیهود" مراجعه نمایند .
- ۲۴ - حضرت مهدی (عج) دارای دو غیبت می باشند الف - غیبت صغری یا غیبت کوچک که مدت آن از سال ۲۵۵ هجری قمری تا سال ۳۲۹ (ق.ه) است و بنا بر قولی از سال (۲۶۰) الی (۳۲۹) هجری قمری می باشد .
- ب - غیبت کبری که از سال ۳۲۹ (ق.ه) بعد است و آنحضرت در زمان غیبت صغری دارای چهار نایب بودند که اسماء مقدس آنان عبارتست از اول عثمان بن سعید عمروی - دوم محمد بن عثمان - سوم حسین بن روح نوبختی - چهارم علی بن محمد سیمری ، که باین چهار نفر نواب اربعه یا نواب خاصه هم می گویند .
- ۲۵ - قسمتی از توفیق معروف حضرت مهدی (عج) است به نایب چهارم (علی بن محمد - سیمری) .
- ۲۶ - بنقل از تفسیر المیزان جلد ۳۱ ص ۲۳ و ۲۴ .
- ۲۷ - زبور داود مزمو ۳۷ و ۲۷
- ۲۸ - تفسیر صافی ذیل همین آیه
- ۲۹ - منتخب الاثر ص ۱۰۱ حدیث ۴ - کمال الدین ص ۲۵۳ - اثبات الهدی جلد ۲ ص ۳۷۳ .
- ۳۰ - منتخب الاثر ص ۳۰۵
- ۳۱ - کمال الدین ص ۲۸۴
- ۳۲ - کمال الدین ص ۳۱۶ - منتخب الاثر ص ۲۰۶
- ۳۳ - منتخب الاثر ص ۱۷۹ - ینابیع الموده ص ۴۳۳ .
- ۳۴ - کمال الدین ص ۳۳۶ - منتخب الاثر ص ۴۸۰

- ۳۵ - منتخب الاثر ص ۳۱۰ - غیبت نعمانی
- ۳۶ - منتخب الاثر ص ۳۱۰ - غیبت نعمانی
- ۳۷ - منتخب الاثر ص ۲۸۴ - کمال الدین ص ۳۲۷
- ۳۸ - منتخب الاثر ص ۴۷۱ - روضه کافی
- ۳۹ - منتخب الاثر ص ۲۹۱ - کمال الدین ص ۳۳۱
- ۴۰ - منتخب الاثر ص ۱۸۳ - کمال الدین ص ۴۱۱
- ۴۱ - منتخب الاثر ص ۲۹۳ - المحجه سيد بحرانی
- ۴۲ - منتخب الاثر ص ۱۵۸ - البيان في اخبار صاحب الزمان حافظ گنجی شافعی
- ۴۳ - منتخب الاثر ص ۳۰ - كفاية الاثر
- ۴۴ - منتخب الاثر ص ۴۶۳ - غیبت نعمانی
- ۴۵ - منتخب الاثر ص ۴۹۷
- ۴۶ - منتخب الاثر
- ۴۷ - کمال الدین جلد یک ص ۳۲۳
- ۴۸ - کمال الدین ج ۲ ص ۳۳۸
- ۴۹ - منتخب الاثر ص ۲۴۴
- ۵۰ - سنن حافظ ترمذی - سنن حافظ ابوداود - سنن ابن ماجه - مستدرک حاکم نیشابوری -
منتخب الاثر
- ۵۱ - تفسیر سوره یوسف نوشته سید علی محمد باب - کتاب رحيق مختوم نوشته عبدالحمید اشراق خاوری که از بزرگترین مبلغین بهائی بود
- ۵۲ - اسرار الاثار ج ۱ ص ۱۸۱ - نوشته فاضل مازندرانی ، که یکی از مهمترین مبلغین بهائی بود
- ۵۳ - آئین باب ص ۱۴ و ۱۵
- ۵۴ - تاریخ تلخیص نیل زرندی ص ۸۲
- ۵۵ - تاریخ تلخیص نیل زرندی ص ۱۳۰
- ۵۶ - تاریخ تلخیص نیل زرندی ص ۱۳۸
- ۵۷ - تاریخ تلخیص نیل زرندی ص ۱۴۱
- ۵۸ - تاریخ تلخیص نیل زرندی ص ۱۹۰
- ۵۹ - قرن بدیع جلد ۱ ص ۱۱۴ و ۱۱۵ نوشته شوقی لهندی جانشین دوم بهاء الله
- ۶۰ - کتاب تاریخ ظهور الحق نوشته فاضل مازندرانی ص ۱۷۳
- ۶۱ - قرن بدیع ج ۱ ص ۶۷

- ۶۲ - لوح هیکل الدین ص ۵ که دنباله کتاب بیان عربی چاپ شده است .
- ۶۳ - قرن بدیع ج ۲ ص ۲۲
- ۶۴ - کشف الغطاء ص ۲۰۴ و ۲۰۵ - نوشته میرزا ابوالفضل گلپایگانی .
- ۶۵ - کمال الدین - بحار الانوار - منتخب الاثر .
- ۶۶ - عثمان بن سعید یکی از اصحاب امام هادی (ع) و یکی از یاران باوفای امام حسن عسکری و نایب اول امام مهدی (عج) می باشد .
- ۶۷ - کمال الدین ص ۴۳۰
- ۶۸ - کمال الدین ص ۴۳۱
- ۶۹ - کمال الدین ص ۴۳۱
- ۷۰ - کمال الدین ص ۴۳۱
- ۷۱ - کمال الدین ص ۴۳۴
- ۷۲ - کمال الدین ص ۴۳۴
- ۷۳ - اصول کافی ج ۱ - کتاب الحجج ص ۲۵۱
- ۷۴ - اصول کافی ج ۱ - کتاب الحجج ص ۲۵۲
- ۷۵ - اصول کافی ج ۱ - کتاب الحجج ص ۲۵۲
- ۷۶ - اصول کافی ج ۱ - کتاب الحجج ص ۲۵۲
- ۷۷ - سوره بقره آیات ۲ و ۳
- ۷۸ - پینایع الموده ص ۴۹۴ - فرائد السمطين ص ۴۴۸ - کمال الدین ص ۲۸۸ - منتخب الاثر ص ۱۸۸ .
- ۷۹ - منتخب الاثر ص ۲۱۵ - کمال الدین ص ۲۴۳
- ۸۰ - اصول کافی ج ۲ کتاب الحجج ص ۱۳۷
- ۸۱ - اصول کافی ج ۲ کتاب الحجج ص ۱۳۳
- ۸۲ - اصول کافی ج ۲ کتاب الحجج ص ۱۳۸
- ۸۳ - شیعه دارای چهار کتاب بسیار مهم است که این کتب به کتب اربعه معروف می باشد ، که عبارتند از :
- الف - اصول کافی نوشته محمد بن یعقوب کلینی
- ب - من لایحضره الفقیه نوشته شیخ صدوق
- ج - استبصار ، تهذیب که هر دو تالیف شیخ طوسی می باشد .
- ۸۴ - برای تحقیق بیشتر پیرامون مسئله ولایت فقیه می توانید به کتاب قاندا عظم و بنیان گزار جمهوری اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی که به کتاب "ولایت فقیه" و یا

"حکومت اسلامی" مشهور است مراجعه بفرمائید، و نویسنده در همین زمینه کتابی نوشته است بنام از حکومت الله تا ولایت فقیه.

۸۵- قرآن کریم سوره توبه آیه ۱۲۲.

۸۶- کمال الدین ص ۴۸۴ - بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۸۱ - وسائل الشیعه ج ۱۸، کتاب

القضا ص ۱۰۱.

۸۷- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۷۵

۸۸- اصول کافی ج ۱ ص ۳۹

۸۹- اصول کافی جلد ۱ کتاب فضل العلم ص ۴۷

۹۰- اصول کافی جلد ۱ کتاب فضل العلم ص ۵۸

۹۱- عوائد نراقی جلد ۷ ص ۱۸۶

۹۲- عوائد نراقی بنقل از جامع الاخبار ص ۱۸۶ روایت ۶

۹۳- وسائل الشیعه جلد ۱۸ ص ۹۵

۹۴- کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، "امام خمینی" ص ۵۳

۹۵- کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، "امام خمینی" ص ۵۵

۹۶- کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، "امام خمینی" ص ۵۵ و ۵۶

۹۷- کمال الدین ص ۳۲۲ - منتخب الاثر، فصل ۲ - باب ۳۰، ص ۲۷۵

۹۸- منتخب الاثر فصل ۲ باب ۳۰ - ص ۲۷۴

۹۹- منتخب الاثر ص ۲۸۴ - کمال الدین ۶۵۲

۱۰۰- البته ما این مطلب را هرگز نمی توانیم انکار کنیم که مدت طول عمر دست خداست

و هیچکس نمی تواند یکی دیگر عمر بدهد.

۱۰۱- هفته نامه اخبار پزشکی شماره ۲۲۴ سال ۵

۱۰۲- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ ص ۲۲۸ نوشته استاد شهید و بزرگوار دکتر

سیدرضا پاک نژاد.

۱۰۳- روزنامه اطلاعات ۲۷ تیرماه ۱۳۴۴ و کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲

ص ۲۳.

۱۰۴- اسفار ملاصدرا - کتاب امام مهدی آخرین پناه از دکتر فریدونی.

۱۰۵- قرآن کریم - سوره آل عمران آیه ۱۴۵

۱۰۶- قرآن کریم - سوره فاطر آیه ۱۱

۱۰۷- قرآن کریم سوره صافات آیات ۱۴۳ و ۱۴۴

۱۰۸- مفاتیح الجنان قسمتی از زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

- ۱۰۹ - بحار الانوار جلد ۵۲ ص ۳۰
- ۱۱۰ - بحار الانوار جلد ۵۳ باب ۲۱
- ۱۱۱ - بحار الانوار جلد ۵۳ ص ۱۷۵
- ۱۱۲ - بحار الانوار جلد ۵۳ ص ۱۹۱
- ۱۱۳ - بحار الانوار جلد ۵۳ ص ۱۹۱
- ۱۱۴ - بحار الانوار جلد ۵۳ ص ۱۷۶
- ۱۱۵ - دین و فطرت جلد اول بنقل از استاد اعظم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی
- ۱۱۶ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۸۱
- ۱۱۷ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰
- ۱۱۸ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰
- ۱۱۹ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۸۱ - کمال الدین ص ۴۸۴ - وسائل الشیعه ج ۱۸ کتاب - القضا ص ۱۰۱
- ۱۲۰ - منتخب الاثر باب سوم از فصل چهارم حدیث ۱۳
- ۱۲۱ - الملاحم والفتن باب ۱۲۹ - عقد الدرر - باب ۷ - فتوحات مکیه، محی الدین - عربی ج ۳، باب ۳۶۶ ص ۳۲۷
- ۱۲۲ - منتقم حقیقی ص ۳۸۱ بنقل از امام صادق (ع)
- ۱۲۳ - الملاحم باب ۱۲۹ - عقد الدرر باب ۷ - فتوحات مکیه ج ۳ - باب ۳۶۶ ص ۳۲۷ بنقل از امام محمد باقر (ع)
- ۱۲۴ - منتقم حقیقی بنقل از امام صادق (ع) از طریق مفضل ص ۳۸۱ (چاپ پنجم)
- ۱۲۵ - منتقم حقیقی بنقل از امام صادق (ع) از طریق مفضل ص ۳۸۲ و ۳۸۳
- ۱۲۶ - منتقم حقیقی ص ۳۹۶ (چاپ پنجم)
- ۱۲۷ - منتخب الاثر ص ۴۷۱ - روضه کافی
- ۱۲۸ - ینابیع الموده ص ۴۳۵ - کمال الدین - بحار الانوار - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان باب ۷ - الملاحم والفتن باب ۱۴۱
- ۱۲۹ - منتخب الاثر فصل ۷ باب ۱۱ ص ۴۸۲
- ۱۳۰ - منتخب الاثر ص ۳۱۰ باب ۴۵ - حدیث ۱
- ۱۳۱ - قرب الاسناد - غیبت نعمانی - منتخب الاثر - منتقم حقیقی ص ۱۵۸
- ۱۳۲ - بحار الانوار
- ۱۳۳ - منتخب الاثر فصل ۷ باب ۱۲ ص ۴۸۳
- ۱۳۴ - حق الیقین - منتخب الاثر ص ۴۸۳

- ۱۳۵ - روضه کافی - بحار الانوار - منتخب الاثر ص ۴۸۳
- ۱۳۶ - صواعق المحرقة ص ۹۸ - عرف الوردی ص ۶۶ - المهدی ص ۱۰۲ - منتقم حقیقی ص ۳۳۹ (چاپ پنجم)
- ۱۳۷ - اسعاف الراغبین ص ۱۵۱ - منتقم حقیقی ص ۳۳۹ (چاپ پنجم)
- ۱۳۸ - منتقم حقیقی ص ۳۳۹ (چاپ پنجم)

فهرست مطالب کتاب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه‌ای بر کتاب
۱۰	شناخت انقلاب (۱)
۱۵	راز و نیاز
۱۶	شناخت انقلاب (۲)
۱۸	فرازی از دعای عهد
۱۹	آمار و ارقام
۲۲	چه باید کرد؟
۲۴	حکومت واحد جهانی از نظر دانشمندان غیرمسلمان
۲۷	وجه مشترک ادیان در این انقلاب جهانی (۱)
۲۹	وجه مشترک ادیان در این انقلاب جهانی (۲)
۳۵	انقلاب مستضعفین جهان و کتاب زیور داود
۳۷	کتاب وحی کودک
۴۰	مسیحیت و انجیل
۴۶	اصلاح امر فـرج
۴۷	دیانت مقدس اسلام
۵۱	آخرین کتاب و آخرین پناه
۵۷	تشکیل حکومت واحد جهانی

۶۰	انقلاب جهانی امام زمان و احادیث و روایات
۶۶	منسوبین بقائمیت
۶۹	مدعیان مهدویت
۸۱	آشنائی با رهبریت انقلاب (تولد)
۸۷	وفات امام یازدهم و امامت امام دوازدهم
۸۸	غیبت رهبر انقلاب
۹۷	امام مهدی و مسئله طول عمر
۱۰۴	استثنائات
۱۱۰	فرازی از زیارت حضرت صاحب الامر (ع)
۱۱۱	سخنانی از رهبریت انقلاب
۱۱۳	برنامه انقلابی امام مهدی (ع)
۱۲۳	قصیده‌ای در اوصاف امام زمان از زبان امام خمینی
۱۲۴	بنیال ای نی
۱۲۵	وصف حضرت ولی عصر (ع)
۱۲۶	ماخذ
۱۳۳	فهرست